

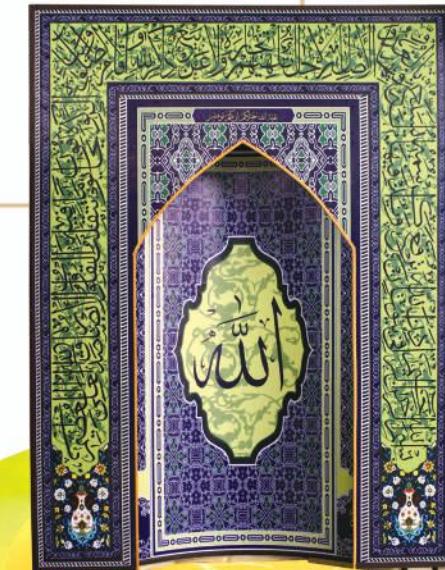
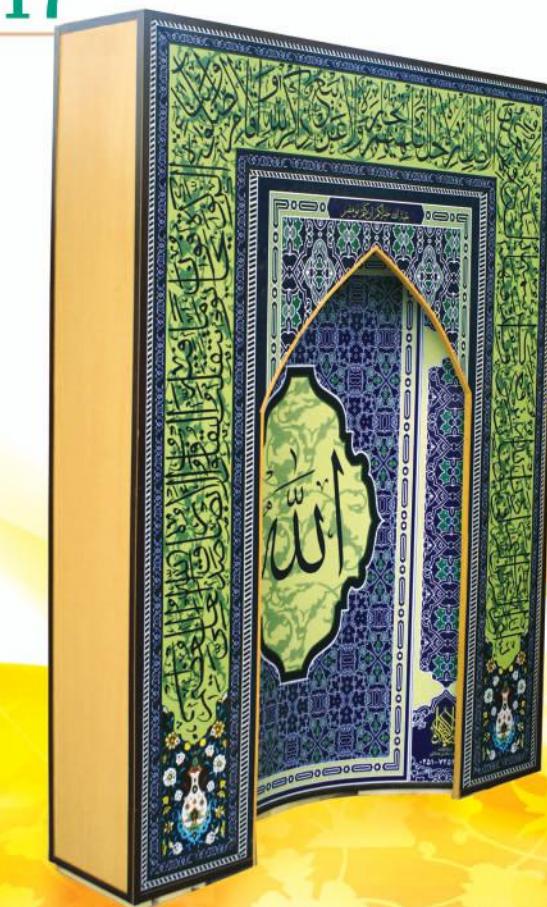


انتشارات مسجد مقدس جمکران

تولیدکننده محراب‌های پیش ساخته جهت نمازخانه
ادارات، نهادهای اداری و مدارس
در ابعاد $250 \times 180 \times 45$ و با وزن تقریبی ۱۵۰ کیلوگرم
تلفن: ۰۲۱-۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱-۷۲۲۵۰۵۰

www.aman.ir
تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰

AMAN 17



به بیانه‌ای بسته است
سیاه، سفید، خاکستری
جامعه منظر پیشگام در دانش و فناوری
ویروس عطش مصرف یا سرمایه سوزی
کفتک با جمل شورجه
جلوه هایی از زیارت امام
دولت زمینه ساز





**ما فهم مطالب علمی و دینی را
به شیما ارمغان خواهیم داد.**

پورتال جامع اطلاع رسانی راسخون
با بیش از ۱۸۰۰۰ مقاله در موضوعات
دینی، علمی، پژوهشی، تاریخ، سیاست و ...



لذت عشق تو را جز عاشق محزون نداند
رنج لذت بخش هجران را به جز مجعون نداند
تانگشتی کوهکن شیرینی هجران ندانی
نازپرورد ره آورد دل پرخون نداند
خسرو از شیرین نیابد رنگ و بویی
تا چو فرهاد از درونش رنگ و بو بیرون نداند
یوسفی باید که در دام زیبا دل نیاند
ورنه خورشید و کواكب در برش مفتون نداند
غرق دریا جز خروش موج بی پایان نبیند
بادیه پیمای عشقت ساحل و هامون نداند
جلوہ دلدار را آغاز و انجامی نباشد
عشق بی پایان ما جز آن چرا و چون نداند
امام خمینی(ره)

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است
جان را هوای از قفس تن پریدن است
از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان
بانگ جرس به شوق به منزل رسیدن است
دستم نمی رسد که دل از سینه برکنم
باری علاج شکر، گربیان دریدن است
شامم سیه ترست ز گیسوی سرکشت
خورشید من برآی که وقت دمیدن است
سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی
مرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است
بگرفت آب و رنگ ز فیض حضور تو
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است
با اهل درد، شرح غم خود نمی کنم
تقدیر غصه دل من، ناشنیدن است
آن را که لب به دام هوس گشت آشنا
روزی «امین» سزا لب حسرت گزیدن است

مقام معظم رهبری



تذکر مهم:

به علت محدود بودن نمایندگی های
محله امان خوانندگان گرامی بهتر است
جهت دریافت سریعتر مجله، فرم اشتراک
را تکمیل نموده و برای ما ارسال نمایند.



انیٰ امان لاهل الارضن ...
(من مایه اسایش و امانت اهل زینت)

مدیر مسئول: مجتبی کلباسی
سوزدیبیر: محمد صابر جعفری
مدیر اجرایی: حامد اسلامجو
مدیر هنری: رضا عاشوری
واژه نگار: عباس فریدی

مراکز پخش: قم/ مرکز تخصصی مهدویت ۰۱-۲۵۱-۷۷۳۷۸۰۱ .
۰۲۵۱-۷۷۳۷۸۰۱ .
انتشارات مسجد مقدس جمکران/تلفن ۰۲۵۱-۷۷۳۷۸۰۱ .
تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) ۰۲۱-۸۸۹۸۱۳۸۹ .
اصفهان: ۰۴۱-۲۲۲۳۰۰۷ .
ارومیه: ۰۴۱-۲۲۲۳۰۰۷ .
مشهد: ۰۵۱۱-۲۲۳۶۸۱۷ .
شیراز: ۰۷۱۱-۲۳۴۹۳۰۰ .
کرمان: ۰۴۱-۵۵۴۵۷۲۷ .
تبریز: ۰۴۱-۲۲۲۲۳۷ .
خرم آباد: ۰۶۱-۳۲۳۹۸۹۳ .
آبادان: ۰۶۱-۳۲۳۰۱۱۱ .
رشت: ۰۱۳۱-۶۶۶۹۵۵۰ .
کرمانشاه: ۰۸۳۱-۷۷۱۷۶۱۶ .
ساری: ۰۶۱-۲۲۵۹۳۲۴ .
اهواز: ۰۱۵۱-۲۲۱۱۸۳۰ .

نشانی: قم/ خیابان شهداء/ کوچه آمار/ بن بست شهید علیان
پلاک: ۲۴ مرکز تخصصی مهدویت ص.پ: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵
نشریه امان:
تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰ .

-امان، در ویراش و تلخیص مقالات آزاد است.
- مقاله های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست.
می خواهیم نشریه ای را به دلیل نه برای عنوان و تیتر و ...
 فقط ویژه امام زمان، آن که سنت و بیان نباشد. زیبا و
 شایسته برای همه علاقه مندان به ساخت مقنس امام مهربان
 پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاری گر تان هستیم. با آراء،
 پیشنهادها، مطالبات و ... ما را در ادای این امر باری کنید.

- به پهنه ای بسته است / سردبیر ۲
ورق های آسمانی / آیت الله جوادی آملی ۴
دولت زمینه ساز / مسعود پور سید آقای ۶
با تمام وجود / فهیمه نصیری فرا ۱۰
سیاه، سفید، خاکستری / محمد رضایی ۱۱
پیامهای حضرت مهدی به دولتمردان (۶) / علی اصغر رضوانی ۱۲
تربیت جامعه منتظر (۴) / دکتر فرامرز شهرابی ۱۴
زنگ زده ها (۵) / احمد حاج مرادی ۱۶
جامعه منتظر پیشگام در دانش و فن آوری (۴) / احمد محمدزاده ۱۸
دل نوشته ۲۰
رازها و روزها ۲۱
جلوه هایی از یاری امام / محمد جواد کمار ۲۲
گفتگو با جمال شورجه (۱) / سید محمد مهدی موسوی ۲۴
وهابیت (۷) / نعمت الله حشمتی ۲۷
یوسف زهرا (۱) / نصرت الله آیتی ۲۸
در محضر خوبان ۳۱
بهاریه (۱) / ابوالفضل فیروزی ۳۲
امامت و خردسالی / خدامراد سلیمانی ۳۴
با خادمان (۱) / محمد رضا امیری آندی ۳۷
افتخار ۳۹
من را در کنار یکی از درهای پیشست به خاک بسپارید (۲) / هدی مقدم ۴۰
ویروس عطش مصرف یا سرمایه سوزی / جواد اصحاب حق در چه ۴۲
رسالت و مهدویت / رقیه السادات موسوی ۴۴
وظایف و بایسته های یک منتظر (۳) / مراد امیدی مرزا ای - روح الله امیری ۴۶
آخرین سفارش / درویشی - مردانی ۴۸
پرسش ها و پاسخ های مهدوی ۵۰
آشنایی با بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) استان مازندران ۵۱
عربیمه ۵۲
پیامک های امان / فاطمه نازم ۵۳
محبیتی سنجین ۵۴
خودمانی ۵۵
شعر ۵۷
خبر مهدویت ۵۹
جدول ۶۲
مسابقه ۶۳



با تشکر از شورای نویسندها و تمام مهدی یاورانی که به نوعی یاری گر مابوده اند.

پرها کی است!



وقتی حضرت موسی علیه السلام در خطر بود؛ مرد گمنامی از دورترین نقاط شهر شتابان آمد و موسی را از خطر برخیز داشت " و در این حال مردی (مؤمن) از دورترین نقاط شهر مصر شتابان آمد و گفت: ای موسی رجال دربار فرعون در کار تو شورا می‌کنند که تو را به قتل رسانند، به زودی از شهر بیرون گریز، که من درباره تو بسیار مشفق و مهربانم" ^۱ هنگامی که پیامبرانی آمدند و مردم را بشیر و نذیر شدند . در مقابل مردمی که رسولان را به تمسخر گرفته سخن شان را نیذیرفتند. مرد گمنامی شتابان خود را رسانیده و شهادت را به قیمت دفاع از اولیا خدا و حق جویی خود پذیرا شد : " و مردی شتابان از دورترین نقاط شهر (انطاکیه، حبیب نام) فرا رسید گفت: ای قوم من، این رسولان خدا را پیروی کنید. از آنان که هیچ اجر و مزد رسالتی از شما نمی‌خواهند و خود (به راه حق) هدایت یافته‌اند پیروی کنید" ^۲ وقتی حضرت یوسف علیه السلام غریبانه و فراموش شده در زندان بود باز از رسالت و تبلیغ خود دست نکشید. به دو هم زندان خود گفت: آیا خدا شایسته پرستش است یا خدایان مختلف؟ "ای دو رفیق زندان من، آیا خدایان متفرق (بی‌حقیقت مانند بتان و فراعنه و غیره) بهترند یا خدای یکتای قاهر و غالب؟" ^۳

حتی اگر ناشناخته باشد، نه اسمش معلوم است نه عنوانش ، وقتی لحظاتی از زندگی او را خدا به پیامبرش موسی نشان می‌دهد ، مملو از تلاش و کوشش است . کشتی را از دست غاصبان می‌رهاند . لو به ظاهر با آسیب زدن آن باشد . آینده نسل پدر و مادر مومنی را تضمین می‌کند و به شکرانه پدر و مادر مومنی ، بی اجر و پاداش برای فرزندان یتیمانشان کارگری می‌کند تا گنج از گذشته زیر دیوار مانده محفوظ مانده و بدست دیگران نیفتند و پس از سال‌ها که کودکان رشید شدند؛ نصیب خودشان گردد:

"...باز با هم روان شدند تا وارد بر شهری شدند و از اهل آن شهر طعام خواستند، مردم از طعام دادن و مهمانی آنها ابا کردند (آنها هم از آن شهر به عزم خروج رفتند تا) در (نژدیکی دروازه آن) شهر به دیواری که نزدیک به انهدام بود رسیدند و آن عالم به استحکام و تعمیر آن پرداخت...."

امیر المؤمنین علی علیه السلام بی هیچ بهانه با تمام وجود به جای رسول خدا علیه السلام در بستر او می‌آمد . هرچه بادا باد ، پیامبر باید محفوظ بماند.

"وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْرُى نَفْسَهُ أَبْتَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ؛ وَ بَعْضِي از مردم از جان خود در راه رضای خدا درگذرند و خدا با چنین بندگان رئوف و مهربان است." ^۵ گروهی وقتی امکاناتی برای مبارزه ندارند. خوشحال نمی‌شوند که نمی‌توانند بجنگید یا بهانه ای فراهم شده؛ اشک در چشمانشان جمع می‌شود:

" و همچنین بر آن مؤمنانی که چون مهیای جهاد شده و نزد تو آیند که زاد و لوازم سفر آنها را مهیا سازی و تو پاسخ دهی که من مالی که به شما مساعدت کنم ندارم برمی‌گردد در حالی که از شدت حزن اشک از چشمانشان جاری است که چرا نمی‌توانند مخارج سفر خود فراهم سازند (بر آنها هم حرج و گناهی بر ترک جهاد نیست)." ^۶

خطر مالی و جانی، گمنامی و ... همه و همه بهانه هایی اند که خیلی ها از دین و دینداری و یاری آن دست کشیده اند:
ترس و عدم توانایی و امکانات:

... و چون طالوت و سپاه مؤمنش از نهر گذشتند (و مواجه با دشمن شدند لشکر بیمناک گشته) گفتند: ما را تاب مقاومت
جالوت و سپاه او نخواهد بود. آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثبت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده
که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمد، و خدا با صابران است.^۷

خانه و زندگی ما تنهاست. نمی شود رهایش کرد:
"و در آن وقت طایفه‌ای از آن کفار و منافقان دین گفتند: ای یشربیان، دیگر شما را (در اردوگاه) جای ماندن نیست (که
همه کشته خواهید شد، از گرد پیغمبر متفرق شوید و به مدینه) باز گردید. و در آن حال گروهی از آنها (برای رفت) از پیغمبر
اجازه خواسته و می گفتند: خانه‌های ما دیوار و حفاظی ندارد، در صورتی که (دروغ می گفتند و) خانه‌هاشان بی حفاظ نبود، و
قصودشان جز فرار (از جبهه جنگ) نبود.^۸

توقعتان بی جا:
"و (یاد آرید) وقتی که گفتید: ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم تا آنکه خدا را آشکار ببینیم، پس صاعقه سوزان بر شما
فرود آمد و آن را مشاهده می کردید"^۹

بهانه های بنی اسرائیلی:
" گفتند: از خدایت بخواه که خصوصیت گاو را برای ما معین کند. موسی گفت: خدا می فرماید: گاوی نه پیر از کار افتاده و
نه جوان کار نکرده، بلکه میانه این دو حال باشد، حال انجام دهید آنچه مأمورید.
گفتند: از خدایت بخواه که رنگ آن گاو را معین کند. موسی گفت: خدا می فرماید گاو زرد زرینی باشد که بینندگان را فرح
بخشد.

باز گفتند: از خدایت بخواه چگونگی آن گاو را کاملا برای ما روشن گرداند که هنوز بر ما مشتبه است و (چون رفع اشتباه
شود) البته به خواست خدا راه هدایت پیش گیریم."^{۱۰}

....



خیلی ها به بهانه ای داشته یا نداشته بهانه می آورند . بهانه می آورند یا بهانه می سازند ؛ کاری را انجام نمی دهنند یا
لحظه آخر آن هم با هزاران تسویف^{۱۱} و بی حالی سایه ای از آن را به منصه ظهور می رسانند. کاری که هیچ ارزشی دیگر ندارد

در ماجراهای بنی اسرائیل وقتی پس از کلی بهانه گیری ها دستور پیامبر شان را گوش کردند (گاو مدنظر را ذبح کردند)
خداآوند در باره آنان فرمود: "... فَذَبَخُوهَا وَ مَا كَادُوا يَنْعَلُونَ ... و گاوی بدان اوصاف کشتد، لیکن نزدیک بود باز نافرمانی
کنند".^{۱۲}

یاری امام، همراهی با او، زمینه سازی برای ظهور، همراهی با تاییان او و یاری آنکه علمدار مسائل سیاسی اجتماعی جامعه
است و همه و همه به بهانه ای وابسته است؛ بهانه ای برای انجام دادن و بهانه ای برای انجام ندادن . و در این میان، من و
توییم و ندای " هل من ناصر" و یاری امام .

محمد صابر جعفری

- پابنوشت
۱ قصص، ۲۰.
۲ یس، ۲۱ و ۲۰.
۳ یوسف، ۳۹.
۴ کهف، ۷۷.
۵ بقره، ۲۰۷.
۶ توبه، ۹۲.
۷ بقره، ۲۴۹.
۸ احزاب، ۱۳.
۹ بقره، ۵۵.
۱۰ بقره، ۶۷ و ۷۰.
۱۱ بقره، ۷۱.

ورقی سمان

اصلاح نفس، رزم و فقیت در زندگی

آیت الله جوادی آملی

ما باید کاری انجام بدھیم که هم از درون مشکلی پیدا نکنیم، هم از بیرون. اگر چنانچه از درون مشکلی پیدا نکردیم، از بیرون مشکلی نخواهیم داشت؛ یعنی آن دشمن درونی را از بین برده؛ وقتی دشمن درونی از بین برود، دشمن بروني کاری نخواهد کرد.

یک وقت انسان از بیگانه می‌ترسد، برای اینکه وابسته به آب و خاک است. اما اگر وابسته به خاک آفرین و آب آفرین باشد، وابسته به شمس و قمر آفرین باشد؛ او هراسی ندارد! بالآخره اگر ماه خوب است، شمس خوب است، زمین خوب است، آسمان خوب است؛ آنکه شمس آفرید و قمر آفرید از همه بهتر است. گفتن:

ای یار، قمر بهتر یا آنکه قمر آرد

ای یار، شکر بهتر یا آنکه شکر آرد

اگر شکر شیرین است، شکر آفرین شیرین تر است. و اگر شمس و قمر زیبا هستند، قمر و شمس آفرین زیباتر است. کاری که امام (ره) کرد؛ این بود که ما را، یعنی جامعه را از شر دشمن درونی نجات داد. آن روز کسی به فکر آب و خاک و معدن نفت و گاز نبود! فقط به فکر قرآن بود و عترت، و پیروز شد و هیچ مشکلی هم نداشت. الان دشمن به این فکر افتاده که از درون، خدای ناکرده ما را بپوشاند. مائیم و این هوں ما و این رفاه طلبی و این جنگ فکری - فرهنگی و این تهاجم یا شبیخون فرهنگی و مانند آن؛ با این باید چه بکنیم؟!

علیلی املاک
۰۹۳۴۷۶۰۰۰۰

۴

گوهرهای خود جوش درونی انسان، راهنمای او در همه صحنه‌ها

قرآن کریم به ما فرمود: شما در درونتان یک لوح نانوشته یا یک خاک یکجا جمع شده نیستید! در درونتان کتاب‌های خطی فراوان است، باید فرصت کنید آن کتابها را بخوانید، یک. شما مثل یک تلی از شن نیستید که شما را طوفان جمع کرده باشد. شما در منطقه‌های کویری می‌بینید وقتی یک گرد بادی آمده است؛ این شن‌ها را جمع می‌کند، می‌شود یک تپه ای از شن. این تپه، گوهر و معدن ندارد؛ چون این را باد آفریده، نه بادها اما این کوهها هستند که ساخته باده اند و گوهرها در آنهاست. حالا یا لعل گردد در بدخشان، یا عقیق اندر یمن؛ بالأخره کوه معدن دارد. اگر کسی شیر را باز کرد، استخر را پر آب کرد؛ این استخر گوهر ندارد! اما دریا پر از گوهر است.

تفاوت جهان بینی الهی و الحادی در نگوش به مرگ

آیا انسان مثل استخر است که از بیرون او را پر کردن؟ انسان مثل یک تلی از شن است که او را با گرد باد فراهم کردد؟! بسیاری از دانشمندان غرب زمین، فلاسفه الحادی فکرشان این است: انسان همین است! لذا می‌گویند: وقتی انسان می‌میرد، مرگ عبارت از پوسیدن انسان است؛ انسان می‌پوسد! منتها شهرداری این میوه‌های پوسیده را در سطل زباله در بیرون شهر می‌ریزد، و این انسانهای پوسیده را در زباله دان قبرستان می‌ریزد. انسان می‌میرد، یعنی می‌پوسد! اما مردان الهی می‌گویند: انسان که می‌میرد، از پوست به در می‌آید؛ نه بپرسد! بین این دید با آن دید خیلی فرق است، بین این مکتب با آن مکتب خیلی فرق است، بین پوسیدن و از پوست به در آمدن خیلی فرق است! آن می‌گوید: حالا که من می‌پوسم، چرا رها نباشم! این می‌گوید چون که از پوست در می‌آیم، چرا آزاد نباشم؟!

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود؛ ز هر چه رنگ تعین، (مال او سطح [آدم‌های متوسط]). ز هر چه رنگ تعین، (مال او حدى [آدم‌های خاص])، پذیرد آزاد است. او می‌گوید: من آزادی می‌خواهم، این می‌گوید: من رهائی می‌خواهم! اینکه بی بند و باری می‌طلبد، فکر می‌کند حالا که بعد از دو روز ما می‌پوسیم، چرا الان رها نباشیم! اما این می‌گوید: من باید از پوست در بیایم، نه بپرسم !! باید آزاد باشم از هر بندی که من را بپذیرند، من راه بدهند. و من به سراغ کسی می‌روم که او من را آفرید، این یک قطوه آب را او به این صورت در آورد. این دو دید و دو فکر و دو جور جهان بینی هر کدام احکام خاص خودش را دارد.

ضرورت شناخت و توجه به گوهرهای درونی در دوران جوانی

حالا آنچه که در این دوران جوانی مقدور ماست و به ما سفارش هم کردن؛ اگر این بخش را حوزه و دانشگاه مستقیماً به عهده بگیرد و جوانها آن را هم الگو قرار بدهند، این است که ما از درون مان باید بدانیم معدنیم و دریائیم. اگر بزرگان ما فرموده اند: چو دریا گوهر از خود طلب بکن، چو دریا سرمایه از خود داشته باش، چو دریا معرفت از خود داشته باش؛ سرشن همین است. ما نه مثل استخیریم، نه مثل آن تلی از شن!

اینکه ذات اقدس الله به ما فرمود: «فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَنَوَّهَا»^۱؛ یعنی تو گوهری، تو یک سلسله جبالی، تو تلی از شن نیستی! اینکه فرمود: «فَأَقْمِ وَجْهَكَ لِلَّذِينَ حَنِيفُوا فِطْرَةُ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۲، یعنی تو دریائی. اگر انسان دریاست، گوهری دارد؛ و اگر سلسله جبال ا است، معدنی دارد. باید بکوشیم این معدن هایمان معدن خوبی باشد. حالا بعضی ها معدن آتش فشانی دارند، کوه آتش فشانند، در درون آنها شعله است؛ بعضی معدن طلایند، معدن در و یاقوتند، معدن گوهرهای پر بهایند. یک وقت است کسی جز غضب و عصبانیت و خشونت و بد خوئی و بد دهنی و تجاوز و تعدی ندارد؛ نظیر اسرائیل، یا نظیر بوس. معدن بودن این کوه، همان کوه آتش فشانی است. نشانه شعله‌اش گاهی در افغانستان گاهی در عراق و گاهی در فلسطین سر می‌کشد؛ این هر جا بود، آتش است. فرمود: «أَيْنَمَا يَوْجَهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ»^۳. به هر طرف برود؛ به شرق ایران برود، شر دارد؛ به غرب ایران برود، شر دارد؛ در فلسطین هم حضور بیدا کند، شر دارد.. بعضی مثل مردان الهی اند. چه شرق باشند، چه غرب باشند؛ «وَجَعَلَنِي مُتَارِكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ»^۴ هستند. اینکه گفته شد:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

لازم نیست که حتماً انسان مثل عیسای مسیح مرده را زنده کندا در این بخش مثل عیسای مسیح است. وجود مبارک عیسای مسیح فرمود: خدا توفیقی به من داد که من هر جا باشم، منشأ برکتم..^۵

بی‌نوشت:

۱. شمس، آیه .۸
۲. روم، آیه .۳۰
۳. نحل، آیه .۷۶
۴. مریم، آیه .۳۱
۵. کیهان ۳۱ فروردین .۸۸

The logo of the National Museum of Iran is a composite graphic. At the top, the Persian name 'دولت‌آمیزه‌ساز' (Dolat-e-Amizhe-Saz) is written in a large, gold-colored, stylized Persian calligraphy font. Above this text is a stylized green and blue floral or leaf motif. Below the text is a graphic element consisting of several vertical bars of different colors (red, yellow, green, blue, orange, teal) arranged in a stepped, overlapping pattern. A large, intricate white floral or arabesque design is centered within this bar structure. To the left of the main graphic, there is a vertical column of Persian text: 'مسعود پور سید آفانی' followed by an asterisk (*).

و رخدادهای جهانی و تعارض‌ها و تزاحم‌های پیش‌آمده، با تکیه بر منابع غنی شیعه و اجتهاد پویای آن، اولویت‌ها را در نظر گرفت.

۲. دولت زمینه‌ساز باید برای گسترش و تعمیق فرهنگ مهدوی در سطح داخلی و جهانی (کشورهای شیعی، اسلامی، غرب و خاور دور) برنامه‌ریزی کند و بداند که موفقیت هر یک در گرو دیگری است و بدون موفقیت یکی، موفقیت دیگری را نمی‌توان جشن داشت.

۳. همچنان که اشاره شد، اساس کار دولت زمینه‌ساز، دکترین ظهور است. در این جا، به برخی معیارها و شاخص‌های مدیران و کارگزاران دولت زمینه‌ساز می‌پردازیم:

۱. بینش عمیق نسبت به حق تعالی و اطاعت او
رجال کان قلوبهم زیر الحديد لا یشوبها شکت فی ذات

آنان مردانی اند که گویا دل هایشان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.

قال رسول الله ﷺ: يخرج ناس من المشرق فيوطئون للمهدى يعني سلطانه؛ گروهی از مشرق برミ خیزند و زمینه تسلط و حکومت حضرت مهدی را فراهم مآورند.

جامعه مهدوی، افق آینده انقلاب ماست و دولت ما، دولت زمینه‌ساز.

دولت زمینه‌ساز باید به لحاظ مبانی، رسالت، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها، ساختار، کارگاران و راهکارها، هم‌افق و همسو با دولت کریمه مهدوی باشد و دکترین ظهور را اساس کار خود قرار دهد. استخراج و تدوین این همه، کاری گروهی و بر عهده نخبگان حوزوی و دانشگاهی و برنامه‌ریزان اهلی و استراتژیست‌های نظام است.

نکاتی، چند و نمونه‌ای عرضه می‌شود:

۱. با توجه به اهداف و سیره امام(ع) و یاران او و دولت کریمه حضرت در عصر ظهور، می‌توان اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و راهکارها را به دست آورد و در برخورد با حوادث

مجدّون في طاعة الله: در راه اطاعت خدا پر تلاش اند.

۲. معرفت، محبت و اطاعت امام(ع)

القائلين بامامته؛ معتقد به امامت او هستند.
مجدون في طاعته؛ در راه اطاعت او، از هي
دریغ نمی ورزند.

بهم ينصلح امام الحق؛ خداوند به وسیله ایشان، رهبر حق (مهدی(ع)) را یاری می‌کند.
ان الله تبارك و تعالى أطعاتهم من العقول والافهام
والمعرفة ماصارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة؛
خداوند تبارک و تعالیٰ آن قدر به آنان از عقل و فهم و بینش،
ارزانی داشته که غیبت امام در نزد آنها به مانند مشاهده و
دیدار اوست.

طوبی للصابرين فی غیبته، طوبی للمقینین علی محجّتهم؛ خوشا به حال صابران در غیبت مهدی(ع)، خوشا به حال آنان که بر راه اهل بیت ثابت قدم می‌مانند.

۳. فنا در امام و آرمان‌ها

فأبدل نفسى و مالى و ولدى و أهلى و جميع ما
خولنى رتى بين يديك و التصرف بين أمرك و نهيك؛
[مولاي من!] جان، مال، فرزندان، خويشان و هر آنچه را
خداؤند بر من ارزانی داشته، به پيش گاهت نثار مى گنم و همه
را در اختیار امر و نهی تو مى گذارم.

رحم الله من حبس نفسه علينا رحم الله عبداً احيا
امونا؛ خدا رحمت کند کسی که خود را وقف ما کند، خدا
رحمت کند کسی را که امر [ولایت] ما را زنده کند.

۴. سجایی اخلاقی

سیرہ امام:

يشير بالتقى و يعمل بالهدى:

تقوا را پیشه خود می‌سازد (دعوت به تقوا می‌کند) و با بصرت و هدایت، گام ب مداد.

يحدو فيها على، مثال الصالحين:

او به گونه نیکان، فتار می‌نماید.

الولي الناصح:

سپرست خیرخواه.

اگر سیرہ امام چنین است، پس یاران او باید این چنین باشند.

سے ۵ یاد آز:

...وانتخبت لذلك الوقت عباداً امتحنت قلوبهم
للايمان وخشونتها بالورع والاخلاص واليقين والتقوى
والخشوع والصدق والحلم والصبر والوقار والتقوى
والزهد... ... وبراي اين زمان (ظهور) بندگانی را برگزیدم
كه دل هاشان را به ايمان آزمودم و آثار را از ورع، اخلاص،

۶. عدالت خواهی

سیرہ امام:

قوّتا علی متابعته و اداء حقه؛ ما را قدرت بر پیروی و
ادای حق آن حضرت ارزانی بفرما!

۱۱. عشق به مردم و مستضعفان

سیره امام:

وهو اعظم حسباً و اكرم منصباً و أرحم بالرعيَّة؛ او از
همه حسباش بزرگتر و مقاماش گرامی‌تر و به مردم مهربان‌تر
است.

رحیم بالمساكین؛

بر بینوایان رُؤوف و مهربان است.
وأشفق عليهم من آباءهم و أمهاتهم؛ او برای مردم از
پدر و مادرشان مهربان‌تر است.

سیره یاران:

لیعنْ قویکم ضعیفکم و لیعطِّف غنیکم علی
فقیرکم... و اذا کنتم کما اوصیناکم لم تعدوا الى غيره
فمات منکم میت قبل ان يخرج قائمنا کان شهیداً
توانگران به ضعفا و بیچارگان یاری رسانند و به فقرا و
مستمندان عطفوت ورزند ... و اگر چنین باشید که سفارش
کردیدم و قبل از قیام قائم ما بعضی از شما از دنیا برود، شهید
خواهد بود.

۱۲. اهل تهجد و نماز شب

لهم في الليل أصوات التواكل حزناً من
خشية الله؛ در دل شب، از خشیت خداوند، نالهایی دارند
مانند ناله مادران پسر مرده.

قوام بالليل صوام بالنهار؛ شبها را با عبادت به صبح
می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند.

رجال لاینامون الليل لهم دوىٰ فی صلواتهم کدوی
النحل یبیتون قیاماً علی اطرافهم و یصبعون علی
خیولهم؛ مردان شب زنده‌داری که زمزمه نمازانشان، مانند
نغمه زنبوران کندو، به گوش می‌رسد. شبها را با زنده‌داری
سپری می‌کنند و بر فراز اسبه، آن را به صبح می‌رسانند.

۱۳. اعتقاد راسخ به فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور(براساس دکترین ظهور)

من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛
کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی
مرده است.

من انکر القائم من ولدی فی زمان غیبته فمات فقد
مات میتة جاهلیة؛ کسی که قائم از فرزندان مرا در غیبتش
تکذیب کند، به مرگ جاهلی مرده است.

یملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛
زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همچنان که پر از ظلم و
بیداد شده است.

فیریکم کیف عدل السیرة؛ پس (مهدی(ع)) به شما
نشان خواهد داد که روش عادلانه (در حکومت) چگونه است.

سیره یاران:

اللَّهُمَّ وَالْمَلَائِكَةَ بِهِمْ كُلَّ أَفْقَ منَ الْأَفَاقِ وَ قَطْرٌ منَ الْأَقْطَارِ
قسطاً وَ عَدْلًا وَ مَرْحَمَةً وَ فَضْلًا؛ بارَ الْهَا! به وَسِيلَه ایشان
(یاران مهدی(ع)) تمام افق‌های هستی و تمام گوشه‌ها و اقطار
جهان را پر از داد و عدل و مهربانی و احسان خود گردان!

۷. جهادگری و شهادت طلبی

يدعون بالشهادة و يتنمون أن يقتلوا في سبيل الله؛
برای شهادت دعا می‌کنند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را
دارند.
و يجاهدون في الله حق جهاده؛ و در راه خدا به
جهادی شایسته دست یازند.

۸. شجاعت

كُلَّهُمْ لِيُوثُ قد خرجوا من غاباتهم لو أئْهُمْ هُمْوا
بازَاللهُ الجبال لازلوا عن مواضعها؛ همه شیرانی اند که از
بیشه‌ها خارج شده‌اند و اگر اراده کنند، کوهها را از جا
برمی‌کنند.
جعلت قلوبهم كزبرالحدید؛ دل‌هایشان، چون پاره‌های
آهن شده است.

۹. قاطعیت

امام امیرالمؤمنین(ع) در تفسیر آیه «یا ایهالذین آمنوا
من یرتد منکم عن دینه... لا يخافون لومة لائم» ... آنان
از سرزنش هیچ ملامت کننده‌ای هراس ندارند. فرمود:
هم اصحاب القائم؛ آنان یاوران قائم‌اند.

۱۰. ادای حقوق امام(ع)

واعنا على تأدية حقوقه اليه؛ خداوندا، ما را در ادای
حقوق او یاري فرما!
انه من انتقى ربـه... و آخرـ ما عليه إلى مستحقـيه
كان آمنـا في الفتـنه المـبطـله؛ هـمانـا هـرـ کـسـ تقـواـيـ
پـورـدـگـارـشـ رـاـ پـیـشـهـ کـنـدـ... و اـزـ حقوقـ شـرعـیـهـ (خمسـ و
زـکـاتـ) اـیـ کـهـ بـرـ عـهـدـ دـارـدـ، بـهـ مـسـتحـقـانـ بـپـرـداـزـدـ، اـزـ فـتـنـهـهـاـیـ
بـاطـلـ کـنـنـدـ (دينـ وـ دـنـيـاـ) درـ اـمـانـ خـواـهـ بـودـ.
ان الرضا(ع) کـانـ یـأـمـرـ بالـدـعـاءـ لـصـاحـبـ الـامرـ؛ اـمـامـ
رضـاعـ) هـموـارـهـ بـهـ دـعـاـ بـرـایـ صـاحـبـ الـامرـ، اـمـرـ مـیـ فـرمـودـ.



من انگر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل على
محمد(ص)؛ کسی که قیام مهدی را انکار کند، همانا به آنچه بر
محمد(ص) نازل شده، کافر شده است.
اللهم عرّفني حجتك فانک ان لم تعرّفني حجتك
ضللت عن دینی... ولا تنسنا ذکرہ وانتظاره والایمان به و
قوّة اليقین فی ظهوره و الدعاء له والصلوة عليه؛ بارالها
حجت را به من بشناسان، زیرا اگر او را به من بشناسانی، از
دینم ، گمراه می‌گردم ... و از یاد ما میر یاد او و انتشارش را و
ایمان به او و یقین به ظهورش را و دعا و درود بر حضرتش را.
السلام عليك يا باب الله الذى لا يُؤْتى الا منه، السلام
عليك يا سبیل الله الذى من سلک غیره هلک؛ سلام بر
تو ای درگاه خدا، که هیچکس جز از آن درگاه به خدا راهی
ندارد. سلام بر تو ای راه خدا که هر کس غیر آن را رود،
هلاک می‌شود.

۱۸. سختکوشی

مجدون فی طاعة الله؛ آنان در طریق عبودیت،
سختکوش و پرتلاشند.
لایقون سیوفهم حتى يرضي الله عزوجل؛ یاران
قائم، شمشیرهای خود را بر زمین نهند تا اینکه خدای
عزوجل راضی شود.

۱۹. عاشورایی

ان شعار اصحاب المهدی: یا لثارات الحسین؛ شعار
یاران مهدی(ع)؛ ای خونخواهان حسین(ع) است.

۲۰. فروتنی در برابر انسان و گردن فرازی در مقابل کفاران

هم [اصحاب المهدی(ع)] الذين قال الله فيهم
(فسوف يأتي الله بقوم يحبّهم ويحبّونه اذلة على
المؤمنين اعزّة على الكافرين»؛ یاران مهدی کسانی هستند
که خداوند در توصیف آنان چنین فرموده است: [ای کسانی که
ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از آیین خود بازگردد بداند
که] خداوند به زودی، قومی را بر می‌انگیزاند که ایشان را بسیار
دوست می‌دارد و آنها نیز خداوند را دوست می‌دارند و در برابر
مؤمنان فروتن و در مقابل کفاران عزیز و مقترنند.

۲۱. سلمان وار و مالک گونه

اذا قام قائم آل محمد استخرج من ظهر الكعبة
سبعة وعشرين رجلاً.... سلمان الفارسي و ابا دجانة
الانصاري و مالک الاشترا؛ هنگامی که قائم آل محمد قیام
کند [از جمله کسانی که به او می‌پیوندند] سلمان فارسی،
ابودجانه انصاری و مالک اشتر است.^۱

بیمنه رزق الوری وبوجوذه ثبتت الارض والسماء؛ به
برکت اوست که آفریدگان روزی داده می‌شوند و به وجود
اوست که آسمان و زمین پایدار می‌ماند.

يخرج ناس من المشرق فيوطئون للمهدی يعني
سلطانه؛ مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه
[حکومت] آن حضرت را فراهم می‌سازند.

انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام
واهله؛ خدايا! از تو اميدواريم که دولت با کرامت امام زمان را
به ظهور آوری و اسلام و اهلش را با آن عزت بخشی.

اللهم أنا نشكوا اليك فقد نبينا صلواتك عليه و آله
و غيبة ولينا؛ بارالها به درگاه تو شکایت می‌کنیم از نبود
پیامبرمان و از غیبت ولی و اماممان .

و اصرف عنا في امره السامة والكسيل والفترة
والفشل؛ و در انجام فرمان او ما را به تبلي، بي حالی،
سسی و بی حوصلگی مبتلا مساز.
السلام عليك يا قطب العالم؛ سلام بر تو ای قطب
جهان هستی.

۱۴- برخاسته از متن مردم و مستضعفان

و نريد أن نمن على الذين استضعفوا في الأرض و
 يجعلهم أئمة و يجعلهم الوارثين» ما می خواهیم بر آنان که
در زمین خوارشان شمرده‌اند، مت نهیم و آنان را پیشوایان
(مردم) گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم.

۱۵. پیروی از ولی فقیه

و أَمَا الحوادث الواقعَة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا
فإنَّهُم حجتَى عَلِيهِم و أَنَا حجَّةُ الله عَلَيْكُمْ؛ و أَمَا در مورد
رخدادهای جدید، به راویان حدیث ما رجوع کنید که ایشان
حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم.

پانوشت

*. استاد حوزه و دانشگاه، مدیر مستول فصلنامه مشرق موعود.
۱. برای مطالعه بیشتر و مراجعته به منابع، ر.ک: فصلنامه انتظار، ش. ۱۵، سرمهقاله.

امام و رهبری

باتمام وجد

جدای از سخنان فراوان امام^{ره} و مقام معظم رهبری، اشعار و توصیه‌های ایشان درباره امام عصر^{ره} سیره عملی آن دو بزرگوار نشانگر ارادتی با تمام وجود به حضرت مهدی^ع است. در اینجا به بیان نمونه‌هایی می‌پردازیم:

- محمدعلی انصاری کرمانی می‌گوید:

یک روز یکی از طلاب در مدرسه رفاه به امام عرض می‌کند که: شما چرا در بین صحبت‌هایتان از امام زمان کمتر اسم می‌برید؟ امام به محض شنیدن این سخن درجا ایستادند و فرمودند: چه می‌گویی؟ مگر شما نمی‌دانید ما آنچه داریم از امام زمان^{ره} است و آنچه من دارم از امام زمان^{ره} است و آنچه از انقلاب داریم از امام زمان^{ره} است.

رهبر همه شما و همه ما، وجود مبارک بقیه الله^{ره} است و باید مها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را - که رضایت خدا است - به دست بیاوریم.^۱

- حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای شیخ علی اصغر احمدی خمینی می‌گوید:

اینجانب از زمانی که وارد حوزه علمیه قم شدم و روزهای جمعه به مسجد مقدس جمکران می‌آمدم و نمازهای این مسجد را انجام می‌دادم و می‌دیدم زوار بسیار در این مسجد می‌آمدند و طلب حاجت می‌کردند حتی در اوائل هم یک روز اهالی جمکران از امام دعوت کردند و ایشان هم قبول کردند و من هم با آقایان دیگر در خدمتشان به جمکران رفتیم و در آن مسجد مقدس جمکران نماز بجا آورده‌اند امید است مونین این مکان را بیشتر مورد توجه قرار دهند.

- حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی (دام ظله) نقل می‌کنند:

امام می‌فرمودند: «در دوران جوانی ما پنجه‌نشبه و جمعه‌ای بر ما نگذشت مگر اینکه با دوستان جلسه انسی تشکیل دهیم و به خارج از قم و بیشتر به سوی جمکران برویم».

- یکی از نزدیکان امام خمینی^{ره} (فاطمه طباطبائی) می‌گوید:

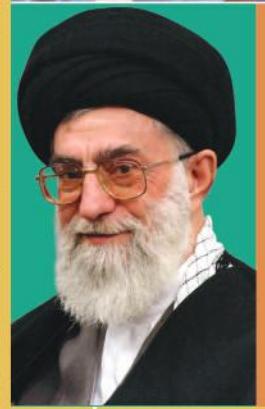
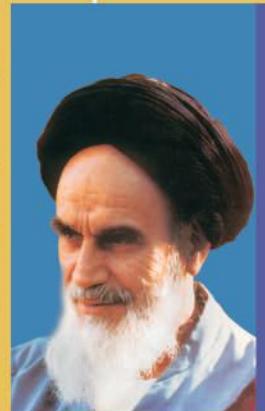
یکی از چیزهایی که امام در روزهای آخریه من توصیه می‌کردند، خواندن دعای عهد بود. ایشان می‌گفتند: صبح ها سعی کن این دعا را بخوانی چون درست‌نوشت دخالت دارد.^۲

امام^{ره} حتی در موقعی که دربیمارستان بستری بودند از انس با کتاب مفاتیح الجنان غافل نبودند پس از رحلت جان گدار ایشان که مفاتیح شان را از بیمارستان به بیت منتقل می‌کردیم متوجه شدیم امام در مفاتیح خود در کنار دعای شریف عهد که آن را یک اربعین می‌خواندند تاریخ شروع را هشت شوال نوشتند.^۳

- حجت الاسلام و المسلمین اختری مشاور رهبری در امور بین الملل می‌گوید:

رهبر عزیز با ارتباط به حضرت ولی عصر^{ره} انقلاب اسلامی را رهبری می‌کنند و بارها مشاهده شد به مسجد مقدس جمکران قم رفتند و بعد از ارتباط و راز و نیاز با قوت قلب و با نیروی سرشار از ایمان و توکل به خدا به تهران بازگشتد.

- آقای سیدحسن نصرالله لبنان می‌گفت: یک دفعه به همراه شورای حزب الله لبنان محضر مقام معظم رهبری بودیم. اوج سختی و تنگناهی مایوب و خیلی به حزب الله را نایبود کنند. موقعی که ما با رهبر معظم جهان اسلام دیدار داشتیم ایشان به ما امید داد و فرمود: شما پیروز می‌شوید این چیزها مهم نیست. سپس اضافه کردند: من در اداره امور کشور بعضی وقت ها حل مسائل برایم مشکل می‌شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی‌شود به دولت و اعوان و انصار می‌گوییم که آماده شوید به جمکران برویم راه قم را پیش می‌گیریم و راهی مسجد جمکران می‌شویم. بعداز راز و نیاز با آقا من احساس می‌کنم همان جا دستی از غیب مرا راهنمایی می‌کند و من در آنجا به تصمیمی می‌رسم و مشکل بدینصورت حل می‌شود و همان تصمیم را عملی می‌کنم.^۴



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تاکنون به مقایسه جامعه دوران امام حسین علیه السلام با دوران حاضر (دوران غیبت امام عصر علیهم السلام) پرداختیم، ۴ نکته گفته شد و اینک نکته‌ای دیگر؛

۵. خبری در راه است ای منتظران

سیدالشهدا(ع) در میانه راه مکه به عراق پس از رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم به ایشان نامه‌ای به مردم کوفه می‌نویسد که: «اینک من در حال آمدن به سوی شما هستم پس آمده باشید که به زودی به شما خواهم پیوست تا...» و نامه را به قیس بن مسهر صیداوی می‌دهد تا به کوفه ببرد. او خیلی زود در اطراف کوفه دستگیری می‌شود و این زیاد از او می‌خواهد بر فراز منبر مسجد کوفه به امام و پدرش ناسرا گوید: ولی او ضمن اطلاع رسانی از نامه امام به مردم و هشدار دادن مردم، به این زیاد و بدش، لعن می‌کند و به سرعت به شهادت می‌سد.^۲

مردم شهر کوفه که در محاصره سنتگین نظامی بودند، و خبری از وضعیت امام نداشتند که در مکه است یا نه؛ همین که می‌فهمند امام در راه کوفه و در نزدیکی آنهاست به تکاپو می‌افتد، و طبیعی است که این تکاپو و تلاش به موازات فعالیت گسترده این زیاد برای کنترل و زمین گیر کردن حامیان امام و زمینه سازی تدریجی برای آماده سازی آنها برای نبرد با امام است؛ رس. ده خ. د، کوفه ومله ایجاد م- کند؛

«اول این که: امام در راه کوفه است، و دوم آن که: ابن زیاد قصد نیروگیری برای مقابله با امام را دارد» با شخصیت‌های سفید، سیاه، خاکستری این موقعیت آشنا می‌گردد؛

الف - شخصیت‌های سفید؛ در تلاش برای یاوری؛

«عمر بن خالد»

او از شیعیان شهر است که منتظر رسیدن خبری از امام است، و تا نامه قیس می‌رسد به فعالیت می‌افتد تا خود را به امام برساند. ولی قبل از آن، این تصمیم خود را به غلام و دو دوستش که به آنها اطمینان دارد می‌گوید و آنها هم ایراز موافقت می‌کنند؛ پس در شهر مخفیانه به جستجو می‌پردازند تا این که با مردی بادیه نشین و روستایی به نام طرامح بن عدی روبرو می‌شوند. او برای تهیه آذوقه به شهر آمده و قصد بازگشت دارد. از او می‌خواهند که راهنمای آن 4 نفر شده تا آنها را از بیراهه و دور از چشم نیروهای نظامی و دیدهبان‌ها به سوی راه مکه و به سوی امام ببرد؛ او هم قبول می‌کند و آنها مخفیانه و از بیراهه راهی می‌گردند و پس از دیدار کاروان امام با لشکر حر، به کاروان امام می‌رسند. و اگر چه حر قصد دستگیری آنها را می‌نماید ولی با وساطت امام و مداخله آن حضرت سرانجام به ایشان می‌پیووندند.

ب - شخصیت‌های خاکستری: در جستجوی راه فرار:

عبدالله بن حَرَّ جعفی از جنگاوران و چهره‌های سرشناس شهر در نیرومندی و شجاعت بود. که گاه عده‌ای هم گرد او جمع می‌شدند و او سرdestه آنها می‌شد. او چون خبر نزدیک شدن امام و نیروگیری ابن زیاد را شنید، می‌دانست: که در گیری حتمی و نزدیک است و اگر در کوفه بماند به ناچار باید به یکی از دو طرف پیویند؛ پس به سرعت باز سفر بسته و به سوی بیابان‌های داغ غرب کوفه می‌رود چرا که گمان نمی‌کند مسیر امام از آن سو باشد ... و از شهر کوفه پا به فرار می‌گذارد. ولی ناخواسته با امام در یک منزلی کربلا در اول محرم روبرو می‌شود ولی از یاری امام سرباز می‌زند.^۴

ج - شخصیت سیاه: وسوسه جایزه‌ای کلان و بی سابقه:

مسروق بن وائل از جنگواران کوفه است، که به مهارت خود اطمینان فراوان دارد. چون خبر در راه و نزدیک بودن امام می‌رسد و مشاهده می‌کند که ابن زیاد پس از به شهادت رساندن قیس بن مسهر به سرعت حر را همراه هزار نفر به مقابل او می‌فرستد؛ حدس می‌زند که جنگ و درگیری بسیار نزدیک خواهد بود. و قطعاً ابن زیاد همان گونه که مسلم وهانی را (و هم چنین قیس را) به شهادت رساند و سرهای آنها را برای یزید فرستاد و به قاتل آنها پاداش داد. پس بالآخرین پاداش را به قاتل و آورزنه سر حسین بن علی^۵ خواهد داد. او مصمم می‌شود که به سرعت ساز و برگ جنگی خود را آماده نماید و گوش به زنگ باشد تا خونهای اعماق به مقابله با امام باشد تا د. مسابقه آورد. بنده سام امام بنده شدم؟^۶

ادامه دارد...

پا تو شت

* سردبیر نشریه انتظار نوجوان، پژوهشگر مباحث مهدویت.

۱۵/۵ تاریخ طبری

۴۰۴/۵ همان

۴۰۷/۵ همان

۴۳۱/۵. همان ۴

بِدْوَمِرَادَان

*علَى اصْغَرِ رِضْوَانِ

تاكونون بيش از چهل نكته در ويژگی های دولتمردان مورد رضایت حضرت
مهدي ع بيان شد و اينک ادامه؛

٤٢ - دل نبستن به غير خدا

دولت مردان باید مشغول خدمت به خلق خدا باشند و بر پست و مقام و هیچ چيز
ديگري جز خدا دل نبندند، زيرا که همه چيز به دست باکفایت است.
از امام على ع نقل شده که درباره اصحاب و کارگزاران حضرت مهدى ع فرمود:
... و لا يفرحون بأحد ...^۲؛
... به کسی - جز خدا - دل نمی بندند.»

٤٣ - اطاعت از دستورات رهبر

مسئولان نظام اسلامی باید گوش به فرمان رهبر بوده و مطیع دستورات او باشند.
از امام صادق ع نقل شده که فرمود:
«کانَ أَنْظَرَ إِلَى الْقَائِمِ وَاصْحَابَهُ فِي نَجْفَ الْكَوْفَةِ، كَانَ عَلَى رَؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ»؛^۳
«گویا به قائم و اصحابه فی نجف الکوفة، کانَ عَلَى رَؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ»؛
خود و تسلیم بودن نسبت به ایشان [بر سرهایشان پرنده نشسته است].
و نیز در حدیثی از امام صادق ع نقل شده که فرمود:

«يَتَمَسَّحُونَ بِسَرْجِ الْأَمَامِ عَلَيْهِ الْيَطْبُونُ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَ يَحْفَوْنَ بِهِ، يَقُولُونَ
بِأَنفُسِهِمْ فِي الْحَرُوبِ، وَ يَكْفُونَ مَا يَرِيدُ فِيهِمْ»؛^۴
«به زین امام ع دست می کشند و از آن طلب برکت می نمایند و دور او
می چرخند، و با جان های خود از او در جنگ حفاظت می کنند و آنچه را که از آنان
می خواهد خودشان به تنهايی انجام می دهند.»

از امام باقر ع نقل شده که فرمود:
«برای صاحب این امر غیبی است در برخی از دره ها. آنگاه به دستش به ناحیه ای
از ذی طوی اشاره نمود. و چون دو شب قبل از خروج او می شود یکی از مولایان امام
برخی از اصحاب حضرت ع را ملاقات می کند به او می گوید: شما چند نفرید در
اینجا؟ می گویند: حدود چهل نفر. او می گوید: اگر صاحب خود را ببینید چه حالی
دارید؟ می گویند: به خدا سوگند! اگر ما را بخواهد به کوه ها ببرد ما همراه او خواهیم
بود، در آن هنگام است که حضرت به سراغ آن ها می آید...».^۵

از امام صادق ع نقل شده که فرمود:

«لَهُ... رِجَالٌ كَانَ قُلُوبُهُمْ زِيرَ الْحَدِيدِ... هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَّةِ لِسَيْدِهَا»؛^۶

«برای حضرت مهدی ع ... مردانی است که قلوب های آن ها گویا پاره های آهن

است، آنان نسبت به امامشان از کنیز نسبت به مولایشان مطیع ترند.»

۴۴ - پرداخت بدھی بدھکاران

حاکمان اسلامی باید بودجه ای را برای پرداخت بدھی کسانی که قدرت پرداخت آن را ندارند قرار دهند تا به این قشر از جامعه آسیبی وارد نشود.
درباره حضرت مهدی ﷺ از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«... هیچ بنده مسلمانی نیست جز آن که او را خریده و آزاد می کند، و هیچ بدھکاری نیست جز اینکه بدھی او را می پردازد و هیچ بدھی بر مردم نیست جز آن که آن را پرداخت می کند... و اگر کسی به توسط شخصی کشته شده، دین او را از طرفش می پردازد، و عیال او را نیز در بخشش قرار می دهد، تا این که زمین را پر از عدل و داد گرداند، همان گونه که پر از ظلم و جور و ستم شده است...».

۴۵ - امنیت، برای پرستش خدا

حاکمان اسلامی گرچه وظیفه دارند امنیت را در سطح جامعه گسترش دهند ولی امنیت نباید مقصود اصلی آنان باشد بلکه امنیت را به جهت پرستش خدا و اطاعت او بدانند.

خداآوند متعال درباره حکومت صالحان در عصر ظهور حضرت مهدی ﷺ فرماید:
«... وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفَهُمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يَعْشُرُكُونَ بِي شَيْئًا»^۱
«... و برای آنان بعد از خوف و ترسی که داشته اند، زمین را امن می گرداند تا مرا عبادت کرده و به من هیچ گونه شرکی نورزند.»

۴۶ - انتخاب کارگزاران بانگیزه

حاکم اسلامی باید به دنبال نیروهای بانگیزه و با اخلاص باشد هر چند تعداد آنان کم باشد چرا که این گونه نیروها می توانند اثرگذاری بیشتری داشته باشند همان گونه که حضرت مهدی ﷺ حکومت جهانی را با ۳۱۳ نفر از یاران بانگیزه شروع خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«... و قد وافاه ثلثائمه و بضعة عشر رجلاً في بما يعنونه...»؛^۲
«... سیصد و سیزده نفر خدمت او رسیده و با او بیعت می کنند...».

ادامه دارد

پانوشت

۱. توینند و استاد مباحثت مهدویت
۲. مستدرگ حاکم، ج ۴، ص ۵۵۴
۳. انباء الهداء، ج ۳، ص ۵۸۵
۴. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷
۵. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۸
۶. سوره نور، آیه ۵۵
۷. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۷



تربیت جامعه منتظر

قسمت چهارم

در قسمت های پیشین به بیان لزوم تبیین هدف و شناخت جایگاه و شأن انسان منتظر پرداخته و اینک به رهبری و مدیریت در تربیت جامعه منتظر می پردازیم.

رهبری و مدیریت

تمامی هستی، سازمانی بزرگ است و خداوند، مدیر و پروردگار این سازمان به شمار می رود. در تقسیم‌بندی‌ای، پدیده‌های هستی را در دو قسم می‌بابیم:

۱. پدیده‌های مجبور؛
۲. پدیده‌های آزاد.

هر کدام از این پدیده‌ها، رهبری و مدیریت ویژه خود را خواهد داشت. مدیریت پدیده‌های مجبور با امر، نظام، قانون و غیریزه است. رهبری و مدیریت پدیده‌های آزاد و در رابطه با انسانی که با ترکیب خاصش به آزادی رسیده و به خودآگاهی دست یافته، با هدایت یعنی بیانات، کتاب و میزان است. نتیجه همین هدایت، به پا ایستادن انسان را یا بر پایه کفر و یا بر پایه شکر در بی دارد.

آن گاه که انسان آزاد براساس ترکیب خاص خود، با حجت باطن خویش حجت ظاهر و معصوم را برمی‌گزیند و از این راه، پذیرای هدایت خدا می‌گردد، بارش هدایتها بر او استمرار می‌یابد و او همراه با رنج‌های غربت و درگیری با کافران و غافلان فراسوی پروردگار هستی در حرکت خواهد بود. (با اینها انسان انک کادح الی ریک کدحاً فملاقیه)^۱ این گونه است که خداوند

جهان هستی و انسان را می‌پرورد و رهبری می‌کند. انسان‌ها این‌چنین بر فراز مرکز هدایت^۲ پروردگارشان می‌نشینند و وسعت وجودی می‌یابند. خداوند هم‌چنان که دو طبیعت در نهاد او گذارد، دو راه را فرا رویش می‌گذارد و شرایط انتخاب او را فراهم می‌سازد تا او خود بر پای شکر یا کفر بایستد.

مدیریت و رهبری خداوند، در ولایت انبیا تجسم می‌یابد. «من يطع الرسول فقد اطاع الله»^۳ و آنها همراه بیانات، کتاب و میزان، زمینه‌های خوب شدن مردم را فراهم می‌سازند. انان زمینه انتخاب را فراهم می‌کرده‌اند. انبیا با زبان مردم زمینه خوب شدن و انتخاب مردم را می‌آفرینند. با همین روش بیناتی و ادراکات حضوری و بی‌واسطه مردم، آنها را مدیریت و رهبری می‌نمایند و گنج‌ها و اندیشه‌های درونی ایشان را در فرآیندی مهندسی، کشف و استخراج می‌کنند و به چالش تبدیل می‌سازند. باید توجه داشت آن‌چه ما را به رسالت پیوند زده، همان‌ما را به امامت پیوسته است. اطاعت انبیا، اطاعت خداوند است. چون انبیا جز خواسته خدا خواسته‌های ندارند و تنها او بر آنان حکومت می‌کند. چون انبیا معصوم هستند، به اطاعت مطلق آنان دستور داده شده است. عصمت، نتیجه آگاهی انبیا به حکم، موضوع و آزادی آنها از هر آن‌چه غیر خداوندی است.

مردم پس از رسول هم به کسانی نیازمند هستند که هم‌چون رسول، به عصمت رسیده باشند و از آنها به خودشان آگاه‌تر و مهربان‌تر باشند. امام معصوم و آگاه و مهربان، همانند رسول مردم را مدیریت و رهبری می‌کند رسالت را چنین پی می‌گیرد، در حالی که فقاهت تنها زمینه‌ساز امامت است و زمینه تحمل تode مردم را فراهم می‌سازد.

شاخص مدیریت و رهبری معصوم

کسانی می‌توانند رفت و اوج مدیریت و رهبری انبیا و امامان معصوم را در کنند که به فهم سه شاخص دست یابند:

۱. هدف معصوم: هدف او، فراهم ساختن زمینه برای انتخاب انسان است؛

۲. راه و تکالیف معصوم: راه او، حدود شرع مقدس است، نه ظلم و جور؛

۳. شرایط حکومت معصوم: شرایط حکومت معصوم براساس میزان تحمل تode مردم مشخص می‌شود و در طول تاریخ، مردم در زمینه‌ای نبوده‌اند که ولایت معصوم را تحمل کنند و پیذیرند. از همین‌رو، اگر بخواهیم حرکت ولایت را در جریان تاریخی به درستی بررسیم و نقش امام را در حادث بنماییم، بدون دستیابی به هدف، شرایط و تکلیف و راه آنها ممکن نخواهد شد؛ چون هر حرکتی با معیارهای خود تحلیل و بررسی می‌شود. این‌گونه زمینه انتخاب افراد جامعه منظور فراهم می‌گردد، با راه و تکالیف آشنا می‌شوند و آستانه تحمل آنان بالا می‌رود تا بتوانند بلندای حکومت معصوم را در کن نمایند.^۴

اگر این نوع ولایت و رهبری، تحمل تode‌ها را آماده بیابد، پا پیش می‌نهد و آن‌جا که تحمل آنان را نیابد، زمینه‌ها را فراهم می‌سازد و اگر مردم هم نپذیرند، آنها را به فراموشی نمی‌سپرد و تنها نمی‌گذارد و با شیوه‌های گوناگون، به حفظ اسلام و مسلمانان و نفوذ آنها در درون قدرت‌ها روی می‌آورند تا زمینه‌ها را فراهم سازند.

امامان معصوم^{عليهم السلام} در طول تاریخ، همه دین و معیارهای استنباط را پیش نهاده‌اند. آنان پس از ره نمودن به مکتب و در اختیار نهادن اصول و روایات و به دست دادن معیارهای استنباط از متابع، دیگر عذری به جا نگذاشته‌اند. عصر غیبت این‌گونه به شکل طبیعی آغاز شد و وقت و زمانی هم برای ظهور معین نکرده‌اند. هنگام ظهور تنها با فراهم بودن زمینه‌های تحمل تode مردم خواهد بود و تا شرایط حکومت معصوم و زمینه تحمل فراهم نشود، زمان ظهور فرا نمی‌رسد.

چنان که گذشت، فقاهت زمینه‌ساز امامت است. فقیه در هنگام غیبت با روش بیناتی، تلقی مردم را از خودشان دگرگون می‌سازد و جای گاه و قدرشان را رو می‌نماید تا انتظارشان را از سطح هدف‌های رفاه، عدالت و تکامل بالا ببرد. بدین‌سان آستانه تحمل مردم رفت و شرایط حکومت حجت خدا فراهم می‌شود. فقیه با معیار استنباطی و با اصول و جوامع، مرجع حادث^۵ آینده است و او با تربیت افراد جامعه منتظر، زمینه امامت و ظهور امام غایب را فراهم می‌سازد.

ادامه دارد

پانوشت

*. عضو هیأت علمی پژوهشکده مهدویت

۱. انشقاق، آیه^۶.

۲. اولنک علی هدی^۷ من ربهم، سوره بقره، آیه^۵.

۳. سوره نساء، آیه^۸.

۴. پیشین، آیه^۹.

۵. «ما الحوادث الواقعه فارجعوا الى رواة احاديثنا». (احتجاج، طبرسی، ج. ۲، ص. ۴۷۰)

احمد حاج قل*

همان طور که به خاطر دارید آقای حقیقت‌گو به درخواست برخی از نمازگزاران، علل و عوامل پیدایش فرقه‌های انحرافی را به فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فردی تقسیم کردند و در بعد فرهنگی به عوامل زیر اشاره کردند: ۱. جهالت و پایین بودن سطح آگاهی دینی، ۲. خردگریزی، ۳. ضعف اطلاع‌رسانی، ۴. تغییر الگوهای مرجع و ۵. راحت طلبی و تکلیف گریزی.

بعد علل و عوامل اجتماعی - اقتصادی و عوامل سیاسی و ویژگی‌ها و روحيات فردی مدعیان مطرح شد و اينک؛

ذکر پاره‌ای از مدعیان دروغین:

ما در این خصوص با دو گروه عمدۀ از مدعیان مواجه هستیم؛ گروهی که مدعی نیابت یا وکالت از جانب حضرت مهدی^{علیه السلام} بوده‌اند؛ گروهی هم پا را فراتر گذاشته خود یا رهبر خود را همان مهدی معرفی کرده‌اند یا خواهند کرد. ناکفته پیداست که اگر بخواهیم درباره تمام این مدعیان به تفصیل بحث کنیم علاوه بر این که مباحثت بسیار طولانی خواهد شد، کاری نه چندان ضروری خواهد بود. و مهم‌تر این که به بحثی که به شما قول دادم و شما هم برای نشان دادن علاقه خودتان به آن با خوشحالی صلوٰات فرستادید به این زودی‌ها نخواهیم رسید؛ بنابراین در ادامه جلسه امروز به صورت خلاصه اشاره‌ای به این بحث می‌کنم تا انشاء‌الله از جلسه آينده بتوانم به قولی که داده‌ام عمل کنم.

الف. مدعیان نیابت و وکالت از امام زمان^{علیه السلام}

همان طور که مستحضرید امام زمان^{علیه السلام} دارای دو غیبت می‌باشدند. غیبت کوتاه مدت که از آن با عنوان غیبت صغیری یاد می‌شود و غیبت بلند مدت که به آن غیبت کبری گفته می‌شود. یکی از ویژگی‌های غیبت صغیری این بود که حضرت نمایندگان خاصی داشتند که از سوی حضرت منصوب شده بودند و به عنوان نایبان و سفیران خاص حضرت رهبری شیعیان را به نیابت از امام زمان^{علیه السلام} بر عهده داشتند و شیعیان نیز به آنان با دیده احترام می‌نگریستند و در مسائل مختلف به آنها یا وکلای ایشان مراجعه می‌کرددند و وجودهای شرعی را هم به دست آنان می‌رسانندند تا در موارد لازم به مصرف برسانند.

بی تقوایی، هوایپرستی و دنیاطلبی عده‌ای را بر آن داشت که چشم طمع به این جایگاه رفیع داشته باشند و با وجود بی‌لیاقتی به دروغ خود را دارای مقام نیابت و وکالت از جانب حضرت مهدی^{علیه السلام} معرفی کنند که در اینجا به صورت فشرده به ذکر مطالبی پیرامون آنها می‌پردازم تا از سرگذشت آنها عبرت بگیریم:

۱. حسن شریعی: این مرد ابتدا از یاران امام هادی و عسکری^{علیهم السلام} به شمار می‌رفت ولی بد فرجام شد و ننگ اولین مدعی دروغین سفارت در زمان غیبت صغیری بودن را بر پیشانی خود زد و نسبت‌های ناروایی به خدا و ائمه^{علیهم السلام} داد تا این که توقيعی از سوی حضرت مهدی^{علیه السلام} در لعن و بیزاری از او صادر گردید.

لَذْنَهُمَا

{ قسمت پنجم }

۲. محمد بن نصیر نمیری: او ابتدا خود را به عنوان یکی از اصحاب امام حسن عسکری معرفی کرد؛ اما بعد از شریعی در زمان نائب دوم جناب (محمد بن عثمان) به دروغ مدعی بایت گردید. او فقط به این ادعا اکتفا نکرد بلکه معتقد به تناخ بود و برای امام حسن عسکری مقام روپیت قائل بود. آقای اندیشهور گفت: «استاد بیخشید! من شنیدهام او دارای فساد اخلاقی نیز بوده است اگر ممکن است به این مطلب هم اشاره‌ای بفرمایید» آقای حقیقت‌گو که با شنیدن این حرف چهراش متغیر شده بود؛ گفت: «معمولًا تمام مدعیان، دارای مفاسد اخلاقی نیز هستند و اصلًا یکی از علی که آنها را به این وادی هولناک می‌کشاند همین مسئله است. من مایل نبودم در چنین جمعی به این بحث پردازم اما برای امثال امر شما اشاره‌ای به آن می‌کنم - البته قبلاً از همه شما عذرخواهی می‌کنم - گفته شده است نمیری نکاح با محارم را جایز می‌شمرده و تمایلات همجنس گرایانه داشته و آن را حلال می‌شمرده است.^۳

۳. احمد بن هلال کرخی: وی در آغاز از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و جز علماء به شمار می‌رفت و فردی زاهدمنش بوده است به طوری که ۵۴ مرتبه به حج رفته که ۲۰ بار آن با پای پیاده بوده است.^۴ اما اعمال او از روی ریا بوده و سودی به حالش نبخشید و حتی در زمان امام عسکری علیه السلام دچار انحراف شد و حضرت در تکوهشش فرمود: «از این صوفی ریاکار و بازیگر پروا کنید».^۵ او در زمان نائب دوم امام زمان علیه السلام مقام وی را منکر شد و امام زمان علیه السلام در توقیعی (نامه‌ای) ضمن لعن و نفرین او، از وی اعلام بیزاری کردند.

اما ریاکاری و جایگاه علمی او باعث شد عده‌ای از شیعیان انحراف او را باور نکنند و به همین جهت برای بار دوم حضرت مهدی^ع توقیعی صادر فرموده و او را نفرین کردند.^۷

۴. محمد بن علی بن بلال: این شخص هم ابتدا از جمله افراد به ظاهر مورد اعتماد امام یازدهم^۷ بود اما در زمان نائب دوم برای این که بتواند وجوهاتی را که مردم به او سپرده بودند برای خود نگه دارد نیابت ایشان را انکار کرد و این مقام را از آن خود داشت^۸ و حتی در مقابل دستور شفاهی حضرت صاحب الامر^۹ مبنی بر پرداخت آن اموال به نائب دوم مقاومت کرد و بر گمراهیش افروزد تا این که امام زمان^{۱۰} در توقيعی او را در ضمن گروهی از حیله‌گران مانند شلمغانی و حلاج مورد لعن و نفرین قرار داد و از آنان اعلام بیزاری کرد.^۹

ادامه دارد

یادوگیری

- * استاد و کارشناسان فرقه‌های انحرافی.
 - ۱. کتاب الغيبة، شیخ طوسی، ص ۳۹۷ ح ۳۶۸.
 - ۲. همان، ص ۳۹۸ ح ۳۷۲.
 - ۳. اختیر معرفة الرجال (رجال کشی)، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۸۱۶ رقم ۱۰۲۰.
 - ۴. امام مهدی از ولادت تا ظهرور، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۲۸۵
 - ۵. همان.
 - ۶. همان، ص ۲۸۶.
 - ۷. کتاب الغيبة، شیخ طوسی، ص ۴۰۰.
 - ۸. الاحتجاج، شیخ طبرسی، ج ۲، ص ۵۵۳.

جامعه پیشگام وقت

قسمت

مقدمه

در شماره های قبل متذکر شده بودیم که جامعه منتظر با نگاه به گذشته تلاش ها و موفقیت های خود در عرصه علم و دانش، می تواند بار دیگر قدم های بلند و مستحکمی در این عرصه بردارد و در شماره قبل و در ادامه بحث پیشگامی اسلام و مسلمانان در دانش و فناوری، سخنان برخی خاورشناسان غربی از جمله ولتر، برتراند راسل و جورج سارتون را متذکر شدیم و اینک ادامه مطالب؛

۴. ویل دورانت^۳ می نویسد:

«بیغمبر اسلام، همه را به طلب علم تشویق می کرد و این کار را محترم می داشت. و از این جهت با اغلب مصلحان دینی تفاوت داشت. گفته بود: «هر که به راهی رود که علمی جوید، خدا برای وی راهی به سوی بهشت گشاید». و «مرکب عالمان دانا را با خون شهیدان وزن کنند، مرکب عالمان از خون شهیدان برتر باشد». ارتباط عربها با فرهنگ یونانی دیار شام حس رقابت علمی (شدیدی با) یونان در ایشان برانگیخت. و چیزی نگذشت که در قلمرو اسلام دانشور و شاعر مقامی ممتاز به دست آورد. آغاز تعلیم اطفال از آن وقت بود که سخن توانستند گفت. از همان وقت «شهادتین» را به آنها یاد می دادند. در شش سالگی بعضی برده زادگان عدهای از دختران و همه پسران را، به جز پسران اغنية که معلمان خصوصی داشتند، به یک مدرسه ابتدائی، که معمولاً در یکی از مساجد و احیانآ در مجاورت یک چشمۀ عمومی در هوای آزاد بود می برندند. تعلیم در اینگونه مدرسه‌ها معمولاً رایگان بود، یا دستمزد آن چنان ناچیز بود که همه مردم توانستند پرداخت... هدف همه مسلمانان این بود که تمام قرآن را به خاطر بسپارند و اگر موفق می شدند عنوان «حافظ» می یافتند، و منزلتی بر جسته داشتند. به نظر مسلمانان کسی که نوشتن و تیراندازی و شنا آموخته بود، «مرد کامل» بود ... نخستین کارگاه کاغذ در قلمرو اسلام به سال ۱۷۸ ه (۷۹۴ق) به بغداد به دست فضل بن یحيی، وزیر هارون الرشید گشوده شد، آن گاه عربها این صنعت را به سیسیل و اسپانيا برندند و از آنجا به ایتالیا و فرانسه رسید ... به گفته یعقوبی در ایام او (۲۷۸ه - ۷۹۱ق) بیشتر از یکصد کتابفروشی به بغداد بود، که در آن جا به جز فروش کتاب از کتاب‌ها نسخه برداری می کردند

در غالب مسجدها کتابخانه‌ای بود و هم در بیشتر شهرها کتابخانه‌های عمومی بود که تعداد زیادی کتاب داشت و درهای آن به روی طالبان علم گشوده بود. به سال ۱۳۹ ه (۹۵۰ق) در موصل کتابخانه عمومی بود که یکی از نوکاران تأسیس کرده بود و مطالعه کنندگان به جز کتاب، کاغذ مورد احتیاج خود را نیز در آن جا می یافتند. فهرست

منتظر دردانش اوری

چهارم

فراموش شده را کشف کنند به احتمال قوی قرن دهم مشرق اسلامی را در تاریخ عقل انسانی به صفت قرون طلایی خواهیم برد...».

ویل دورانت، سرانجام درباره ویرانی این تمدن اینگونه می‌گوید:

«هیچ یک از تمدن‌های تاریخ، چون تمدن اسلام به دست مغولان دچار ویرانی ناگهانی نشده است ... هجوم مغول بر دیار اسلام (به سال ۱۲۱۶ هـ - ۱۲۱۹ م) آغاز شد ... مرو به خیانت گشوده شد و پاک بسوخت. کتابخانه شهر که مایه فخر اسلام بود طعمه آتش شد ... شهر زیبای ری با ۳۰۰ مسجد و کارگاه‌های سفال معروف ویران شد و به گفته یک مورخ مسلمان همه مردمش کشته شدند. هلاکو و سپاهش وارد بغداد شدند (۱۲۵۸ هـ - ۱۲۵۸ م) و چهل روز تمام غارت و کشتار کردند و به گفته بعضی مورخان ۸۰۰/۰۰۰ از مردم شهر را بکشتند. در این کشتار عمومی هزاران طالب علم و عالم و شاعر تلف شد، کتابخانه‌ها و گنجینه‌هایی که طی قرون‌ها فراهم شده بود، در یک هفته ویران یا غارت شد، صدها هزار جلد کتاب به سوختن رفت. تاخت و تاز مغولان چهل سال بود. نیامده بودند که فتح کنند و بمانند بلکه می‌خواستند بکشند و غارت کنند و حاصل آن را به مغولستان ببرند وقتی موج‌های فتح خونین مغول بازیس رفت، اقتصاد آشفته و قنات‌های ویران و مدرسه‌ها و کتابخانه‌های سوخته و دولت‌های فقیر ناتوان و مخالف یکدیگر به جا مانده بود، که قدرت اداره کشور نداشتند...».

«هلاکو به مغولستان بازگشت و سپاه اوی به فرماندهی سرداران دیگر آهنگ فتح شام کرد، و در «عین جالوت» با سپاه مصر، به فرماندهی قطر، ^۱Qutuz و بیرس، ^۲Baibars، از امراء ممالیک روبرو شد (۱۲۶۰ هـ - ۱۲۶۰ م) در همه دیار اسلام و در اروپا، خبر مسرت انگیز پخش شد و همه اهل مذاهب خوشحال شدند. طلس شکسته و ترس رفته بود. مغولان در عین جالوت شکست خوردند. سپس به سال ۳۷۰ هـ = ۱۳۰۳ م) یک پیکار قطعی به نزدیک دمشق درگرفت و مغولان شکست خورده‌اند و ممالیک شام و اروپای مسیحی از خطر نجات یافت.^۴

ادامه دارد

پانوشت
* کارشناس و پژوهشگر (برگرفته از جزوی تدوین شده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها).
۱. موحش مشهور.
۲. تاریخ تمدن، پخش تمدن اسلامی، ص ۱۳۸ - ۱۴۲، ۱۴۸ - ۱۷۷.
۳. همان، ص ۳۱۷ - ۳۲۱، ۳۲۶ - ۳۲۷.
۴. ملقب به الملك المظفر.
۵. ملقب به الملك الظاهر.
۶. همان، ص ۳۱۶.

به نام زیبایی‌ها

شب است و سکوت و تنهایی برای تو که در بین تمام گلها شقایق‌ترین و نازنین‌ترینی، برای تو که وجودت مظہر امید و صفاتیت یک دنیا هم‌صدايی و همنوایی است. در اعماق چشمان نگاهی نهفته که مرا چون شهابی در آسمان خود رها ساخته است من در نگاه نافذ و زیباییت دنیایی را می‌بینم دنیایی با رویاهای شیرین که شب‌های تنهایی را به صحی روشن و پر امید وصل می‌نماید و مهدی جان هرگز باور نمی‌کردم که میان من و تو فصلی به نام خزان پیدا بشے فصلی که بتونه با بادهای سرد و خشن تو رو از من دور کنه می‌خواهم بدونی که همه وقت منتظر آمدنتم، چشم انتظارتم و بیت بیت شعرهایم را بر روی ریل قطار خیالم به حرکت در می‌آورم تا به مقصد برسم مهدی جان در دور دستهایی دور، نام تو را صدا می‌زنم تا بیایی.

تو ای پیدا و ناپیدا به دنبال تو می‌گردم
و همچون عاشقی شیدا به دنبال تو می‌گردم
که حتی در بیابان‌ها به دنبال تو می‌گردم
تو ای عالم‌ترین معنا به دنبال تو می‌گردم
و در هر جای این دنیا به دنبال تو می‌گردم
سری هم می‌زنم آن جا به دنبال تو می‌گردم
زبس پی در پی از هر جا به دنبال تو می‌گردم

تو ای تنهایی از تنها به دنبال تو می‌گردم
رها از عالم خاکی به دور از هر چه ناپاکی
من آن مجnoon صحراً گرد تنها در بیابانم
تو را می‌جویم ای زیباترین گلوازه هستی
تو را در قلب انسان‌های عاشق پیشه معصوم
و هر جایی که ردی از قدم‌های تو می‌بینم
و گاهی هم خودم را بی سبب گم می‌کنم آقا

فاطمه کربلایی

سلام گل نرگس

به نام آن که انسان را مسافر کاروان انتظار گردانید
سلام ای گل نرگس، ای که شیرین ترین انتظار، انتظار توست

و بهترین منتظر، منتظر توست

می‌توانم در یک کلمه پر معنا بگویم:

گر عشقی هست و عاشقی

نام تو معشوق و من عاشق و شیفتہ توأم

در انتظارت می‌مانم و از خدای بزرگ می‌خواهم که ظهورت را نزدیک گرداند
ما محتاج یک نگاه گذرای شما هستیم، زودتر ظهور کن و قلب رهبرمان را شاد گردان
ما و رهبرمان در انتظار تو می‌مانیم.
خداد کند که بیایی و ما هم یکی از یارانتان باشیم

الهام حسنوند

اگر بیایی، چشمهايم را سنگفرش راهت خواهم کرد
تو می‌آیی و در هر قدم، شاخه ای از عاطفه خواهی کاشت
و قاصدکی را آزاد خواهی کرد.

تو می‌آیی و روی هر درخت پر شکوه لانه ای از امید برای
کبوتران غریب خواهی ساخت.

تو می‌آیی در حالی که دستهایت پر از گلهای نرگس است
تو دل سرد یکایک ما را با نواهای گرمت آفتایی می‌کنی
و کعبه عشق را در آنها بنا خواهی کرد.

تو می‌آیی و دست نوازش بر سر میخک هایی
خواهی کشید که باد کمرشان را خم کرده است.
تو حتی بر قلب کاکتوسها هم رنگ مهربانی خواهی زد

علیرضا محرابی

درازه ها و روزه ها



- ۳ خرداد = ۲۹ جمادی الاول: سالروز عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر با رمز «یا علی بن ابیطالب علیہ السلام»
- ۳ جمادی الثاني = ۷ خرداد شهادت بانوی گرامی اسلام، حضرت زهرا علیہ السلام
- ۱۴ خرداد = ۱۰ جمادی الثاني: رحلت حضرت امام خمینی ره و انتخاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به رهبری
- ۱۵ خرداد = ۱۱ جمادی الثاني: سالروز قیام ۱۵ خرداد.
- خرداد و تیر: سالگرد شهادت عده‌ای از شهدای انقلاب اسلامی شهادت جمعی از اعضای جماعت مؤتلفه اسلامی بخارایی، امانی، هرنده و نیکنژاد؛ شهادت دکتر مهدی چمران؛ آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از یاران امام خمینی ره آیت الله صدوqi. روحشان شاد و راهشان پر رهو باد.
- ۱۳ جمادی الثاني = ۱۷ خرداد، درگذشت جناب ام البنین علیہ السلام، مادر گرامی حضرت ابوالفضل العباس علیہ السلام
- ۲۰ جمادی الثاني = ۲۴ خرداد، میلاد سرور زنان عالم، حضرت زهرا علیہ السلام و فرزند بزرگوارش امام خمینی ره
- ۱ ربیع = ۵ تیر، ولادت امام باقر علیہ السلام
- ۳ ربیع = ۵ تیر شهادت امام هادی علیہ السلام
- ۱۰ ربیع = ۱۲ تیر میلاد امام جواد علیہ السلام
- ۱۳ ربیع = ۱۵ تیر میلاد امام علی علیہ السلام
- ۱۵ ربیع = ۱۷ تیر، وفات حضرت زینب علیہ السلام
- ۱۵-۱۳ ربیع ایام پر معنویت و برکت اعتکاف
- ۲۵ ربیع = ۲۷ تیر، شهادت امام کاظم علیہ السلام
- ۲۶ ربیع = ۲۸ تیر، وفات جناب ابوطالب عمومی پیامبر و پدر گرامی حضرت علی علیہ السلام.
- ۲۷ ربیع = ۲۹ تیر، میبعث رسول اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم

جمله‌ای



۱۳ رجب مصادف است با سالروز میلاد مولی المؤمنین علی بن ابیطالب علیہ السلام شخصیت بزرگی که در یوم الدعوة سه بار در پاسخ مثبت به درخواست پیامبر برای وزارت، وصایت و خلافت برخاست و در میان حیرت و سکوت همه فامیل پیامبر، از طرف آن حضرت و در میان همان جمع به این امر بزرگ بروگزیده شد و به همه فامیل حاضر در جلسه اعلام گردید.

حضرت علی علیہ السلام اولین کسی بود که به رسول خدا علیہ السلام ایمان آورد و تا پایان عمر حضرت، برای لحظه‌ای به خود جرأت مخالفت کردن نداد حتی در صلح حدیبیه در برابر اعتراض مشرکان مکه نسبت به نوشتن این جمله «محمد رسول خدا» با وجود موافقت حضرت مبنی بر پاک کردن لفظ رسول خدا علیہ السلام، به خود این اجازه را نداد که نام پیامبر را از جلوی اسم ایشان پاک کند و در آخر، خود پیامبر علیہ السلام اقدام به پاک کردن آن نمود.

از مهمترین ویژگی‌های حضرت علی علیہ السلام شرکت گسترده در تمام جنگ‌های پیامبر بود در حالیکه تفاوتی که با بیشتر اصحاب پیامبر داشت این بود که حتی با شکست لشکر اسلام و فرار اکثر یاران پیامبر - بخصوص یاران اسم و رسم‌دار - باز در کنار پیامبر بود و ایشان را برای لحظه‌ای تنها نگذاشت.

سوم جمادی‌الثانی سالروز شهادت ام الائمه حضرت فاطمه زهرا علیہ السلام است. شخصیتی که در طول زندگی مشترکش کمترین مخالفت و نافرمانی نسبت به همسر گرامیش نکرد و در لحظات آخر عمر هم از ایشان حلالیت طلبید. حضرت زهرا علیہ السلام در کنار نقش همسری، نقش مادری را هم به خوبی برای فرزندانش ایفا کرد. مهمترین نقش ایشان را در حمایت از ولایت می‌توان بر شمرد آن جا که عده‌ای برای بیعت اجباری به خانه‌اش یورش برداشت باز دست از یاری مولاویش بر نداشت و وقتی که همسرش را به زور به مسجد برداشت خود را به قبر پدر گرامیش رساند و از ظلم و ستم یاران پدرش شکایت کرد و همین مسئله باعث لرزیدن ستون‌های مسجد شد بطوری که حضرت علی علیہ السلام سلمان را مأمور کرد تا همسرش را از نفرین امت منصرف کند. در مدتی که بعد از رحلت پیامبر زنده بودند به در خانه انصار و مهاجر می‌رفتند و آن‌ها را نسبت به حادثه غدیر و جانشینی مولای متینی بیم و اندرز می‌دادند. تنها جوابی که انصار و مهاجر برای شانه خالی کردن از مسؤولیت تراشیدند این بود که شما دیر آمدید اگر زودتر می‌آمدید ما با شما بیعت می‌کردیم. گریه‌های فراوان این بانو چنان مدینه را دچار ناراحتی کرده بود که همسران انصار و مهاجر نزد فاطمه زهرا علیہ السلام آمدند و درخواست نمودند که ای فاطمه! یا شبها گریه کن و روزها استراحت یا روزها گریه کن و شبها استراحت.

سرانجام بعد از ۹۵ روز تحمل درد و ناراحتی ناشی از ستم‌ها به امام و مقتدایش، تحمل درد و ناراحتی از فراق پدر



گرامیش، دنیای پر از زر و زور را به اهله و اگذار کرد و بعد از اتمام وظایف خود نسبت به مقام عظیم ولایت دار فانی را وداع گفت و در جوار رحمت الهی قرار گرفت. پنهان بودن قبر شریفیش بزرگترین دلیل بر مظلومیت خود و همسرش و غصب مقام ولایت است که تا روزی که خداوند بخواهد پنهان خواهد ماند.

گرامیش، دنیای پر از زر و زور را به اهلش واگذار کرد و بعد از اتمام وظایف خود نسبت به مقام عظیم ولایت دار فانی را داده و گفت و در جوار رحمت الهی قرار گرفت. پنهان بودن قبر شریف شریعتی دلیل بر مظلومیت خود و همسرش و غصب مقام ولایت است که تا روزی که خداوند بخواهد پنهان خواهد ماند.

روز پانزدهم رجب سالروز رحلت بانوی قهرمان کربلا حضرت زینب کبری علیها السلام است. بزرگترین ویژگی در زندگی این بانو همراهی با ولایت است. برادرش را بخطاطر امام بودن اطاعت کرد و هیچ گاه به خود اجازه نداد که از امامش جدا شود گرچه عدهای این کار را - چه در مدینه، چه در مسیر رفتن به کربلا و چه در کربلا و چه در روز عاشورا - انجام دادند و امامشان را رها کردند. نقش برجسته و سنگین زینب کبری علیها السلام در روز عاشورا - به خصوص عصر عاشورا - و شام غربیان تجلی پیدا کرده است و سخنرانی های آتشین در کوفه و در مسیر شام و در کاخ یزید، همگی حکایت از احساس وظیفه کردن و انجام دادن آن به بهترین شکل در برابر امام خود دارد. یاری کردن امامش تا عصر عاشورا - که امام حسین علیه السلام و برادرش است - و یاری نمودن امام دیگرش از عصر عاشورا تا زمان رحلتش - که امام سجاد علیه السلام و برادرزاده اش است - برای همه مردان و زنان مسلمان الگوی شایسته ای را به تصویر می کشد.

۱۳ جمادی الثانی مصادف است با رحلت ام البنین علیهم السلام. ارتباط این بانو با حضرت علی علیهم السلام از مشورت حضرت با برادرش عقیل آغاز می شود. عقیل برادر نایبینای امام - که مسلط به انساب عرب بود - در پاسخ به درخواست امام علی علیهم السلام برای معرفی همسری شجاع و نترس که فرزندی رشید و برومند به دنیا آورد فاطمه کلابیه را معرفی می کند. این بانو بعد از ازدواج با حضرت صاحب ۴ فرزند پسر می شود ایشان در دامن پر مهر شوهر فرزندان را به خوبی تربیت می کند و برای روز مهم عاشورا آماده می کند. گرچه امکان حضور در کاروان کربلا را پیدا نمی کند اما هر ۴ پسر خود را به یاری امام زمانش می فرستد و به آن ها سفارش می کند که در جانفشانی و دادن جان ذره ای کوتاهی نکنند. اطاعت کامل و مطلق این ۴ پسر رشید را در عصر تاسوعا می توان مشاهده کرد آن جا که شمر از ترس حضور این فرزندان رشید و شجاع در سپاه امام حسین علیهم السلام به وحشت می افتد و تنهای چاره راه را در دادن امان به آن ها می بیند بزرگ این ۴ برادر حضرت ابوالفضل العباس به اصرار امام حسین علیهم السلام پاسخ شمر را چنان کوینده می دهد که او را از پیشنهاد خود منصرف می سازد. در روز عاشورا هم حضرت عباس در ابتدا برادران خود را راهی میدان می کند با این نیت که شهادت من پس از نشستن داغ شهادت تک تک شما بر دلم اتفاق بیفتند تا اجر و ثواب دفاع من از ولایت بیشتر شود.

انشاء الله بتوانیم همه ما در همراهی با ولایت - چه در زمان حضور امام و چه در زمان غیبت امام و تبعیت کامل از ولایت فقیه - هیچ گاه دچار لغزش و کوتاهی نگردیم و وظیفه خود را خوب بشناسیم و خوب عمل کنیم.

افق سینمای ما باید رسیدن به
جامعه ولایت پذیر مهدوی باشد
در سینمای مهدوی چار فقر
محتوایی هستیم!
- اشاره

جمال شورجه بی شک یکی از
معدود فیلمسازان سینمای ایران است
که دغدغه ساخت آثار پر محظا و
ارزشی خصوصا درباره سینمای دفاع
قدس را دارد

وی که تاکنون فیلمهایی چون شب
دهم - لبه تیغ - عملیات کرکوک -
دایره سرخ - حمامه مجنون - خلبان -
باشگاه سری و وعده دیدار و جنگ
نفتکش‌ها را کارگردانی کرده و در
ساخت دو سریال عظیم مردان آنجلس
و حضرت یوسف به عنوان مشاور
همکاری داشته است معتقد است هر
چقدر از دوران اوایل انقلاب و دوران
دفاع مقدس دور می‌شویم این دغدغه‌ها
خصوصاً میان هنرمندان و سینماگران
بنا به دلایل مختلف کم شده است. وی
همچنین می‌گوید در حال حاضر
می‌توانم بگوییم شاید حدود ۶۰ درصد از
سینما گران ما چنین دغدغه‌هایی را
ندارند.

برای آشنایی با نظرات وی بهترین
راه مطالعه گفت و گوی اختصاصی ما با
ایشان است:

جناب آقای شورجه برای این
که خوانندگان ما بیشتر با شما آشنا
شوند لطفا در خصوص خودتان و به
ویژه فعالیت‌های هنری تان برایمان
صحبت کنید:

- بنده جمال شورجه متولد زنجان
هستم که از سن ۹ سالگی به همراه
خانواده به تهران مهاجرت کردیم و
دروس ابتدایی و متوسطه و دانشگاه را
در تهران گذراندم. رشته دانشگاهی

گفت و گوی با جمال شورجه کارگردان سینما و سمت اول کوشش سید مهدی موسوی



- ساخت سریال‌های تاریخی از همان دهه اول بعد از پیروزی انقلاب در دستور کار سینما بود و فیلم‌هایی همچون سربداران و امام علی(ع) و ... از آن دوره‌ها شروع شدند به هر جهت ما اگر بخواهیم معارف دینی خودمان را به مخاطبین خصوصاً نسل جوان به صورت ملموس و قابل باور و نیز اثргذاری آموخت بدھیم بهترین روش تصویرسازی در این خصوص است که البته هم به برکت ساخت مجموعه‌های تاریخی در سینما پیشرفت چشم‌گیری داشته‌ایم.

- از آن جاییکه دین مبین اسلام و
کتاب آسمانی قرآن و سیره و عترت
معصومین برای تکامل و رشد جسمی و
معنوی و تعالی و رفعت روح انسان
توصیه‌ها و باید و نبایدهای شفاف و
روشنی فرموده‌اند و این فرمایشات هم
مختص به مسلمین نیست و تمام
انسان‌ها و پیروان ادیان مختلف را
دربرمیگیرد به همان نسبت آثار دینی
را بندۀ خلاصه نمی‌توانم بکنم صرف و
تتها در آثاری که درباره ائمه معصومین
یا اصحاب این بزرگواران یا انبیاء
خداآورده. تمام مناسبات و
رفتارها و زندگی انسان در ادوار مختلف
خصوصاً زمان حال می‌تواند دینی و
اسلامی و خدا محور و ارزش گرا باشد و
یا بالعکس. معارف دینی را حتی در آثار
کودک و نوجوان و نیز در گونه‌های
مختلف اجتماعی خانوادگی سیاسی و
پلیسی و ... می‌توان جاری و ساری کرد
به طوری که از این گونه فیلم‌ها عطر
دین و معارف الهی به مشام برسد.



حقیر از پیش از انقلاب در ابتدای «گرافیگ» بود ولی پس از انقلاب و بازگشایی مجدد دانشگاهها بعد از تعطیلی و انقلاب فرهنگی به رشته سینما و تلویزیون تغییر رشته دادم و کارشناسی سینما گرفتم.

ابتدا در واحد سمعی بصری حوزه هنری سازمان تبلیغات کار مونتاژ می‌کرد و ساختن فیلم‌های کوتاه مستند و داستانی همچنین مونتاژ آثار دیگر عزیزان. عمده آثار کوتاه و مونتاژی که انجام دادم در زمینه دفاع مقدس بود، چرا که این دوره از آموزش‌های ما همزمان شده بود با جنگ تحمیلی. بنده به صورت حرفه‌ای در آثاری مانند: «پرواز در شب» به کارگردانی مرحوم رسول ملا قلی پور «شرایط عینی» به کارگردانی احمد رضا گرشاسبی و «الماں بنشش» به کارگردانی رحیم رحیمی پور دستیار کارگردان بودم سپس سال ۱۳۶۷ اولین فیلم بلند سینمایی خود را به نام «روزنہ» ساختم. بعد از آن فیلم‌های سینمایی «شب دهم» - «لبه تیغ» - «عملیات کرکوک» - «دایره سرخ» - «حمسه مجنون» - «خلبان» - «باغشگاه سری» و «وعده دیدار» را کارگردانی کردم و سریال‌های «لبه تیغ» - «عبور از خط سرخ» - «پرونده‌های مجھول» - «روايت انقلاب» - «پرده عشق» و «شب چراغ» برای سیمای جمهوری اسلامی کارگردانی کردم و در دو سریال «مردان آنجلس» و «حضرت یوسف» هر دو به کارگردانی آقای فرجا... سلحسور به عنوان کارگردان در کنار ایشان بودم.



مشکل نرمافزاری و تولید فکر در این خصوص داریم به این معنی که در انتخاب موضوعات و پرداختن به مضماین و جوهره اصلی داستان با مشکل روبرو هستیم و در یک جمله باید بگوییم ما در بحث مهدویت چار فقر محظا، فیلم‌نامه و فقر مطالعه و تحقیق هستیم.

خب برای ایجاد آن دغدغه‌ای که فرمودید و حل مشکلات نرمافزاری قضیه چه باید کرد؟!

- بحث دغدغه داشتن که یک امر درونی است و باید در درون فیلم‌نامه نویسان ما ایجاد شود ولی برای ایجاد انجیزه لازم در این خصوص به نظر بnde دولت باید یک بودجه‌ای ویژه ساخت فیلم‌های دینی خاصه در زمینه مهدویت اختصاص دهد و چون بخش خصوصی به علت توجه به منفعت مادی، نسبت به این مقوله بی توجه است لذا نهادهایی چون صدا و سیما و حوزه هنری و وزارت ارشاد باید در این خصوص سرمایه‌گذاری لازم را انجام دهند.

متأسفانه در خصوص صدا و سیما باید بگوییم که گروه معارف شبکه‌ها، چه به لحاظ فکری و چه به لحاظ مالی، جزو فقیرترین گروه‌های سیما محسوب می‌شوند و این یک نقطه ضعف بزرگ است.

این گفت و گو ادامه دارد...

انسان با ایمان و مؤمن به معنای واقعی بگردیم بجز معصومین کجا می‌توانیم پیدا کنیم. اما ایمان در انسان‌ها در طول تاریخ نسبی بوده و هر کسی بهانداره درک و شناخت از دریای ایمان چشیده و یا می‌چشد. البته پارهای اعمال مانند عمل به فرائض روزانه هر مسلمانی را از غیر مسلمان جدا می‌کند و پای بندی به احکام و شریعت و انجام تکاليف ظاهری ملاک خوبی است برای قضاویت ایمان.

اول باید به فرائض مسلمانی عمل شود بعد در مراحل بعد می‌توان به نسبت خلوص و وفاداری به احکام و عمل به واجبات و مستحبات و صداقت و پاکی... توجه کرد که درجات ایمان را نشان می‌دهد.

آقای شورجه آیا شما اعتقادی به وجود سینمای مهدوی در کشور دارید؟!

- نه خیر! متأسفانه ما سینمای مهدوی نداریم. من فکر می‌کنم ما قبل از هر چیز نیاز به یک تعریف جامع و کامل از مهدویت داریم. برای این‌که یک فیلم مهدوی ساخته شود اصل قضیه این است که فیلم‌ساز باید یک تعلق خاطری به حضرت حجت(ع) داشته و دارای یک باور مهدوی باشد. ضمن آن که می‌باشد یک اشرافی نسبت به مسأله مهدویت داشته باشد.

متأسفانه در سینمای ما، کمتر کسی است که این دغدغه را داشته باشد، تازه اگر هم دغدغه‌مند باشد ما

بهترین راه و شیوه بهره‌گیری درست از مقاهیم قرآنی برای ساخت آثار سینمایی و تلویزیونی چیست؟!

- راهکارهایی که در این خصوص به ذهن بnde می‌رسد عبارتند از:

- ۱- تحقیق و پژوهش و پیدا کردن موضوعات و مقاهیم قابل تصویر
- ۲- مشاوره با قرآن پژوهان و قرآن شناس‌های معتبر و رجوع به تفاسیر معتبر

۳- بهره‌گیری از نخبه‌ترین افراد فنی و هنری اعم از نویسنده و کارگردان و عوامل دیگر البته هر چقدر این افراد خود اهل قرآن و زندگی و رفتار قرآنی باشند به مراتب اثر از عمق بیشتر و مؤثرتری برخوردار خواهد بود. بقیه عوامل هم همین‌طور ولی در مراحل بعدی به طور مثال اگر بازیگری خودش اهل کارهای خیر باشد و دنبال شر نباشد قطعاً مفهوم حی على خیر العمل را بهتر درک و لمس و منتقل می‌کند و گرنه صرفاً یک حرکت مکانیکی از او خواهیم دید.

چندی پیش آقای سلحشور در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که ما در سینما بازیگر مؤمن نداریم آیا شما هم این نظر را دارید یا خیر؟

- نظر ارائه شده از طرف برادر گرامیمان آقای سلحشور نظر شخصی ایشان است. بله، اگر بخواهیم دنبال

در مباحث گذشته مطرح شد که ساختن و در پیش گرفتن مذهبی تازه به نام «سلفیه» که بر اساس تعصب و خودگری در انتساب به سلف استوار است، چیزی جدای از پیروی از اصحاب و تابعین است و هیچ ربطی به آن ندارد.
حال این سؤال مطرح است که آیا تفاوتی میان ساختن مذهبی که امروزه خود را «سلفیه» می‌خواند با پیروی از گذشتگان و اصحاب هست؟ اگر چنین تفاوتی هست چیست؟

مذهب ساختن از عنوان «سلف» یعنی آن که سلف، مذهبی ویژه خود داشتند که از شخصیت و کیان جمعی آنان حکایت می‌کند. همچنین به این معنی است که: این‌ها که به این مذهب ویژه درآمدند تنها کسانی هستند که از میان همه مسلمانان، حقیقت اسلام را نشان می‌دهند و حق آن را ادا می‌کنند. بنابراین، بر اساس این برداشت، اسلام تابعی از این مذهب و پیرو آن می‌شود و هر چه آنان اجتهاد کرده‌اند و گفته‌اند همان اسلام است؛ در حالی که پیروی از گذشتگان و سلف به این معنی است که آن‌ها - در صورتی که وثاقت و دیانت آن‌ها برای ما ثابت شده باشد - پلی هستند میان ما و رسول خدا^{علیه السلام} و جانشینان به حق آن حضرت و هر آن‌چه را که رسول معظم اسلام^{علیه السلام} بیان داشته است آنان بی کم و کاست به ما منتقل کرده‌اند بی آن که نظرات اجتهادی یا فهم‌های شخصی خود را در بیانات پیامبر اکرم^{علیه السلام} دلالت داده باشند و هر کجا هم که سخن پیامبر خدا^{علیه السلام} نباشد اعلام می‌کنند که این سخن ما است و برداشت ما است نه سخن پیامبر اکرم^{علیه السلام}. از این باب، احترام به اصحاب و تابعین و گذشتگان و پیروی از آنان وجه درستی پیدا می‌کند.

این تفاوتی است که میان مذهب ساختن از عنوان سلف از یک سوی و پیروی از سلف صالح به منظور تحقق بخشیدن به سفارشات و بیانات رسول خدا^{علیه السلام} از سویی دیگر وجود دارد. روشن است که به دست آوردن سخنان و سنت پیامبر از طریق سلف صالح و موثق و انجام دادن آن‌ها، جوهره دین است و پیامبر اکرم^{علیه السلام} به آن سفارش کرده و مذهب ساختن از این عنوان بدعتی است که نه رسول اکرم^{علیه السلام} اجازه داده و نه خداوند فرموده است بلکه تختیل و پنداری است که هیچ واقعیت خارجی در تاریخ اسلام ندارد چرا که در قرن‌های اولیه اسلام هرگز شاهد ظهور مذهبی خاص به نام مذهب «سلف» یا مذهب «سلفی» در قلب امت اسلامی نبودیم. مذهبی با عناصر و اجزاء و ویژگی‌های خاص خود که آن را از گذشتگان مسلمانان جدا می‌سازد و به سلف، مرتبه‌ای اختصاصی می‌دهد که دیگران - آنان که افتخار و استغاثه می‌کنند! - از آن محروم و بی‌بهزادند.

به راستی اگر روا بود که اینان از واقعیت عمومی اسلام و مسلمانان در عصر سلف برای خود چنین مذهبی بسازند این نیز به طریق اولی روا بود که کسانی بر اساس واقعیت‌های جاری در عصر خلافاً پیدا شوند و برای خود مذهبی اختیار کنند و خود را پیرویان خلفاً بخوانند و نامی برای خود انتخاب کنند یا کسانی که در عصر صحابه بودند مذهبی درست می‌کردند و خود را پیرو این مذهب می‌دانستند و مثلاً نام «صحابیین» (منسوب به صحابه) را انتخاب می‌کردند.

اگر کسانی در تاریخ چنین مذهبی می‌ساختند به یقین دلیلی قوی‌تر و استوارتر از «سلفیه» داشتند؛ چرا که پیامبر^{علیه السلام} نفرموده است که «بر شما باد به سنت سلفین»؛ بلکه آن‌چه که سفارش مؤکد پیامبر^{علیه السلام} است عبارتند از: ۱. عمل به سنت او ۲. اطاعت از کلام الهی ۳. اطاعت از جانشینان صالح و بر حقی که منصوب الهی هستند.

در همان سه قرن نخستین اسلام که سلفیه بسیار به آن اهمیت می‌دهند و خود را پیرو سلف می‌دانند گروه‌های مختلفی وجود دارد که پنج گروه به طور مشخص (جعفری، مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی) مورد قبول تمام مسلمانان قرار گرفت و همه این گروه‌ها در کنار هم زندگی می‌کردند بدون این که یک گروه دیگری را تکفیر کند. این روح همزیستی و همیاری کجا و آن کجا که کسانی از مجموعه آراء و اندیشه‌های اجتهادی خود در زمینه عقیدتی یا عملی، عنوانی بسازند که آنان را از دیگر مسلمانان دور می‌کند و آن‌گاه از این آراء و اندیشه‌ها، خاکریزها و دژهای استواری بیافرینند و از درون آن با هر کس که با رأی و اجتهاد آنان مخالفت ورزد بجنگند.

با توجه به این که در میان سلف - که محل استناد سلفیه است - اختلافات فراوانی وجود داشته است - که نمونه بارز آن وجود پنج گروه مذکور می‌باشد - جای این سؤال باقی است که: چگونه و با کدامین دلیل آنان که خود را «سلفیه» می‌خوانند تنها یک دیدگاه و یک نظر را - که خوشایند خود داشته‌اند - برگزیده و بدان تکیه زده و حق را تنها در آن دانسته‌اند؟ و پس از آن چگونه همین دیدگاه را عنوان دین حق و برهانی بر گمراهی و نابخردی همه مخالفان خویش قرار داده‌اند؟ بی‌آنکه در نظر داشته باشند که سلف هم خود در بسیاری از مسائل با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند! چهارده قرن از تاریخ اسلام گذشته است بی‌آنکه از هیچ کدام از عالمان و پیشوایان این ۱۴ قرن بشنویم که معیار درست اندیشه و بر راه راست بودن در وابسته بودن به مذهبی که خود را «سلفیه» می‌خواند متجلی است و هر که به این مذهب وابسته نباشد و ویژگی‌های آن را به خود نگیرد و به ضوابط آن گردن ننهد بدععت‌گذار و گمراه است.

بنابراین جای این پرسش است که از چه زمان، مذهبی به چنین نامی خودنمایی کرد؟ مذهبی که امروزه آن را در برابر دیدگان خویش می‌یابیم و می‌بینیم که خصوصیات و نزاع‌هایی را در بسیاری از نقاط جهان اسلام برانگیخته و بلکه در بسیاری از سرزمین‌های اروپایی هم - که اروپاییان فراوانی به دین اسلام روی آورده‌اند و به مسلمان شدن اظهار تمایل می‌کنند - رقابت‌ها و آشوب‌ها و آشتفتگی‌هایی را برپا کرده است؟

پاسخ به این پرسش را به شماره بعد، وا می‌گذاریم.



قسمت اول نصرت الله آیتی*

مقدمه

یکی از ویژگی‌های روانی آدمی این است که هماره در رویارویی با امر تازه و بدیع، حالت دفاعی به خود می‌گیرد و کمتر به پذیرش آن گردن می‌نهد. این امر به ویژه آن‌گاه تشدید می‌شود که پدیده جدید حالت رمزگونه داشته باشد و اعتقاد به آن، زمینه‌ساز تحولی بنیادین در باورها، اندیشه، منش و روش زندگی او شود. بر عکس در برابر موضوعی که پیشینه داشته یا در زمان‌های پیش، یک یا چند بار رخ داده است، مقاومت چندانی از خود نشان نمی‌دهد و به سادگی، آن را می‌پذیرد.

یکی از شیوه‌های چیره شدن بر این وضعیت، عادی جلوه دادن آن مسأله است. یعنی تبیین این نکته که موضوع مورد نظر، مسبوق به سابقه بوده و برای دیگران نیز رخ داده است. قرآن کریم نیز همین شیوه را به کار گرفته است. در صدر اسلام، روزه، حکمی جدید و همراه با اندکی مشقت می‌نمود؛ زیرا روزه‌دار می‌بایست از امور مباح چشم بپوشد و از ارتکاب آن‌ها خودداری کند. شاید برخی از مسلمانان در برابر چنین حکم بی‌سابقه‌ای، واکنش نشان می‌دادند و آن را به سختی می‌پذیرفتند. از این‌رو، قرآن کریم، با تأکید بر مسبوق به سابقه بودن آن، مسلمانان را از نظر روانی برای پذیرش آن آمده می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتُبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتُبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شد، همان‌گونه که بر پیشینان شما، نوشته شد.

یعنی مپندارید که این تکلیف، مسأله‌ای بی‌سابقه و فراتر از توانایی شماست. هرگز چنین نیست؛ زیرا وجوب روزه، حکم متداولی است که گذشتگان نیز موظف بوده‌اند آن را انجام دهند.

مسائلی مانند اعتقاد به حضرت مهدی<ص> و غیبت و ظهور ایشان نیز به ظاهر بدیع و بی‌سابقه بوده و طول عمر ایشان با هاله‌ای از رمز و راز و شگفتی همراه است. افزون بر آن، این باور بر همه شؤون حیات آدمی تأثیری بنیادین بر جا می‌گذارد. از این‌رو، برخی افراد از پذیرش آن سرباز می‌زنند و آن را انکار می‌کنند.

امامان معمصوم<علیهم السلام> در برابر این اندیشه، کوشیده‌اند با بیان موارد مشابهی که در تاریخ گذشته - به ویژه تاریخ پیامبران الهی<علیهم السلام> - رخ داده است، مسأله غیبت امام عصر<ص> و دیگر مفاهیم مربوط به آن را عادی جلوه دهند، تا مردم به گمان بی‌سابقه بودن، در آن به دیده شک و تردید ننگردد. برای نمونه؛ به کلام نورانی حضرت مهدی<ص> به شیخ صدوq می‌توان اشاره کرد. شیخ صدوq می‌گوید: شبی در عالم رؤیا دیدم که در مکه‌ام و گرد خانه خدا طوف می‌کنم. در دور هفتم نزد حجرالاسود آمدم و آن را لمس کردم و بوسیدم. در حالی که، دعاهای بوسیدن حجرالاسود را می‌خواندم، مولای خود حضرت مهدی<ص> را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده‌اند. با خاطری پریشان به حضرت نزدیک شدم. حضرت با نگاهی به رخساره‌ام به فراست خود، راز دلم را دانست. به او سلام کردم. حضرت پس از جواب سلام، فرمود: چرا درباره غیبت، کتاب نمی‌نویسی، تا اندوه دلت را بزداید؟ عرض کردم یابن رسول الله! در این باره کتاب نوشته‌ام. حضرت پاسخ دادند: منظورمان این نیست که همانند گذشته بنویسی. کتابی درباره موضوع غیبت بنگار و در آن، غیت‌های پیامبران<علیهم السلام> را بیان کن. سخن حضرت به پایان رسید و از دیدگانم پنهان شد. من از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر به دعا و گریه و مناجات پرداختم. چون صبح دیدم، نگارش این کتاب را آغاز کردم.^۲

حضرت یوسف<علیهم السلام> یکی از پیامبرانی است که امام مهدی<ص> در روایتها به ایشان تشبیه شده‌اند. البته در این روایتها، حضرت مهدی<ص> از جهت‌های گوناگون به حضرت یوسف<علیهم السلام> تشبیه شده‌اند. امام باقر<علیهم السلام> در روایتی تنها به شباهت در غیبت اشاره کرده‌اند.^۳

هم چنین ایشان در جایی دیگر به شباهت‌های دیگری اشاره فرموده‌اند.^۴ حال آن که امام صادق<علیهم السلام> بدون اشاره به شباهت‌های پیشین، شباهت دیگری بر شباهت‌های یاد شده می‌افزایند.^۵ این‌ها نشان می‌دهد که منظور، حصر شباهت‌های یاد شده به موارد یاد شده نبوده، بلکه تنها برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره شده است. با توجه به این نکته و با الهام از فرمایش حضرت مهدی<ص> به شیخ صدوq، این نوشتار می‌کوشد با تأمل در قرآن و روایت‌ها، شباهت و همانندی‌های موجود میان یوسف زهراء<علیهم السلام> و یوسف یعقوب<علیهم السلام> را بازگو کند، تا این رهگذر، فهم و پذیرش امر حضرت مهدی<ص> آسان‌تر گردد.

۱. غیبت

برجسته‌ترین همانندی میان یوسف زهراء<علیهم السلام> و یوسف یعقوب<علیهم السلام>، همانندی در غیبت است. امام باقر<علیهم السلام> به محمد بن مسلم می‌فرماید:

«يا محمد بن مسلم إن في القائم من أهل بيته محمد<علیهم السلام> شبه من خمسة من الرسل: يونس بن متى و يوسف بن يعقوب و موسى و عيسى و محمد صلوات الله عليهم ... و أما شبهه من يوسف بن يعقوب<علیهم السلام> فالغيبة من خاصته و عامتة و اختفائه من اختوته ...»^۶

ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد<ص> با پنج تن از پیامبران شباهت دارد: یونس بن متى و یوسف بن یعقوب و موسى و عيسى و محمد صلوات الله عليهم ... و اما شباهت او به یوسف در غیبت اوست از اقوام دور و نزدیک و از برادران خود نخستین سؤال درباره این شباهت، آن است که میان غیبت امام عصر<ص> و غیبت یوسف<علیهم السلام> غیتی است نسبی؛ یعنی هر چند او از کنعان، برادران و پدر و مادر خود غایب بود، ولی از دیدگان مصریان غایب نبود. او با مصریان، گفت و گو و رفت و آمد

داشت، در حالی که غیبت حضرت مهدی ﷺ غیبی است مطلق و آن حضرت از دیده همگان غایب است. از این رو، قیاس آن دو با یکدیگر قیاس مع الفارق است. پاسخ به این نکته، در شباخت دوم خواهد آمد.

۲. حضور

برادران یوسف برای خرید آذوقه به مصر آمدند و به بارگاه یوسف وارد شدند. وی در نخستین نگاه و گفت و گو، آنان را شناخت، ولی آنان یوسف را نشناختند. آنان بی آن که به هویت یوسف پی برند، با وی سخن گفتند و داد و ستد کردند:

﴿فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ﴾^۱

(برادران یوسف) بر او وارد شدند. او، آنان را شناخت، ولی آنان او را نشناختند.

یوسف زهراء ﷺ نیز در میان مردم حضور دارد. در کفار آنان راه می‌رود و بر فرش‌های آنان پا می‌ندهد و ...، ولی مردم، او را نمی‌شناسند. برخی بر این باورند که غیبت امام عصر ﷺ به این معناست که آن حضرت، در آسمان‌ها یا عالم دیگری زندگی می‌کنند. بنابراین، حضرت مهدی ﷺ از دیدگان همه انسان‌ها پنهان هستند و کسی، ایشان را نمی‌بیند. بر اساس این باور، نکته‌ای که پیش از این گذشت، به ذهن می‌رسد که مقایسه حضرت مهدی ﷺ با حضرت یوسف ﷺ مقایسه‌ای ناتمام است. اما حقیقت، این است که تصویر یاد شده، خطأ و به دور از واقعیت است. او در میان مردم رفت و آمد می‌کند و در کوچه و بازارها قدم می‌گذارد. مردم، آن حضرت را می‌بینند، گرچه او را نمی‌شناسند.

سدیر می‌گوید:

«سمعت ابا عبدالله ؓ يقول: إن في القائم شبه من يوسف ؓ. قلت: كأنك تذكر حيرة و غيبته؟ فقال لي: ما تنكر هذه الامة اشياخ الخنازير؟ ان اخوة يوسف كانوا أسباطاً اولاد انببياء تاجروا يوسف و بايعوه و هم اخوته و هو اخوه فلم يعرفوه حتى قال لهم أنا يوسف و هذا اخي فما تنكر هذه الامة أن يكون الله عزوجل يفعل بحجته ما فعل بيوسف أن يكون يسيراً في اسوقهم و يطاً بسطهم و هم لا يعرفونه حتى ياذن الله عزوجل أن يعرفهم بنفسه كما أذن ليوسف حتى قال لهم هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه إذ انتم تجهلون قالوا إنك لانت يوسف قال أنا يوسف و هذا أخي»^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: قائم شباختی با یوسف دارد. عرض کرد: گویا حیرت و غیبت او را می‌فرمایید؟ حضرت فرمودند: چرا این امت، قضیه حضرت یوسف را انکار نمی‌کنند؟ برادران یوسف با این که پیغمبر زاده و برادر یوسف بودند و او نیز برادرشان بود، با او تجارت و خرید و فروش کردند و او را نشناختند، تا این که یوسف، خودش را معروفی کرد و گفت: من یوسفم و این (بنیامین) برادرم است. با این حال چرا آنان منکرند که خداوند عزوجل با حجت خود، همان کاری را بکند که با یوسف کرد؟ او در بازارهایشان راه می‌رود و بر فرش‌های آنان گام می‌ندهد، ولی مردم او را نمی‌شناسند، تا هنگامی که خداوند به او اجازه دهد که خودش را معروفی کند. همان‌گونه که به یوسف اجازه داد و یوسف گفت: آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آن‌گاه که جاگل بودید؟ گفتند: آیا تو همان یوسفی؟ گفت: (آری) من یوسفم و این، برادر من است.

و باز امام صادق علیه السلام فرمود:

«إن في صاحب هذه الامر سنت من الابياء ؓ ... و اما سنته من يوسف فالستر يجعل الله بينه وبين الخلق حجاباً يروننه و لا يعرفونه...»^۳

صاحب این امر (امام مهدی ﷺ) به برخی از پیامبران،؟ شباخت‌هایی دارد ... اما شباخت او به یوسف، در پرده بودن اوست، یعنی خداوند بین او و مردم حجابی می‌نهد که او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

ادامه دارد

پابنوشت

- ۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده مهدویت
- ۲. سوره بقره، آیه ۱۸۳
- ۳. شباخت اول.
- ۴. شباخت چهارم.
- ۵. شباخت دوم.
- ۶. کمال الدین، ج. ۱، ص. ۷۴
- ۷. سوره یوسف، آیه ۵۸
- ۸. کمال الدین، ج. ۲، ص. ۱۰

در حضرت خوبان

فرصت‌ها را غنیمت شمار

ای عزیزاً مطالعه کننده این اوراق! عبرت کن از حال این نویسنده که اکنون در زیر خاک ... است و ...؛ تو ملتخت خود باش که نیز روزی مثل مایی و خودت نمی‌دانی آن چه روز است؛ شاید الان که مشغول قرائتی؛ باشد، اگر تعلی کنی، فرصت از دست می‌رود.

ای برادر من! این امور را تعویق نینداز که تعویق انداختنی نیست. چقدر آدم‌های صحیح و سالم، با موت ناگهانی از این دنیا رفتند و ندانیم عاقبت آن‌ها چیست! پس فرصت را از دست مده و یک دم را غنیمت شمار که کار خیلی اهمیت دارد و سفر خیلی خطرناک است. دستت از این عالم که مزرعه آخرت است، اگر کوتاه شد، دیگر کار گذشته است و اصلاح مفاسد نفس را نتوانی کرد؛ جز حسرت و حیرت و عذاب و مذلت نتیجه نبری. اولیای خدا آنی راحت نبودند و از فکر این سفر پر خوف و خطر بیرون نمی‌رفتند.

حالات علی بن الحسین علیه السلام امام معصوم حیرت‌انگیز است. نالههای امیر المؤمنین علیه السلام ولی مطلق، بهت‌آور است. چه شده است که ما این‌طور غافلیم؟ کی به ما اطمینان داده جز شیطان که کارهای ما را از امروز به فردا می‌اندازد. می‌خواهد اصحاب و انصار خود را زیاد کند و ما را با خلق خود و در زمرة خود و اتباع خود محشور کند. همیشه آن ملعون امور آخرت را در نظر ما سهل و آسان جلوه دهد و ما را با وعده رحمت خدا و شفاعت شافعین، از یاد خدا و اطاعت او غافل کند. ولی افسوس که این اشتها کاذب است و از دامهای مکر و حیله آن ملعون است. رحمت خدا الان به تو احاطه کرده؛ رحمت صحت و سلامت و حیات و امنیت و هدایت و عقل و فرست و شفاعت راهنمایی اصلاح نفس. در هزاران رحمت گوناگون حق تعالیٰ غوطه‌وری و استفاده از آن نمی‌کنی و اطاعت شیطان می‌کنی. اگر از این رحمت‌ها در این عالم استفاده نکنی بدان که در آن عالم نیز بی بهره هستی از رحمت‌های بی‌نهایی حق و از شفاعت شفیعان نیز محروم مانی. جلوه شفاعت شافعان در این عالم، هدایت آن‌ها است و در آن عالم، باطن هدایت، شفاعت است. تو از هدایت اگر بی بهره شدی، از شفاعت بی بهره‌ای و به هر قدر هدایت شدی، شفاعت شوی.

شفاعت رسول اکرم ﷺ مثل رحمت حق، مطلق است. محل قابل باید از او استفاده کند. اگر خدای نخواسته شیطان با این وسائل، ایمان را از چنگ تو ریود، دیگر قابلیت رحمت و شفاعت نخواهی داشت. بلی، رحمت حق سرشار است در دو دنیا؛ تو اگر طالب رحمتی، چرا از این رحمت‌های پیاپی که در این عالم مرحمت فرموده و بذر رحمت‌های عوالم دیگر است برخوردار نمی‌شوی. این همه انبیا و اولیا خدا تو را دعوت کردند. به خوان نعمت و مهمان خانه الهی، نپذیرفتند، و با یک وسوسه خناس و القای شیطانی همه را کنار گذاشتند. محاکمات کتاب خدا و متواترات احادیث انبیا و اولیا و ضروریات عقول عقلا و برایهین قطعیه حکما را فدای خطرات شیطانی و هواهای نفسانی کردند. ای وای به حال من و تو از این غفلت و کوری و کری و جهالت.^۱ ادامه دارد

پاتوشت

۱. چهل حدیث، حضرت امام خمینی ره، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

قسمت نهم

* (نهم) پنجمین قسم

«فاحسینا به الارض بعد موتها كذلك النشور»
 «پس زمین را بعد از مرگش زنده کردیم و چنین نیز مردگان را در قیامت زنده نماییم.» قرآن کریم / سوره فاطر / آیه ۹
 تمام لالهها بوى محمد (ص)
 بهار جاودان روی محمد (ص)
 بجز محراب ابروی محمد (ص)
 جهان را هیچ محرابی نباشد
السلام عیک یا بقیة الله؛ السلام عليك یا ربیع الانام و نصرة الایام
 سلام بر بهار عالمیان و شادابی روزگاران و سلام بر نایب آن یادگار خدا، حضرت امام خمینی(ره) که دم روح الهی اش
 بشارت طلوع بهار ظهور را نزدیک ساخت و امر خروج حجت حق را آسان
 خدایا! کی غم عشقت سر آیه؟
 نهال آرزویم در بر آیه؟
 تو گفتی: تا بهار دیگر آیه
 نشیبینم تا بهار دیگر آیه
»بهار عشق«

ای فدای آن نگار! لالههای بی شمار
 بی تو، ما هیچ و تهی، معنی بودن تویی!
 لاله می سوزد به دشت، خون همی جوشد ز طشت
 روی سیم انتظار، خسته دل نشسته اند
 تا دمد مهر تو از، پشت کهسار قرون
 چشمها خشکید و باغ، آه حسرت می کشد
 از نسیم موي تو، باغ خندان می شود
 از پس خاکستر، سالهای التهاب
 می رود از خاطرم، یاد شب های فراق
 صور توفانزا بدم، آستین افسان دگر
 وارث حیدر بیا! مجلاء مضطرب بیا!
 صاحب قرآن تویی! معنی انسان تویی!
 باز کن پنجره را!

با تو می گردد بهار، این خزان بی بها را!
 با تو آید در حساب، صفرهای بی شمار
 چشم شهلا شد سپید، شام تار انتظار
 دسته دسته در غروب، صد پرستو بی قرار
 موي عالم شد سپید از غبار روزگار
 ابر عالمگیر عشق! ای بهار گل، ببارا!
 باز می خنده هزار، بر سر هر شاخسار
 باز گل خواهد نمود، آتش دیدار یار
 می رود از هر کتاب، واژه های انتظار
 ابرهای فتنه را، کن زهستی تار و مار
 بر دل ظلمت بکش، آذرخش ذوالفقار!
 جان زهرا مادرت چشم از ما برندار!

این عروس گل بخت بهار است که با دو صد هلهله و شور و صفا می آید!
 بهتر از پیش با شمیم شدها، با عطری از خون خدا، در قافله نور با روح اهورایی در هودجی از بلور، با خلعت سبز حضور، با توری از
 شکوفه های سپید، با لباس اطلسی باپیراهن شقايق، با گیسوی بید مجنون با کلاهی از تاج خروس، با شکوفه لبخند، با ترانه باران، با
 نسیم مسیحایی و با عطر گل محمدی!
 باز کن پنجره را!

بهار می آید؛
 با بوی بنشه و شمیم شقايق، عطر گل یاس و رایحه روح و ریحان و تنفس پاک انسان!
 بهار می آید؛



سال نیو

ست اول

با عطر بکر گل‌های وحشی، با بوی وحشی بوته‌های کوهی
 با حس غریب، دورترین دره‌های محمل پوش!
 بهار می‌آید؛
 با گلدان‌های شب بو، با کوچه‌های مست یاس با دشت‌های خمار نرگس، با کوچه باغ‌های روشن شکوفه و خیابان‌های خلوت
 و گرم عشق! !
 بهار می‌آید؛
 با بوی سپید افقی، با عطر سرخ گل، با شمیم یشمی شبدر، با بوی روستایی علف‌های تازه، با عطر روح انگیز اطلسی، با رایحه رویایی
 باران و کاهگل!
 بهار می‌آید؛
 با غوغای غوک‌ها، با رقص ماهی‌ها، با قشرق گنجشک‌ها، با چهچه چلچله‌ها، با جیر جیر جیر جیرک‌ها، با قهقهه کبک‌ها، با
 آواز بلبان، با نغمه پرندگان، با شیدایی پروانه‌ها، با جست و خیز غزالان رعنا
 و نافه مشکین آهوان ختا!
 بهار می‌آید؛
 با نجوای باد و بید، با پچ پچ دخترکان کوزه به دوش، با نی لبک چوبان، با شیوه اسبان، با بع بع بردها و با همه‌مه بچه‌ها!
 بهار می‌آید؛
 با پاکی شبین، با نگاه پر مهر آفتاب، با یک بغل شعر باد و باران، با زمزمه جویباران، با سرود آبشاران، با غلغل چشم‌هه ساران،
 با شروع خوانی رود خانه‌ها و با تلاوت آبی دریا!
 او می‌آید؛
 با مهری از نور، با سبحة غنچه، با سجاده چشم‌هه، رو به قبله گل سرخ، در محراب ابروی نگار، در شبستان چمن با خیل فرشتگان
 نماز باران می‌گزارد!
 بهار می‌آید؛
 با آغوشی از نیلوفر، با کوله باری پر از پونه و آویشن، با سفره‌ای پر از کنگر و ریواس، با توبه‌ای آکنده از گل‌های وحشی و
 خورجینی لبریز از آواز قناری! با بقجه‌ای چپیده از چهچه چکاوک، با دشتی لبال از کبوتر و بلبل و با آسمانی پر از آواز پر
 چلچله!
 بهار می‌آید؛
 با یامه‌ای کاهگلی روستا در شب‌های پر ستاره، با ایوان‌های خلوت در شب‌های مهتابی، با صبح آفتایی، با آسمان آبی و با
 شکوفه‌های سیب و گلابی!
 او می‌آید و نوروز را می‌آورد، با عطر عیدی بر سر سفره‌های هفت سین، با دعای آمين، با تخم مرغ‌های رنگین و با بازدید آن
 و این!

ادامه دارد

پانوشت

®. مدرس دانشگاه، مدیر مسئول و مدرس انجمن ادبی هنری بسیج دانشجویی استان تهران و تهران بزرگ



امروز

خدا مراد سالیمیان*

مردم را به اطاعت از آنان سفارش می‌کنند. بر این اساس اگر پیامبر خلیفه و امام معرفی نکند، رسالتش را به انجام نرسانده است.

دیگر آن که، وجود امام در هر عصر و زمان و در هر جامعه‌ای برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و برقراری نظم در جامعه ضرورت دارد.

خداآوند در این باره فرمود: «آنما انت مُنذَرٌ ولُكْلُ قومٍ هادٌ»^۴ همانا تو انذار دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌گری است.

روايات تفسيري اين آيه نيز اين حقiqet را تأييد می‌کند که امامی زنده تا روز قیامت میان انسان‌ها حضور دارد. همچنانیn براساس روایاتی درباره سوره قدر، در شب قدر هر سال تا روز قیامت،

دار تکلیف می‌دانند که عموم مردم را به حفظ مصالح دین و دنیايشان ترغیب و از آنچه به حال آنان زیتابار است منع کنند.

متکلمان اسلامی - شیعه و اهل سنت - امام و به دنبال آن، خلیفه را درباره کسی به کار می‌برند که از ناحیه پیامبر گرامی ﷺ نیابت و ریاست یافته است؛ تا امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده گیرید و دین و دنیای آنان را سامان داده، آباد سازد؛ از این رو بر مردم است تا از دستورات وی پیروی کنند.^۳

شیعه، بر این باور است که پیامبران چون از جهت عمر و امکانات محدودند، برای محقق ساختن اهداف خود به امر الهی، جانشین خود را به مردم معرفی و

امامت، به معنای پیشوایی، پیشروی و رهبری است. امام نیز به معنای پیشوای، پیشو، مقتدا،^۱ قیم، مصلح، الگو، راه اصلی و راهنمای است. کسی یا چیزی که از آن پیروی شود، انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر، به حق باشد یا بر باطل، امام است.^۲

ریشه این واژه «امم» و به معنای قصد یا قصد با توجه خاص است. این معنا در همه مشتقات آن محفوظ است. امام نیز کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش دیگران قرار گیرد؛ گرچه با اختلاف موارد و قصد کنندگان و جهات و اعتبارات، گوناگون می‌شود؛ مانند امام جمعه و جماعت، امام هدایت و امام ضلالت.

برخی کامل‌ترین تعریف را ریاست بالاصله عمومی در امر دین و دنیا در

فرشتگان بر امام آن زمان نازل می‌شوند و این سوره دلیل روشنی بر وجود امام در همه زمان‌ها است.

افون بر آیات، از روایات فراوانی نیز استفاده می‌شود که زمین، هیچ‌گاه از حجت الهی تهی نخواهد بود و هرگاه از حجت الهی تهی باشد، اهلش را فرو خواهد برد؛ به‌گونه‌ای که حتی اگر دو نفر بر روی زمین زندگی کنند، یکی از آنان حجت و امام خواهد بود.

همجنین پیروان مکتب اهل بیت علیه السلام بر این عقیده‌اند که نامهای آن پیشوایان در کلام آخرین سفیر الهی به روشنی انکاس یافته است و آخرین آن پیشوایان نور همانا منجی موعود است که جهان را سرشار از عدالت خواهد کرد آن گونه که آنکنه از ستم و بیداد شده باشد. نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیه السلام که برخی از دانشوران اهل سنت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده‌اند.^۶

از این رو سال‌ها پیش از آن که نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ق فراسد و آخرین امام از این سلسله مبارک پا به عرصه املات بگذارد، پیشوایان معصوم علیه السلام و بهویژه واپسین فرستاده خداوند^۷، پیامبر خاتم^۸ ائمه^۹ امامت آخرین حجت الهی، حضرت مهدی^{۱۰} را نوید داده بودند. رسول اکرم^{۱۱} فرمود:

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند؛ نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و آخرین آن‌ها قائم است. آن‌ها جانشینان و اوصیا و اولیای من و حجت‌های خداوند^{۱۲} پس از من، بر امت من هستند. اقرارکننده به آن‌ها مؤمن، و انکارکننده ایشان، کافر است.^{۱۳}

پیشوایان معصوم علیه السلام نیز به پیروی از رسول گرامی اسلام^{۱۴} همواره به سلسله امامان دوازده‌گانه اشاره کرده‌اند؛ به روشنی از دوازده‌مین ایشان یاد نموده، شیعیان را از افتادن در دام انحراف و مدعیان، بر حذر داشته‌اند.^{۱۵}

مقام نبوت مفتخر ساخته بود. حضرت عیسیٰ بن مریم علیه السلام^{۱۶} و حضرت یحییٰ علیه السلام^{۱۷}

روایتها و شواهد تاریخی فراوان، گویای آن است که پیش از حضرت مهدی علیه السلام در میان امامان دوازده‌گانه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی به امامت رسید، جواد الائمه علیه السلام بود. او که نهمین پیشوای شیعیان و یگانه فرزند حضرت رضا علیه السلام، بود در روز دهم ربیع الاول ۱۹۵ در مدینه چشم به جهان گشوده، در هفت سالگی به مقام امامت رسید.^{۱۸} از آن‌جا که این مسئله در دوران امامت پی‌سابقه بود، در ابتدای برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی رفته رفته با هدایت‌های امام رضا علیه السلام و کرامت‌هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان آرام گرفت.

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد و سپس فرمود:

«ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مویه مو از بزرگ‌سالانمان ارث می‌برند.»^{۱۹}

این روایت، به روشنی بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام در حالی که کودک نابالغی عساکش من بود. حضرت به من فرمود:

چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟^{۲۰} یا فرمود: «همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد.»^{۲۱}

صفوان بن یحییٰ گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: پیش از آن که خدا بوجعفر را به شما بیخشش، درباره جانشینان از شما می‌رسیدیم و شما می‌فرمودید: «خدا به من پسری عنایت می‌کند.» اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر

با شهادت یازدهمین پیشوای شیعیان در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق،^{۲۲} در حالی که بیش از پنج بهار^{۲۳} از عمر آخرين ذخیره الهی سپری نشده بود، فصل بهره‌مندی مستقیم انسان‌ها از امام ظاهر به پایان رسید و در پی آن، دورانی سیار مقدم در زندگی پیروان اهل بیت علیه السلام پیش آمد. این دوران، همزمان با دو رخداد مهم آغاز شد: رسیدن آخرين حجت الهی به مقام امامت و دیگر، قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان‌زیستی.

یکی از دانشوران معاصر در تبیین امامت در سنین کم، چنین می‌گوید: ... امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم رسیده، و مسلمانان - حتی در کشاکش آن همه موج ویرانگر - باز خویشتن خویش را به پیروی و دوستی او گماشتن، به طور مسلم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسیر و عقاید، بهره‌ای آشکار و چشمگیر داشته باشد؛ چون در غیر این صورت، نمی‌توانست مردم را به پیروی از خویش وادرد....

به فرض محال که مردم نتوانستند

حقیقت و واقعیت امر را دریابند، دستگاه خلافت و نیروی حاکم که آن همه دشمنی علیی با امام داشته، جرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت تیانداخته است؟

اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر، خیلی خوب می‌توانستند جنجال به پا کنند؛ اما سکوت آن‌ها و سکوت تاریخ، گواه است که امامت در سنین کم، پدیده‌ای حقیقی بوده است، نه ساختگی.^{۲۴}

البته پیش از آن که در مسیر هدایت جامعه، نوبت به پیشوایی جانشینان آخرین فرستاده الهی برسد، خداوند^{۲۵}، پیامبرانی را در کودکی به

خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی پدید آید به که بگرویم؟» حضرت با دست به ابو جعفر که برابر ایستاده بود، اشاره فرمود. عرض کرد: «قربات شوم! این پسر، سه ساله است.» فرمود: چه مانعی دارد؟ عیسی سه ساله [کمتر] بود که به حجت قیام کرد.^{۱۸}

اگر چه برحی برابر این اراده از خود واکنش‌های نامناسبی نشان دادند، اما کم نبودند انسان‌های وارسته‌ای که برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیرش فرود آورده، با خشنودی کامل آن را پذیرفتند. از جمله ایشان، علی بن جعفر بن محمد، عمومی امام رضا علیه السلام^{۱۹} بود که در کهولت سن، برابر امام جواد علیه السلام در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می‌کرد.^{۲۰}

از اینجا بود که پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام با این باور که مقام امامت امری فراتر از محاسبات ظاهیری است در امامت امام هادی علیه السلام، با اطمینان بیشتری آن را پذیرفتند. چرا که ایشان نیز در سن هشت‌سالگی به امامت رسید.^{۲۱}

از آنجا که شرایط امامت حضرت مهدی علیه السلام متفاوت بود، تردیدهایی در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام حسن عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت، نه فقط در سن کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه ولادتش نیز به خاطر مصالحی پنهانی بود و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل آرای او را ندیده بودند. البته حافظة شیعه، آموزه‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه سازی کرده بودند^{۲۲}، هرگز فراموش نکرده بود.

شایان ذکر است که افزون بر پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام که به تأیید الهی دارای ویژگی‌های خاصی هستند، بین انسان‌های معمولی نیز کسانی یافت می‌شوند که دارای نبوغ خاصی هستند که آن‌ها

پاورش

- ۵. عضو هیأت علمی بزوہشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- ۶. جوهري، صحاح اللغة، ج. ۵، ص. ۱۸۶۴؛ ابن فارس، مقاييس اللقة، ج. ۱، ص. ۴۲۳؛ فراهيدى، العين، ج. ۱، ص. ۱۰۶.
- ۷. راغب اصفهاني، المفردات، ص. ۲۴.
- ۸. جمعی از نویسندهان، دائرة المعارف قرآن کریم، ج. ۴، ص. ۲۲۵.
- ۹. مائده (۵)؛ ۶۷.
- ۱۰. رعد (۱۳)؛ ۷.
- ۱۱. رک، ططف الله صافى گلپاگانى، منتخب الاثر، الفصل الاول فيما يدل على ان الامة اتنا عشر... .
- ۱۲. «الآئية يعنى اثنا عشر اوثهم على ابن أبي طالب و آخرهم اقام لهم كلباي و اوصيائى و أولئك و شيخ الله على ائمه يعنى القراء بهم مؤمن و الشكير لهم كافر»، شيخ صدوق، من لاصطخر القافية، ج. ۴، ص. ۱۷۹.
- ۱۳. «أنا والحسن والحسين والائمة السنتة من ولد الحسين تأسعمهم مهديهم و قائمهم لا يقاررون كتاب الله ولا يقاربهم حتى يردا على رسول الله عزوجل»، شيخ صدوق، کمال الدين و تمام النعمة، ج. ۱، ص. ۴۰.
- ۱۴. محمد بن يعقوب کلپي، الكافي، ج. ۱، ص. ۵۰۳.
- ۱۵. شیخ مقدم، الارشاد، ج. ۲، ص. ۳۲۳.
- ۱۶. سید محمد باقر صدر، جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص. ۴۸۷-۴۷.
- ۱۷. مریم (۱۹)؛ ۳۰.
- ۱۸. مریم (۱۹)؛ ۱۲.
- ۱۹. شیخ مقدم، الارشاد، ج. ۲، ص. ۷۷۳.
- ۲۰. «ما حاجكم إلى ذلك هذا أبو جعفر قد أجلسته مجلسي و شربته مكاري قال إنما أقبل بيت يتواترت أشاغرتا عن أكبابنا الفضة بالقدوة»، محمد بن يعقوب کلپي، الكافي، ج. ۱، ص. ۴۲۰.
- ۲۱. به نظر من رسد مقصود آن حضرت، امام جواد علیه السلام بوده است. اگر چه می‌تواند اشاره به امامت حضرت مهدی علیه السلام باشد.
- ۲۲. «لَئِنْ تَأْتِمْ إِذَا احْتَجْ عَلَيْكُمْ بِمُقْتَلِّ سَنَةٍ؛ أَوْ قَالَ سَلِيلُ عَلَيْكُمْ بِمُقْتَلِّ سَنَةٍ»، ابن حجر عسکری علیه السلام، کافی، ج. ۱، حالات آئینه علیه السلام في السن، ج. ۴.
- ۲۳. «وَ مَا يَرَهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَاتَ عَسَى عَلَيْهِ الْحَيَاةَ وَ هُوَ أَبْنَ ثَلَاثَ سَنِينِ»، هشان، ج. ۱، باب الاشارة والنص على ابی جعفر(الائمه).
- ۲۴. هشان، ج. ۲، ص. ۳۲۲، ح. ۱۷.
- ۲۵. رک، شیخ مقدم، الارشاد، ج. ۲، ص. ۲۹۷.
- ۲۶. ابن ابی زینب نعائی، القیمة، ص. ۳۲۲، ح. ۱.
- ۲۷. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص. ۱۲۳ و ۱۲۴.

لایحه ای از مردم! ما صاحب داریم

محمد رضا امیری اندی*

این جمله را خیلی افراد به یاد دارند. صدای خطیب مشهوری که هم و غم، بیدار کردن دلها به یاد حضرت مهدی^ع بود.

بله درست حدس زدید. او کسی نیست جز عاشق و دلباخته صاحب الزمان^ع مرحوم کافی.

در این نوشتار بنا داریم شما را بیشتر با زندگی این دلسوزخته امام عصر^ع آشنا کنیم.

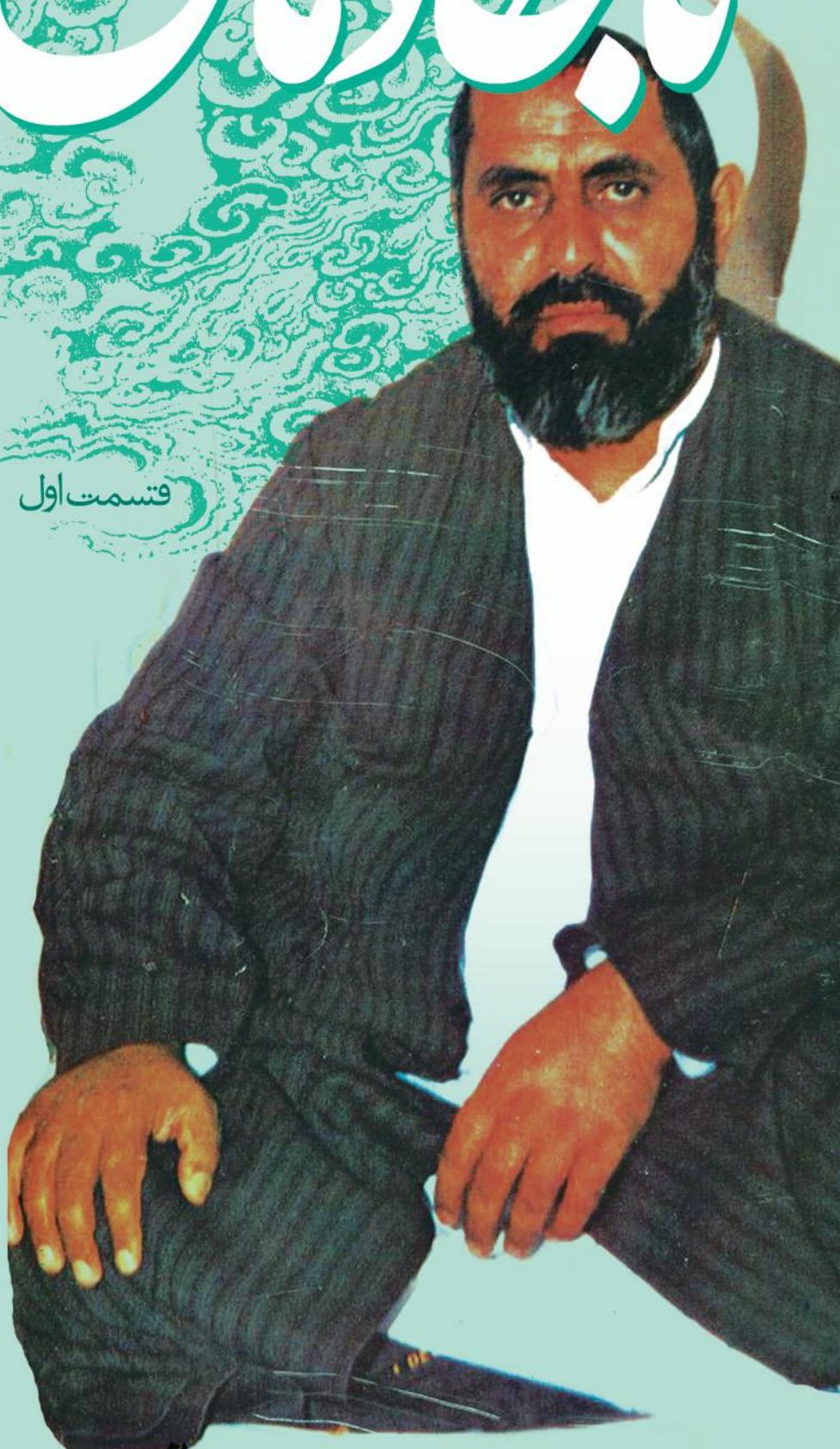
معرفی مرحوم کافی

مرحوم حجت الاسلام شیخ احمد (ضیافتی) کافی از چهره های تأثیرگذار در جامعه دینی ایران طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۴۰ بود. وی در تمام این سالها با منبرهای گرم خود تلاش می کرد تا اخلاقیات اسلامی را با زبان عامه و در حد معلومات مذهبی خود که از وی یک منبری متنفذ ساخته بود، میان مردم رواج دهد. طبعاً به دلیل شرایط فسادآمیز آن روزگار، مجبور به اعتراض به وضع موجود بود و این چیزی بود که سبب می شد تا سخنرانی های وی صبغه سیاسی پیدا کند و با مقامات دولتی و امنیتی رژیم پهلوی درگیر شود.

امروز که استناد آن زمان منتشر شده است بدون تردید می توان او را یک شخصیت تأثیر گذار در میان توده های مردم دانست که به عشق مذهب و صدای زیبای او و به عشق امام زمان^ع در مهدیه او و پای منبرهای او در شهرهای مختلف حضور می یافتند و تحت تأثیر کنایه ها و اشاره های وی در مخالفت با وضعیت حاکم بر ایران قرار می گرفتند.

در اینجا بر اساس استناد چاپ شده^۳ تلاش می کنیم تا مروی بر زندگی سیاسی مرحوم کافی و چگونگی تأثیرگذاری وی را در ایران پیش از انقلاب اما در آستانه انقلاب نشان دهیم. به طور کلی باید گفت: مرحوم کافی پس از چندسال تحصیل در نجف، در سال ۳۸ برای تبلیغ به مشهد بازگشته، به سرعت به سراغ منبر رفت و با صدای گرمی که داشت، تا پایان زندگی خود، همیشه جمعیت انبوهی را پای منبر خود میخکوب می کرد . علاوه بر آن خدمات دینی - عمرانی وی در مسجد سازی و مهدیه سازی نیز بسیار گسترده بود. شاید مهدیه تهران یک استثناء در مراکز مذهبی آن روزگاریه لحاظ کثرت جمعیتی باشد که در آنجا

قسمت اول



اجتماع می کردند. متعاقب آن دهها مهدیه دیگر در شهرهای مختلف ساخته شد. مروری بر اسنادی که ساواک در پرونده مرحوم کافی نگهداری کرده است، نشان می دهد وی از چهره های مبارز دهه چهل به حساب آمده و در این باره شواهد و مطالب فراوانی وجود دارد.

حمایت از امام راحل(ره) و ضدیت با رژیم پهلوی

گزارشی از دوم فوروردین است که کافی روی منبر گفته است: تو چرا – یعنی ای پادشاه – اختیار خودت را به دست اجنبی داده ای (ص ۴). روز بعد هم روی منبر در منزل آیت الله میلانی گفته است: روحانیت با قرآن جلو می رود و با دولت اجاتب پرست می جنگد و ایستادگی می کند (ص ۵). گزارش دیگر حکایت از آن دارد که در همان سخنرانی وی شاه را به منصور و ابرهه تشییه کرده و از قیام زید بن علی ستایش نموده است (ص ۶).

با این حال، این برای چند روز بوده و با بالا گرفتن بحث سربازی طلبه ها و نیز دستگیری ها و اعتراض وی و گفتن این که «شاگردهای مکتب اسلام را از مردم گرفته و زندان انداخته» او را دستگیر و بازجویی کردن (ص ۲۰ – ۲۴). گویا خیلی سریع آزاد شده است. در زمانی که سخنرانی های روحانیون اغلب با کنایه و اشاره به رژیم همراه بود، مرحوم کافی به دلیل نفوذ کلام و نیز سخنرانی هایش در منازل بزرگان در شمار افرادی بود که ساواک روی آنان تأمل داشت. در باره اتهامات وی گفته شده بود که در منبر گفته است «حکومت ظالم با جرگوش های زهرا چه می کند».

کافی با وجود محدودیتها و فشارهای فراوان و تضییقات وارد گوناگون، همیشه از فرسته های به دست آمده، بهره های مناسب جسته، به ویژه در مجالس و محافل بزرگی که در محضر آیات عظام و بزرگان و مراجع عالیقدر تقليید در شهرهای مقدس قم و مشهد و یا تهران و سایر شهرستان ها برپا می گردید، با همان سبک و سیاق و روش خاص خود، به طور مستقیم و غیرمستقیم، از سیاست ضدیدنی و اسلامی و عناد ضدروحانی و مردمی رژیم منفور پهلوی، به وضوح، با زبانی گویا و بیانی رسا، شجاعانه و متھرانه سخن به میان می آورد و از امام امت و رهبر ملت، این چشم و چراغ پر فروغ و این قلب تپنده و امید جهان اسلام، خمینی کبیر (ره) با عظمت یاد و تجلیل فراوان می نمود. او با صدایی بلند و غریب، برای سلامتی و تندرستی و طول عمر و عزت این بزرگ منجی عصر و زمان که دور از وطن و در تبعید به سر می برد، بر سر منابر، آشکارا دعا می کرد و مردم هم با صدای هر چه بلندتر با او همراهی کرده، آمین می گفتند. همچنین «آیت الله خمینی را نایب امام زمان معرفی و او را در زندان و مظلوم معرفی و مرتبا دعا و صلوت برای خمینی می فرستد». (ص ۴۲ – ۴۳).

وی در سخنرانی ۱۳۴۹/۸/۷ (ص ۲۸۲) به مردم توصیه می کند که مردم باید به نماینده امام زمان (ع) رجوع کنند و گزارشگر ساواک هم می افزاید که مقصودش امام خمینی است.

بعداز تبعید امام به ترکیه اوضاع تا حدی فروکش کرده و از سخنرانی های مرحوم کافی نیز گزارشی منعکس نشده است. در سخنرانی خود در دی ماه ۴۵ گفت: «این هارون ها و مأمون ها چقدر فرزندان فاطمه را اذیت و آزار کرده اند». (ص ۵۸). وی بر اساس گزارش ساواک، در سال ۴۵ چند تصویر از امام خمینی در منزلش بوده و در جلسه ای که با برخی از افراد هیأت داشته گفته است که می بایست بر اساس رساله ایشان برای مردم مسئله گفت (ص ۶۶).

این زمان وی مرتب در مسجد امین الدوله تهران منبر می رفته و به عنوان یکی از وعاظ ناراحت و مخالف برای ساواک شناخت شده بوده است (ص ۶۶). وی در سخنرانی ۳ فوروردین ۴۶ خطاب به مردم گفته است: «از دین تان دفاع کنید از اسلام و قرآن و امام زمان و علماء و مراجع تقلید نگهداری کنید» (ص ۶۹).

یکبار هم در سخنرانی خود در ۲۰ بهمن ۴۵ گفت: در هر عصری منصورها و حجاجها وجود دارند و اولاد پیغمبر را اذیت می کنند. عده ای را اعدام و عده ای را زندانی می نمایند... خدایا پرچم دار اسلام پیشوای شیعیان جهان حضرت آیت الله خمینی را در پنهان خودت از جمیع بلایا حفظ بفرما و او را صحیح و سالم به ایران برگردان و وسائل خلاصی زندانیان بیگناهی که به جرم طرفداری از قرآن و دین و روحانیت گرفتار شده اند فراهم نما (ص ۶۴ – ۶۵).

وی در این سخنرانی ها مرتب روی فرعون و روش های برخورد او (ص ۳۰۵، ۷۱) و همین طور منصور عباسی و زندانی کردن سادات (ص ۷۴ – ۷۵) تکیه می کرد.

طبعاً به لحاظ منبری بودن مطالibus چندان پرداخته و داستانی ارائه می شد که خیلی با آنچه در متون بود تطبیق نمی کرد اما به هر روی، بسیار تأثیر گذار بود. او با اشاره به بی حجابی و بی عفتی، مجالس گناه، افزود «یکی از علائم ظهور امام زمان این است که انسان در آن دوره نمی تواند به طور آشکار طرفداری از حق و دیانت بکند الان هم کسی نمی تواند به طور واضح و روشن احکام قرآن و دین را بیان کند». (ص ۷۲). در همین سخنرانی وی گفت: «امام محمد باقر می فرماید در دوره آخرالزمان به شهر قم پناه ببرید که عده ای شیعیان حقیقی و طرفداران حق و حقیقت فقط در قم می مانند» (ص ۷۹).

سخنرانی های بعدی مرحوم کافی همچنان اعتراض آمیز و انتقادی است: شیعه امام صادق(ع) هر چقدر فشار ببیند به کوره حدادی برود و شکنجه ببیند شفاف تر می شود. چرا ثبات قدم ندارید... چرا از پیغمبر(ص)، قرآن، امام حسین(ع)، امام زمان(ع) و نایب امام زمان حمایت نمی کنید (ص ۷۲۰).

ادامه دارد

- * پژوهشگر و دانش آموخته مرکز تخصصی مهدویت
۱. شیخ احمد کافی فرزند محمد متولد اول خرداد ۱۳۱۵ ه.ش و متوفی ۳۰ تیرماه ۱۳۵۷
۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: واعظ شهیر حجه الاسلام حاج شیخ احمد کافی

حدت اف

حضرت امام خمینی(ره):

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشیوه دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده‌ی بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد.

شاید جمله‌ی «لَنْ يُفْتَرِقا حَتَّى يُرَدَا عَلَى الْحَوْضِ» اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله ﷺ هرچه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجویت هر یک مهجویت است، تا آنگاه که این دو مهجوی بر رسول خدا در «حوض» وارد شوند.

و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالیٰ بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بندۀ رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است.

ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معمصون ما است.

ما مفتخریم که ائمه‌ی معصومین، از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان - علیهم آلف التحیات والسلام - که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمه‌ی ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه‌ی حیات‌بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه‌ی معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی علیهم السلام و «صحیفه‌ی سجادیه» این زبور آل محمد و «صحیفه‌ی فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالیٰ به زهرا مرضیه است از ما است.

ما مفتخریم که «باقرالعلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالیٰ و رسول ﷺ و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است.

و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی‌بیان است، یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام و متعهد به پیروی آنانم.

ما مفتخریم که ائمه‌ی معصومین علیهم السلام در راه تعالیٰ دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومتهای جائزه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقسام مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالیٰ اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه‌ی دشمنان و ناشنایی دشمنان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متهمدانه خود را رهاند و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شفعت به لزمه درمی‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غصب ملی‌لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه - علیها سلام‌الله - فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالیٰ و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر؛ و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا.

ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالیٰ بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بندۀ رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است

و ملت ما بلکه ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند، درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند. و در رأس آنان امریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند؛ و خیال ابله‌های «اسرائیل بزرگ»! آنان را به هر جنایتی می‌کشانند. و ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردی این جنایت پیشه‌ی دوره‌گرد، و حسن و حسنی مبارک هم آخر با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به امریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملتهای خود رویگردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام عقلی است که دوست و دشمن او را به جنایتکاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخنشیان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد.

و ما ملتهای مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاههای تبلیغات جهانی، ما و همه‌ی مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرت‌های جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه‌ی امریکا با ادعاهایش و همه‌ی ساز و برگهای جنگی‌اش و آنهمه دولتهای سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروتهای بی‌بیان ملتهای مظلوم عقب‌افتداده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متولّ شودا! و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شود! و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری تعالیٰ - جلت عظمت‌ه. که ملتها را بوبیه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاھی به نور اسلام هدایت نموده.

من را در کنار یکی از دلها بگذارد به خاک بسپارید خرازی

هدی مقدم

در شماره پیشین ضمن بیان خاطرهای در مورد شهید احمد کاظمی شهادت از زندگی و مسئولیت‌های خالصانه او را بیان نمودیم و در این شماره برگهایی دیگر از دفتر زیبای زندگیش را ورق می‌زنیم.

احمد کاظمی؛ هزارو سیصد و زلزله...

در حادثه بم، در ساعتهای اول، احمد به عنوان فرمانده نیروی هوایی تمام ناوگان خودش را برای نجات مردم بم بسیج کرد، خودش هم فرودگاه بم را آماده کرد، هر ۱۳ دقیقه یک هواپیما و یک هلیکوپتر چه در شب و چه در روز پرواز می‌کرد ۳۰ هزار مجروح را با هواپیما و هلیکوپتر تخلیه کرد، ۱۰ شبانه روز نخوابید. این است روایه مردم داری و مردم یاری سردار گمنام ما که هیچکس اسمشو توی اون مصادیت به عنوان یکی از مهم ترین اهرم‌های فعل نشنید...

احمد کاظمی؛ فرمانده نیروی زمینی؛ ۱۳۸۴

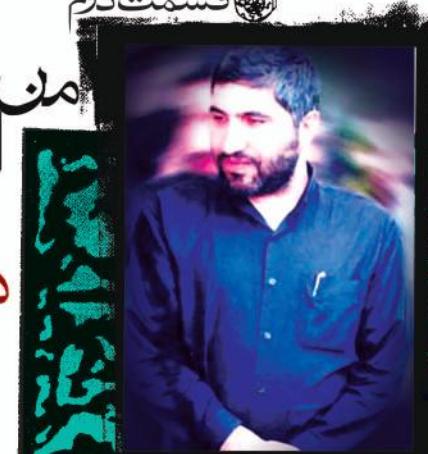
وقتی مراسم تدیعت برگزار شد همه گریه می‌کردند... حتی خودت... گفتی که فکرمی کردی شهادت توی نیروی هوایی رقم می‌خوره اما... همه می‌دونستن در زمان تو رشد کمی و کیفی در نیروی هوایی ۳۰۰ تا ۵۰۰ برابر شده... همه فهمیده بودن کسی که این کارا رو می‌کنه به جای دیگه ای وصله...

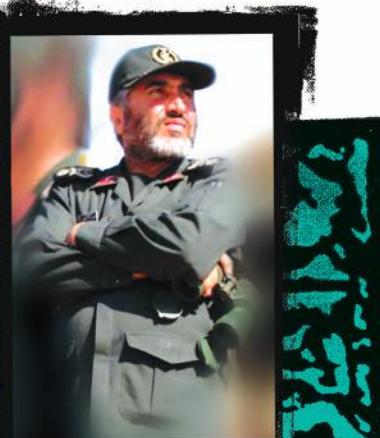
احمد کاظمی؛ شهید عرفه...

دانشگاه تهران روز عید قربانی فرمانده ات وقتی می‌آمد شکسته بود ولی مقدر، محزون بود ولی با ابته. همه بچه‌های جنگ آمده بودند، محسن رضایی، شمخانی، کوثری، علی فضلی، قاسم سلیمانی، فدوی، باقر قالیباف، مرتضی قربانی، غلامعلی رشید، رحیم صفوی،... و با دیدن او کلی گریه کردند. او تنها زیر لب فاتحه می‌خواند. وقتی تابوت را دید زمزمه‌ای می‌کرد که نمی‌دانم چه می‌گفت. ولی وقتی سیر با تو و توها نجوا کرد رو به جمعیت کرد و در حالی که خانواده شهداي سانحه اخیر، دکتر محسن رضایی، سردار صفوی و گردایشان جمع شده بودند گفت: «جمع دیگری از بهترین ها رفتند و ما هنوز هستیم». جمعیت یکدست بغض پنهان خود را شکسته و های های گریستند. کسانی که سال‌ها بود کسی اشک آشک آنها را ندیده بود...

بعد در ادامه خاطرهای از دیدار با شهید کاظمی را نقل کرد: که حدود دو هفته پیش شهید کاظمی پیش من آمد و گفت: «من دو خواسته و آرزو دارم. یکی آنکه رو سفید باشم و دیگر آنکه شهید شوم». من به او گفتم که برای شما حیف است که بمیرید، شما مستحق شهادت هستید. اما نه به این زودی، این نظام هنوز به شما نیاز دارد. در آن جلسه به شهید کاظمی گفتم «روزی که خبر شهادت صیاد شیرازی را به من دادند گفتم، شهادت حق او بود». با ذکر این خاطره دیدم در چشمان شهید کاظمی اشک جمع شده است. در این لحظه او به من گفت: «انشاء الله خبر من را هم به شما بدهند...».

بچه‌ها برای احمد سنگ تمام گذاشتند برای همین وقتی که دیدار آقا تمام شد، در خواستشون را از آقا کردند... سردار سلیمانی از ایشان عبایی را بهمراه انگشتی که آقا با آن نماز شب می‌خواندند گرفت. فردا آن روز (صبح پنجشنبه) قبل از نماز، وقتی می‌خواستند جسد احمد را در میان قبر بگذارند، اول عبای آقا را پهن کردند و سپس تربت کربلا را بر آن پاشیدند و بدن احمد را در میان آن قرار دادند و





انگشتتری را نیز به توصیه یکی از علماء و اولیاء الهی، زیر زبان او نهادند. زیرا او گفته بود زبان میت شب اول دیر باز میشود. شما این کار را حتماً انجام دهید.
احمد را به آرامی در کنار حسین خرازی بر زمین نهادند و مراسم تلقین صورت گرفت. سردار سلیمانی در درون قبر فریاد میزد و از جمعیت بالای قبر شهادت میخواست و میگفت: ای مردم!
احمد اهل نماز بود؟ و مردم یکصدآمی گفتند: بله بود. آی مردم! احمد اهل جهاد بود؟ و جمعیت با گریه میگفتند: بله بود...

غوغایی راه افتاده بود که کسی توصیف آن را نمیتواند کند...
آن لحظات کسی نبود که برای احمد گریه نکند. این آخرین دیدار ما و احمد بود. میدانستیم لحظاتی دیگر تا قیامت شاهد مهربانی‌های احمد، خاطره گفتن او، ادب و متنان تو شجاعت و مدیریت مدبرانه او، نخواهیم بود...
هر کس در ذهن خود یکی از خصوصیات او را به یاد میآورد و از ته دل میسوخت...

یکی یاد قدرت مدیریت بالای او افتاده بود. یادش افتاده بود که از همان نگاه و برخورد اول، افراد کارآمد را از مدعیان تشخیص میداد. به کسانی که کارایی نداشتند هیچگونه مسئولیتی واگذار نمیکرد چه برسد مسئولیت‌های حساس را...

خطاطران به سان پرنده ای سبک بال برشاخصار ذهن همه به پرواز درآمده بود...
_ گاه میشد یک مسئول را به خاطر بی‌لیاقتی به «آپاراتی لشگر» میفرستاد تا در آنجا پنچری بگیرد. در زمان جنگ چه بسیار از کسانی را که به خاطر بی‌لیاقتی و عدم اطاعت از فرمانده شان به «بلوک زنی مهندسی» فرستاده بود!

_ مسئولیت‌های مهم از نظر او مسئولیت‌هایی بود که با بیت المال سر و کار زیادی داشت. به شدت با تخلفات فرماندهان و مسئولین برخورد میکرد. به هیچ وجه اجازه نمیداد از بیت المالی که در اختیارش بود کوچکترین سوءاستفاده‌ای بشود.

_ تشویقات روی دو اصل بود: اول حفظ بیت المال و نگهداری؛ دوم انجام درست وظایف محله. تشویقات غالباً مال نیروهای جزء بود و سخت‌گیری‌ها و تنبیهات مال مسئولین.

_ در تمام ریز مسایل هم اطلاع داشت و هم وارد میشد. چون خود در جنگ و در صحنه عملیات‌ها از نزدیک حضور داشت به همه جزئیات امور اشراف داشت و زحماتی که کشیده میشد به خوبی شناسایی میکرد و به آن ارج مینهاد. هیچ نیازی به گزارشات مکتوب نداشت. با یک بازدید به همه جوانب کار پی میبرد.

_ بازدیدهایش اغلب سر زده و بدون اطلاع و زمان مشخصی بود. طوری بود که همه حضورش را حس میکردن و هر لحظه آماده رسیدنش بودند. حتی سرباز راندهاش به تنها یی در حال رانندگی از پادگان تا فروگاه جرأت تخلف نداشت و همه دستورالعمل‌های ایشان را رعایت میکرد زیرا احتمال میداد که حاجی مطلع شود...

ولی هیچ کس مانند محمد Mehdi از آن حال و هوای گرم خانه و درونیات یک فرمانده نگفت:

به غیر از ماه رمضان به یاد نمیآورم بابا زودتر از ۸ شب آمده باشد خانه... در خانه را که باز میکرد چنان سلام گرمی میکرد که انگار تازه اول صبح است و بیدار شده است. میگفت: «خیلی مخلصیم»، «خیلی چاکریم»! همیشه در تعجب بودم که بابا چه حالی دارد با این همه کار و خستگی این قدر شارژ و سرحال است.

ادامه دارد

ویروس عطش مصرف پیاس رمایه سوزی

جواد اسحاقیان درچه

یکی از بیماری‌های عجیبی که در طول تاریخ وجود داشته است و حتی تصور آن انسان را آزار می‌دهد، بیماری سیری‌ناپذیری در آب یا غذا است؛ داستان افرادی که در اثر شدت احساس تشنجی، آنچنان و آنقدر نوشیده‌اند تا به حد انفجار رسیده‌اند هم دردنگ، هم عبرت‌آموز و هم مضحك است قصه، قصه فاصله بین تشنجی و نیاز حقیقی به آب و احساس کاذب تشنجی است که شاید این فاصله، دیگر از ماه من تا ماه گردون را هم رد کند. همه می‌دانیم که با اختلال در مرکز خاص مربوط به احساس تشنجی در مغز، این بلای بزرگ بر سر انسان می‌آید. اما در این نوشته و نوشت‌های مشابه همان درد قدیمی است که نوبت به معنویات که می‌رسد دیگر کسی به دنبال درمان هم نیست تا چه رسد به پیشگیری.^۱

تصور کنید اگر بیماری عطش زدگی مسری بود باید برای هر انسان یک سد می‌ساختیم و صد البته جیره بندی و ... اما شاید اصلاً فکر نکرده باشیم که اگر مرکز احساس بی‌نیازی و قناعت انسان دچار آسیب شود و مورد هجوم ویروس حرص و طمع شود چه بلای بر سر روح و معنویات می‌آید و حتی در سایه آن چه خسارت‌هایی مادی بر جامعه وارد می‌شود.

وقتی انسان‌های عالم و عاری از ویروس عطش‌زدگی داشته باشیم با یک عدد خرما، تعداد زیادی رزمنده به حفر خندق می‌پردازند و در عرصه سازندگی و نظمی بر تمام قبایل متحد شده دشمن در صدر اسلام پیروز می‌شوند. اما آن‌گاه که زن‌های فربینده ویروس، همان مردم را به بیت‌المال و کاخ‌های سبز و سرخ می‌کشاند با وجود اموال فراوان و به قول معروف ۶ عده و ۶ دهه، از ادامه کار مأیوس شده و حاضرند فرمانده خود را تسليم دشمن کنند.

زمانی که روحی پاک و محیطی عاری از آن بیماری خطرناک باشد؛ با ۲۳ سال، مردم خشن و سرکش همگی به برادرانی مهربان تبدیل می‌شوند و بهترین معارف و آموزه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را فرا می‌گیرند و تمدنی می‌سازند و آن‌گاه که عطش نوشتن و گفتن و خواندن - آن‌هم از هر منبع و هر چشم و جوی گل آلودی - همه را فرا می‌گیرد قرن‌ها می‌گذرد و آن‌ها که از همه فعالتر و کوشاترند با نظریه‌های ضد و نقیض انسان‌ها را به ورطه هلاکت روحی و روانی می‌کشانند و راه بجایی نمی‌برند. و درست پس از این دوران تاریک، که نزدیک است این بیماری همه را به مرگ‌های سرخ و سفید نابود کند، باز امیدی سر می‌زند مردی می‌آید که دردها را تا عمق جان می‌شناسد، جان‌ها و روح‌ها را واکسینه می‌کند، قلب‌ها پراز بی‌نیازی می‌شوند آن وقت است که دیگر اگر به کسی اضافه بدهند خود نمی‌گیرد چون احساس نیاز در او وجود ندارد، همان زمان است که بهترین نیروها از زن و مرد که بالاترین توانایی‌ها را دارند با رجعت به میدان آورده می‌شوند که هر کدام کار امتنی را بر عهده می‌گیرند و به جای هزاران زن و مرد مدعی، یک تن، گوشاهی از آن کار جهانی را به دوش می‌کشند.

این یعنی منابع انسانی شناسایی و به کارگیری شود و آن کس که مفید است و کار آمد می‌آید و جالب آن که حتی قبل از مرگ خود هم آرزوی آمدن و برگشتن داشته و مدت‌ها منتظر آن بوده است و آن که نالایق است و تنها مدعی و پر سر و صانا نه خود آرزوی آمدن و کار کردن داشته و نه او را به میدان می‌آورند و اگر هم بیاورند برای عبرت دیگران است.

در آن زمان بهترین مدیریتها و مدیریت‌ها چشم و دل جوامع را روشن می‌کنند. معلوم است که با شرایط حاد بیماری که ما اکنون گرفتار آن هستیم اگر شبانه روز باران ببارد و تمام معادن گنج‌ها کشف شود باز هم بایده کپک زده - بهترین هر چیز را برای خود بدار - که غرب و متأسفانه شرق را هم گرفته است، انسان‌ها تجسم دنیاگی جهنمی خواهند بود، که چنانکه می‌دانیم در قیامت جهنم هم سیری نمی‌پذیرد و دنبال منابع بیشتر است.^۱

اما اگر دل‌ها و روح‌ها سیر شود و عقل‌ها به کمال برسد، وقتی بجای تمسخر احادیثی که سخن از استفاده از خرد نان‌ها و سیب‌نبیم خورده می‌گویند، به عمق آن‌ها و به روح مهر و دین که در آن‌ها وجود دارد پی ببریم و زمانی که مدیریت جهان با این مبانی غنی متحول شود، آنوقت است که دیگر معجزه هم ضرورتی ندارد زیرا که هم تولید و محصولات در زمان کمتر و با مدیریت بهتر، چند برابر خواهد شد و استعدادها و ظرفیت‌ها کشف خواهند شد و هم مصرف‌ها به نیم و ثلث و ربع می‌رسد و خواهید دید که چرا دیگر فقیر و زکات و ... معنا پیدا نمی‌کند.

حکایت، حکایت عجیبی است ما بیماران دردمندی هستیم که با دست خود به سرمایه‌سوزی دامن می‌زنیم و از کمبود زمان، کمبود منابع و امکانات می‌نالیم و همه جا و در همه سطوح سنگ تمام عقب ماندگی‌ها و مشکلات و گرفتاری‌ها را بر سر این‌ها خرد می‌کنیم.

پی‌نوشت:

۱. استاد و پژوهشگر

۱. بی‌قلب امة محمد غنتی. [حدث اشاره به عصر ظهور دارد که قلوب مردم از معنویت پر شده است]

۲. اشاره به آیه ۳۰ سوره ق (هل من مزید).



رقیة السادات موسوی*

تعالی نمی‌داند بنابراین بروی لازم است شخصی را که واقف بر عصمتش می‌باشد معرفی کرده و یا معجزه‌ای که گواه بر راست‌گویی امام است به دستش ظاهر نماید.

پس از پیامبر گرامی اسلام، ائمه علیهم السلام و عالمان همواره سعی و تلاش خوبی را برای تشکیل حکومت فاضله و اسلامی نموده‌اند و تا آخرین لحظه در برابر دشمنان خوبی مقاومت نمودند، اما همواره وجود موانع و مشکلات آنان را از نیل به چنین آرزویی بازداشت و جز در موارد انگشت‌شمایری حکومت الهی نبوده است و تا زمان ظهور حضرت مهدی که آخرین و دوازدهمین امام است، نیز بیشتر حکومت‌ها باطل خواهد بود.^۵

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«دولتنا آخر الدول و لن يبق اهل بيت لهم دولة الا ملکوا قبلنا لثلا يقولوا اذا رأوا سيرتنا اذا ملکنا سرنا مثل سيرة هولاء و هو قول الله عزوجل «والعاقبة للمتقين».

«همانا دولت ما آخرین دولت‌هاست و برای هیچ خاندانی

در عصر حیات پیامبر اسلام، آن حضرت تمام کوشش‌ها و تلاش خوبی را برای هدایت جامعه و تشکیل حکومت اسلامی (مدينه فاضله) به کار گرفت و در شهر مدينه به پایه‌ریزی آن پرداخت. اگرچه آن حضرت تمام تلاش خود را نمود و تا حدودی موفق به اجرای برخی برنامه‌ها گردید اما آن طور که باید در همه جهان این برنامه‌ها و اهداف سیطره و غلبه یابد، غلبه نیافت و با رحلت آن حضرت، حیات و زندگانی اسلام به حد در خطر تهدید ظالمان و دشمنان قرار گرفت لذا آن حضرت برای جلوگیری از نابودی اسلام و به فرمان الهی، به تعیین خلیفه و جانشین پس از خود پرداخت، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿بِاٰيَةِ الرَّسُولِ يَلْعَبُ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنَّ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَنَا...﴾^۶

لذا آن حضرت در روز ۱۸ ذی الحجه در محلی به نام

دولتی نیست مگر این که قبل از ما حکومت کند تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگوید اگر ما نیز به قدرت رسیدیم این چنین رفتار می‌کردیم و این گفتار خداوند است که عاقبت برای پرهیزگاران است».^۷

آری ائمه علیهم السلام همواره در صدد تشکیل حکومت آرمانی اسلامی و دولت محمدی بر روی زمین بوده‌اند و بهزودی چنین حکومت فاضله‌ای با ظهور حضرت مهدی علیه السلام به تحقق خواهد پیوست.

با توجه به دیدگاه اسلامی، حکومت فاضله: «حکومتی است مبتنی بر نظام رهبری فاضل و الهی که می‌تواند نبی یا امام باشد که جامعه را در تمام ابعاد و جنبه‌ها به سمت رشد اخلاقی و کمال مطلوب انسانی، مدیریت و راهبری می‌کند و باورها و رفتارهای مردم را اصلاح می‌کند».

چنین حکومتی جامع تمام فضایل، نیکی‌ها و محاسن اخلاقی و عقلی است و هم در مقام عمل و اجرا، همه آن‌ها را در جامعه محقق می‌سازد هم مدافعان و حامی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی است و هم ابزار زندگی صنعتی و علمی بشر را برای تحقق کمالات انسانی (عبادت و عبودیت و

غدیر، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین و خلیفه پس از خود تعیین نمود و به امامت او و یازده نفر از فرزندانش تصریح نمود.

و در روایات متعددی به این امیر خطیر و بزرگ یعنی امامت ۱۲ امام پس از خود، اشاره فرموده است.

حموئی در «فرائد السبطین» و سید علی همدانی در «مودة القربي» از ابن عباس روایت کرده‌اند که رسول خدا علیه السلام فرمود: «انا سید النبیین و علی بن ابی طالب سید الوصیین و ان اوصیایی اثنا عشر اولهم علی بن ابیطالب و آخرهم القائم»

«من سید پیامبرانم و علی سید اوصیا است و اوصیای من دوازده نفرند که اول آن‌ها علی و آخر ایشان قائم است.

علامه حلی در تبیین امامت می‌نویسد:

«امامت عبارت از ریاست عامه‌ای است در امور (دین و دنیا) برای شخصی از اشخاص به نیابت از طرف پیامبر اکرم و این امر خطیر از جانب خداوند متعال واجب است عقلاء... واجب است به امامت امام تصریح شود، از این رو که عصمت از امور باطنی آن چنانی است که آن را احدی جز ذات باری

تقریب به خدا) به کار می‌گیرد و جامعه را زنده و انسانیت را احیا می‌کند.^۸

در دولت و حکومت مهدوی که برگرفته از حکومت محمدی است همه امور، فاضله و الهی است. از یک سیاست فاضله شروع و به یک هدف فاضله ختم می‌شود.^۹ پیامبر می‌فرماید: «سیره و سنت او سیره و سنت من است مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت». ^{۱۰}

وجوه مشترک حکومت محمدی علیه السلام و حکومت مهدی علیه السلام

الف. برنامه‌ها

سه محور عمده برنامه‌های حکومت محمدی و مهدوی عبارتند از:

۱. برنامه‌های فرهنگی
۲. برنامه‌های اجتماعی
۳. برنامه‌های اقتصادی

جواب معم بشری به دلیل دوری از تعالیم الهی و معنویات به

الرہم

الرویت

قسمت اول

رسول خدا درباره چگونگی حمل و نقل در آن روزگار می‌فرماید:

«پس از شما اقدامی خواهد آمد که زمین زیر پایشان طی می‌شود و درهای جهان به رویشان باز می‌گردد ...».

ادامه دارد

انحطاط فرهنگی گرفتار می‌شوند لذا باید رهبر جامعه فاضله در قدم اول به انقلاب فرهنگی در جامعه پردازد.

در قدم دوم، رهبر جامعه باید برنامه صحیحی را که ضامن حیات واقعی جامعه و برخوردار شدن افراد از حقوق الهی و انسانی است، جایگزین روش‌های ظالمانه – که به هرج و مرج و فساد و تباہی جامعه منجر شده – نماید.

و قدم سوم برای رشد همه افراد، باید به برنامه‌های اقتصادی پرداخته شود و موهاب طبیعی در اختیار همه طبقات جامعه قرار گیرد.^{۱۱}

۱. فرهنگی

رشد دانش و صنعت و تکنولوژی

رسول خدا علیه السلام به شدت مردم را به فraigیری علم و دانش دعوت می‌نمودند، طلب علم را برای هر مرد و زنی فریضه می‌دانستند حتی آنان را به طلب علم ولو در دور دست‌ها (خاور دور و چین^{۱۲}) دعوت می‌نمودند. در عصر حضرت مهدی علیه السلام که ادامه دهنده راه اوست، علوم به اوج شکوفایی خواهد رسید. آن هم نه به آن اندازه‌ای که بر پیامبران و اولیاء گشوده بود، بلکه

قسمت سوم

وظایف و بایسته‌های یک منتظر با رویکردی عاشورایی

مراد امیدی میرزا^ی / روح الله امیری*

علی‌الله‌امیری

۴۷

در شماره گذشته بعضی از بایسته‌های یک منتظر از جمله ساده زیستی، تعهد، تخصص و تجربه ارائه گردید و در این شماره به تبیین برخی دیگر از آن بایسته‌ها می‌پردازیم.

۶. شجاعت

یکی از معیارهای انسان منتظر، شجاعت و جسارت او در دفاع از حق است. نهال نوبای اسلام، باشجاعت بی‌نظیر پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علی علیهم السلام غرس شد و سپس به وسیله ائمه اطهار علیهم السلام آبیاری گشت و شکوفا شد. در زمان امام سوم شیعیان حسین علیهم السلام این نهال زنده شد و در برابر گسیل لشکرها چون کوه بر جای خود ایستاد و سستی بر او چیره نشد. وقتی امام علیهم السلام قصد عراق کرد عبید الله بن زیاد پی در پی لشکرها در برابرش می‌فرستاد و جو خه و دسته دسته دنبال هم می‌فرستاد، و این اخطار را به او نمود: «یا بر فرمان پسر زیاد و بیعت یزید سر نهد یا آمده جنگی گردد که جگر شکافد و رگ گردن ببرد و جان‌ها را به فراز فرستد و تن‌ها را بر خاک سرنگون کند».

ولی امام در مقابل این‌ها، درس سربلندی و شهامت به مردم آموخت و جانبازی زیر شمشیر را برخواری برگزید و چون جدش در بدر ایستاد و با فزونی دشمن و کمی یاوران، برداری پدرش را در جبهه صقین و جمل اعاده کرد. در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «با تو آغاز نبرد کردند و در برابر نیزه و شمشیر ایستادگی کردی ...».

پس از غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام نیز شجاعت آن امام همام، در دل مؤمنان حقیقی، به خصوص عالمان مهدتب وارد شد تا با سختکوشی در راه اعتلای دین، زمینه ظهور حضرتش را فراهم آورند. امام خمینی ره یکی از مصادیق آشکار این گونه افراد بود که با شجاعتش، اسلام ناب محمدی را به عرصه بین المللی کشاند.

۷. حامی و خدمت‌گذار مستضعفان

وظیفه اصلی یک منتظر در زمان غیبت، حمایت و رعایت حال توده مردم محروم و ضعیف است، گرایش به محرومان و مستضعفان و حمایت از آن‌ها، از شرایط اساسی یک فرد مؤمن و معتمد و منتظر ظهرور است چرا که یک فرد منتظر و معتمد و مؤمن نمی‌تواند خود را وامدار مرفهان بی‌درد بداند بلکه خود را وامدار و حامی و خدمتگزار فقرا و ضعیفان جامعه باید بداند. زیرا همین قشر مستضعف است که حامی و مدافع اسلام است و آن را با حمایتها، پایداریها، فداکاریها... تاکنون زنده نگهداشته است. به همین خاطر است که خداوند متعال به آنان و عده حکومت جهانی و پیروزی نهایی آنان بر ظالمان و مستکبان داده است.

وَتَرَبَّدُ أَنْ نَمِنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَطَعُوهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتَحْقِّمُهُمْ أَنْمَاءً وَتَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ).^٣

آن‌هایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنج‌ها و مصیبت‌هایی که بر سر جامعه اسلامی و مسلمین می‌آید، این‌ها نباید مورد حمایت یک منتظر واقعی قرار گیرند. منتظر کسی است که در تنظیم برنامه‌های خود و جامعه خود، اصلی‌ترین مسأله را رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان از مشکلات دوران و سلطه بیگانگان قرار دهد، و همه برنامه‌های اقتصادی، تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی را باید به این هدف متوجه کند و تتها در این صورت است که این برنامه‌ها و این عملکردها درست و قابل قبول است.

نامه ۵۳ نهج البلاغه مملو از این حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌های اسلامی است و وظیفه یک منتظر واقعی در این نامه امام علی علیه السلام به طول کامل و جامع بیان شده است که ما از آن که برنامه‌ای است برای همه نسل‌ها و زمان‌ها، نمونه‌ای بیان می‌کنیم. «ثُمَّ اللَّهُ أَنْذَلَ فِي الْأَطْبَقَةِ السُّفْلَىٰ مِنَ الظِّلَالِ لِمَنْ يَرِيدُ^۱ مِنَ الْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلَ الْبُؤْسِيِّ وَالْزَّمْنِيِّ، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًاً وَمَعْتَرًاً فَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا إسْتَحْفَظْ كُمْ مِنْ حَقَّهُ فِيهِمْ»؛ «تو را به خدا، تو را به خدا به گروه فرومندگانی که هیچ چاره‌ای برای تأمین زندگی ندارند، چه بیچارگان و درماندگان و چه دردمدگان و زمین‌گیران توجه کن، زیرا این طبقه هم قناعت کارند، هم نیازمند، به خاطر خدا آن‌چه را که خدا از حق خویش تو را حافظت خود گردانده به آنان پرسانی».*

امام علی علیه السلام در نامه ۴۵، فرماندار خویش را توبیخ می‌کند که چرا بر سر سفره رنگین حاضر شده‌ای، ایشان خطاب به «عثمان بن حنیف» می‌فرماید «مرا گمان نبود که تو پذیرای طعام قومی باشی که تهیدستانشان را می‌رانند و توانگرانشان را فراموشند».^۵

برای جامعه اسلامی، مسولین آن، و مردم مسلمان همین دو سه بیان کوتاه و یا بیان های دیگر کافی است. بله یک منتظر نمی تواند ادعای انتظار داشته باشد. ولی در عمل کوتاهی کند و وظایف خود را نشناسد. وظایف و بایسته های یک مصلح و منتظر واقعی را امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا به تمام به نمایش گذاشتند و در سینه تاریخ جای دادند تا نسل های آینده از آن درس بگیرند و راه را گم نکنند. قیام کربلا از ابتدایش با شعار اصلاح امت بر میزان سیره و روش پیامبر ﷺ و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظالم و حمایت از محرومان و مستضعفان شروع شد و در آخر با شهامت و شجاعت و صبر و دوری از ذلت و شهادت خاتمه پیدا کرد. شعار اولیه یک منتظر اصلاح بر اساس دین مبین اسلام و شعار نهایی آن شهادت در رکاب ولی عصر ﷺ است. یعنی همان شعار و همان برنامه های امام حسین علیه السلام در حرکتش از مدینه تا توقف و شهادتش در کربلا و این برنامه ها را منتظر باید عملی کند و گرنه نه اصلاحی صورت می گیرد، نه حمایت و نه موفقیتی.

500

۷۰ پژوهش اسلامی و ایرانی

۲. در کربلا چه گذشت، ص ۳۰

٣. قصص، آیه ٥

^٤. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه مصطفی زمانی.

۵. همان، نلمه ۴۵

آخرین سفار

درویشی / مردانی

سال‌های نه چندان دور در کوچه پس کوچه‌های خاکی اطراف ما افرادی قدم می‌زدند که اکنون آسمانی شده‌اند و با نثار جان خود در راه دوست مدار افتخاری را بر دوش نهادند که تا ابد به آن افتخار می‌کنند، شهادی که با پیروی از نائب بر حق امام زمان ع برای تحقق ظهور آخرین حجت حق تلاش کردند و خود را در خیل «أنصار المهدی» قرار دادند.

عزیزانی که سینه‌هایشان را سپر بلا کردند و با کاروانی از جنس شهادت، راهی ابیت شدند کسانی که مرگ به کامشان احلی من العسل بود و هر صبح زمزمه «اللهم اجعلنى من انصاره و اعوانه ... و المستشهدین بين يديه»^۱ از زبان دلشان جاری بود.

با دقیق در آثار به جا مانده از شهدای عزیzman اعم از وصیت نامه‌ها ، دفترچه‌های خاطرات ، دستنوشته‌ها و ... ، این نکته به خوبی فهمیده می‌شود که آنان از منتظران واقعی بودند و عشق و علاقه‌ای عجیب به امام عصر ع داشتند و همواره در تلاش بودند تا رضایت امام زمان ع را به دست بیاورند که در ذیل به گوشه‌ای بسیار کوچک از این عشق پاک، اشاره می‌شود.

علیهم السلام
۳۷۰۹۴۷



شهید کاظم تقی زاد

برنامه زندگی‌تان را طوری تنظیم کنید که مورد رضایت امام زمان علیه السلام باشد.^۳

شهید فرهاد اجرایی

بیائید این دنیای پی ارزش را رها کرده و به خود بیاییم و فکر کنیم که آیا تمام خوشی‌های دنیا به لحظه‌ای نارضایتی امام زمان علیه السلام ارزش دارد.

مردم، امام زمان علیه السلام روزی خواهد آمد، یاریش کنید، نه به عنوان تکلیف و با دو دلی، بلکه به عنوان عشق.^۴

شهید کاوه

این اهداف باید به دست امام زمان سپرده شود و این، نیاز به هوشیاری مها دارد اگر چشمانت بسته بود آن‌ها را باز گذارید تا چشم انتظار از دنیا بروم زیرا منظر آقا امام زمان علیه السلام بودم.

شهید کریم فرشی

از خدا بخواهید که عمر رهبر را زیاد کند و فرج امام علیه السلام را نزدیک گرداند.

شهید حمید رضا قناعت پیشه

برادران عزیز اگر می‌گویید منظر امام زمانی پس چرا قلبش را به درد می‌آورید؟ منظر واقعی که دروغ نمی‌گوید. منظر واقعی که تهمت نمی‌زند منظر واقعی که غیبت نمی‌کند منظر واقعی همواره در صدد تزکیه نفس و اصلاح درون است منظر حقیقی همواره آماده است که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند تا به یاریش بشتابد منظر، هوشیار و آگاه از مسائل روز است و کوچکترین انحراف را در این راه تذکرمی دهد و در صورت لزوم برای حفظ دین شهید می‌شود.

شهید محمد علی احصائی

مزده که مهدی یار شماست به خود سستی راه ندهید که صاحب اصلی این کشور و این انقلاب اوست و مژده که او با ذوالفقار علیه السلام خواهد آمد از خدا بخواهید که هر چه زودتر فرج امام عصر منقم حقیقی را نزدیک کند.

شهید مهدی زین الدین

من خیلی دوست داشتم که شهید شوم و جسدم در کنار مفکرین بماند و جنازه‌ام برنگردد و الله آرزوی دیرینه‌ام نیز همین بوده که اگر شهید بشوم سرگذشتی از زندگی من و نشانه‌ای از جنازه من و یا هیچ خبری از این که زنده یا مرده هستم برنگردد تا غم‌خوار عزیزانم باشم که در این گونه صحنه‌ها باقی مانده‌اند چه یقین دارم که امام زمان علیه السلام و ائمه اطهار و ابا عبدالله الحسین علیه السلام یاران این عزیزان هستند.^۵

شهدای ما نه تنها خودشان شیفتۀ امام عصر علیه السلام بودند بلکه دیگران را نیز با این عشق پاک آشنا می‌ساختند و نور معرفت به امام عصر علیه السلام را در قلوب اطرافیان خود متجلی می‌کردند به عنوان نمونه شهید محمد رضا علیخانی همیشه به دوستان و آشنایان خود، نماز شب و نماز امام زمان علیه السلام را توصیه می‌نمود.^۶

چه نیکو می‌شد که ما نیز از سیرۀ عملی شهداً‌یمان درس می‌گرفتیم و علاوه بر این که محبت حضرت بقیه الله را در دل خود جا می‌دادیم دیگران را نیز با مقام عظمای حضرتش آشنا می‌ساختیم. شما هم می‌توانید از نامه‌ها یا وصیت‌نامه‌های دیگر لاله‌های شهید، برای ما مطالبی ارسال کنید. (یادتان باشد مطالب درباره امام زمان علیه السلام باشد و فراموش نکنید عکس زیبای شهیدان و مشخصات آنان را حتماً برای ما ارسال کنید.)

پی نوشت

۱. قسمتی از دعای عهد امام زمان علیه السلام.

۲. امام زمان علیه السلام و شهداء، سالم جعفری، ص ۱۹۴.

۳. همان، ص ۲۰۴.

۴. همان، ص ۱۹۳.

۵. رزم دویاره، شماره دوم، نشریه گردان ۱۴۲ الزهراء علیه السلام، ویژه رزماش امداد و نجات، شهریورماه ۸۶، حوزه ۲ حضرت زین الدین.

۶. شهادای روحانیت در یکصد ساله اخیر، ج ۲، ص ۳۵۴.

پرسنل های پاسخ‌های مهدوی*

در حدیث داریم که حضرت مهدی ﷺ می‌فرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که در بسیاری موارد، از شخصیت‌های بزرگ نقل شده است که امام زمان را دیده‌اند. تناقض چگونه قابل حل است؟ برای آن که بتوان به درستی در این باره گفت و گو کرد و به قضاؤت نشست، ابتدا لازم است متن کلام حضرت را به دقت مرور کنیم، تاروشن شود مراد امام مهدی ﷺ چیست. حدیثی که بحث مشاهده و دروغگو بودن مدعی مشاهده را مطرح می‌کند، آخرین توقيع و نامه‌ای است که امام زمان ﷺ به چهارمین و آخرین نایب خاص خود، چند روز پیش از مرگ او نوشته است. متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ اي على بن محمد سمرى! خداوند، اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند. به درستی که تو تا شش روز دیگر از دنیا می روی. پس به کارهای خود رسیدگی کن و به احدی وصیت مکن که پس از وفات، جانشین تو شود. به تحقیق، دومین غیبت (کامل) واقع شده است. پس ظهوری نیست. مگر بعد از اذن خدای عزوجل و آن، بعد از مدتی طولانی و قساوت دلها و پرشدن زمین از ظلم خواهد بود. به زودی نزد شیعیان من می آید، کسی که ادعای مشاهده می کند. بدانید کسی که ادعای مشاهده کند، پیش از خروج سفیانی و ندا، او دروغگو و افترا زننده است. و لاحول و لاقوه إلا بالله العلي العظيم.^۱

این حدیث، در بردارنده نکاتی است، از جمله:

۱. مدعیان مشاهده، در این دوره، وجود خواهند داشت.
 ۲. مدعی مشاهده، پیش از خروج سفیانی و ندا (دو علام افترا یا تهمت، آن است که فردی به شخص دیگر، عملی بین دروغگویودن و تهمت زدن، تفاوت است. هر دروغگویی حضرت، نسبتی ندهد، ممکن است دروغگو باشد؛ ولی تهمت مشاهده، وارد کرده است؛ یعنی، مدعی مشاهده، نسبتی نیز نباشد.

این نکات در نامه، بزرگان را بر آن داشت، تا با تأمل و تدبیر دقیق‌تر، به محتوای نامه بنگرند و سپس اظهار نظر کنند. عدهای با توجه به این نامه، در آخرین روزهای عمر نایب چهارم صادر شده و در آن، به پایان نیابت خاصه تصریح شده است، چنان گفته‌اند که مراد از مدعی مشاهده، ادعای نیابت خاصه و ارتباط با حضرت است؛ زیرا نیابت خاص یعنی حضور نزد حضرت، همراه شناخت آن بزرگوار و رساندن سوالات مردم و ابلاغ پاسخها و پیام‌ها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آنچه می‌گوید را از جانب حضرت بیان می‌کند و حرف‌ها را پیام حضرت اعلام می‌کند.^۲

حضرت امام خمینی^{ره} می‌گوید: مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی، مدعی ملاقات باشد؛ ولی شاهد و دلیل نداشته باشد.^۳ شهید صدر می‌گوید: مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط، بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان^ع به مردم القا کند.^۴ برخی نیز گفته‌اند: مراد از تکذیب مدعی مشاهده، تکذیب مدعی ظهور است.^۵ بنابراین می‌توان دریافت که در روایت، صرف دیدار، منتفی نشده است و عالمان نیز نفی اصل دیدار را استفاده نکرده‌اند. به علاوه، روایت، مدعی مشاهده را کذاب می‌داند؛ حال اگر کسی امام را ببیند و به دیگران نگوید، تحت این روایت قرار نمی‌گیرد؛ لذا اصل دیدار، امر ممکن، خواهد بود.

نکته آخر این که علمای ما که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند؛ بلکه اطرافیان و خواص آنان، از روی شواهد و قرایبی یا در زمان‌های بعد، متوجه وقوع دیدار آن عالم با امام می‌شدند؛ لذا عالمان تحت «عنوان مدعی مشاهده» قرار نمی‌گیرند و این روایت، با داستان ملاقات برخی بزرگان تنافی ندارد. ضمناً به علت فراوانی مدعیان دروغین ملاقات، هر کس ادعای دیدار نباید فوری آن را پذیرفت.

سی نوشت

١. واحد برسن و ياسخ (تقى حاتمى)
 ٢. كمال الدين، ج. ٢، ب. ٤٥، ح. ٤٥.
 ٣. بحار الأنوار، ج. ٥٢، ص. ١٥١.
 ٤. نور الهدى، ج. ١، ص. ٢٥٦.
 ٥. تاريخ الغيبة الصغرى، ج. ١، ص. ٦٣٩-٦٥٤.
 ٦. مهدى منتظر، ص. ٩٣.

آشنایی با بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^(عج) استان مازندران

به قول و قوه الهی و به منظور ترویج و تعمیق فرهنگ مهدویت، شعبه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^(عج) استان مازندران در مرداد ماه ۸۷ افتتاح گردید و در این مدت اقدامات ذیل انجام گرفته است.

تهیه ساختمان مستقل به همت سازمان اوقاف و امور خیریه استان

ایجاد کتابخانه تخصصی مهدویت با حمایت استاندار و مدیر کل ارشاد

ایجاد بانک اطلاعات با دهها نرم افزار قرآنی، روایی، لغت و...

برگزاری دوره های کوتاه مدت در حوزه های علمیه الزهراء، فیضیه مازندران، خاتم الانبیاء مازندران، و ویژه مربیان قرآن سازمان تبلیغات اسلامی ساری و اعضاء مؤسسه قرآن و عترت و حوزه علمیه جامعه الزهراء بابل، حدود ۸۰۰ نفر.

برگزاری دوره های کوتاه مدت مهدویت ویژه معلمین پرورشی و مدیران حدود دو هزار و هشتصد نفر.

تولید و تکثیر بروشور عاشورا و انتظار با همکاری سازمان تبلیغات استان

تولید و تکثیر بروشور به مناسب عید غدیر خم با همکاری اوقاف و امور خیریه ساری

توزیع بروشور درباره اهداف و برنامه های بنیاد و کتاب شمیم، ویژه روحا نیون به تعداد ۳ هزار جلد با همکاری استانداری و سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف، اجراء برنامه های مهدوی (آموزش، سخنرانی، نقد فیلم، در دانشگاه علوم پزشکی ساری و دانشکده منابع طبیعی و کشاورزی، تکثیر و توزیع نرم افزار شمیم انتظار به تعداد دو هزار عدد).

ویژه برنامه های ۹ ربیع الاول؛ سالروز امامت حضرت مهدی

تشکیل ستادی جهت امور اجرایی و پیشنهادی با حضور مسئولین استان

تهیه و انتشار پیام مشترک نماینده محترم ولی فقیه و استاندار محترم و قرائت آن توسط صدا و سیمای استان.

انتشار پوستر، بنر و بروشور با همکاری ارشاد استان، اوقاف، سازمان ملی جوانان، سازمان تبلیغات، آموزش و پرورش استان، مشارکت امور زنان و توزیع آن در نماز جمعه، شهرهای استان، مدارس و ...

برگزاری مراسم در صبح سالروز ساعت ۷/۳۰ در تمام ادارات استان

ارسال پیامک تبریک

زنگ عهد و بیعت با مشارکت آموزش و پرورش در تمام مدارس استان و بصورت نمادین با حضور استاندار در مدرسه فردوسی ناحیه ۱ ساری

مراسم جشنی با عنوان گفتمان مهدویت و سخنرانی یکی از کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت در مؤسسه قرآن و عترت بابل آذین بندی و روبدی برخی شهرها با همکاری سپاه و بسیج

برنامه های در دست اقدام:

برگزاری دوره های تربیت مربی خواهان طلبه ۳۵ نفر طی یک سال تحصیلی (۱۲۰) جلسه

برگزاری نشسته های تخصصی در ۳۱ شهر استان و نواحی ویژه فرهنگیانی که کوتاه مدت را گذرانده اند.

برگزاری آموزش های کوتاه مدت در ۱۵ حوزه علمیه برادران و خواهان استان

اجرا طرح تقویت باورهای مهدوی در تابستان ۸۸

برگزاری دوره تربیت مربی برادران طلبه مازندرانی مقیم قم

پانوشت

۱. ساری - خیابان انقلاب - کوچه شماره ۷ شهید خسروی - پشت مسجد جامع - ساختمان موقوفه افرایلی - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

تلفن: ۰۴۸۱۷۵ - ۰۱۵۵۶ - ۰۲۲۱۱۸۳۱ - فکس: ۰۲۲۱۱۸۳۰ - صندوق پستی:



عرضه

برای همه ما پیش آمده که گاه با دیدن یک دوست سر در دلمان باز شده و شروع به گفتن از غم و غصه‌هایمان برای او می‌کنیم. حال فکرش را بکنید قرار است پیش کسی درد دل کنیم که نبض زمین و زمان به دست او می‌زند و ولی خداست در زمین لازم نیست به دیده سر ایشان را ببینیم، مهم این است خود را در محضر ایشان ببینیم.

اگر توفیقی زیارت حضرت ولی عصر(عج) را بباید و بخواهید یک بیت تقدیم آن حضرت بفرمایید، آن بیت شعر چیست؟

خدامزاد سلیمانیان / کارشناس مباحثت مهدوی
گفته بودم جو بیایی غم دل با تو بگویم
چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی
گر بیایی دهمت جان، ورنایی کشدم غم
من که بایست بمیرم چه بیایی، چه نایی

پرویز بیگی حبیب‌آبادی / شاعر
سبو سبو می، فدای چشم مست
پیاله از بی، فدای چشم مست
همه بخارا، همه سمرقند
تمامی ری، فدای چشمت
شکسته حالم، مپرس از من
چه قدر تا کی، فدای چشمت

مهدي سلحشور / مداد اهل بيت
مردم به چشم آب نگاهم کنند لیک
من از سراب پیش تو بی ابوترم

دکتر غلامعلی رجایی (زاده) / مورخ
به وفات تو که از تربیت زائر(!) بگذر
که جهان می‌شد و در آرزوی روی تو بود

رقیه ندبیری / شاعر
اگر قرار باشد همین جمعه بیایی
اولین چیزهایی که گم می‌شوند
دست و پای من اند.

اسماعیل کاظمی / پژوهشگر
یوسف ما ز تهییدستی خلق آگاه است
به چه امید به بازار رساند خود را؟

رضاء بیگدلی / مهندس
گاهی خیال می‌کنم از من بریدهای
غیر از دلم برای دلت برگزیدهای
از من عبور می‌کنی و دم نمی‌زنی
تنها دلم خوش است که شاید ندیدهای



بار دیگر هیئت امنای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عزیزی را از دست داد.

هنوز تلخی جدایی از آزاده بزرگوار جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی‌اکبر ابوتراپی - اولین مدیر عامل بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود - فراموش نشده بود که بار دیگر بنیاد فرهنگی و مرکز تخصصی مهدویت عزیز دیگری را از دست داد، عالم وارسته، ساده و صمیمی مرحوم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین ایرانی، عضو هیئت امنای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

ایشان در سال ۱۳۲۳ در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود و پس از اخذ دیبلم وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید صاحب نامی چون حضرات آیات فاضل لنکرانی، حایری یزدی، میرزا هاشم آملی، میرزا جواد آقا تبریزی و مکارم شیرازی بهره‌مند شد.

آن فقیدسعید با درک صحیح از نهضت امام خمینی در مبارزه با رژیم سفاک پهلوی و پس از پیروزی انقلاب در تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی در این راه فروگذاری نکرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین ایرانی در دوران دفاع مقدس در سمت فرماندهی سپاه استان‌های قم، مرکزی و منطقه ۱ کشوفی با حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل فعالیت‌های موثر و چشمگیری را انجام داد.

مسئولیت ستاد منطقه دو کشوفی (مناطق ویژه) عضویت در هیئت امنا مسجد مقدس جمکران، معاونت فرهنگی مسجد مقدس جمکران، مسئولیت ستاد جشنواره مهدویت و عضو هیئت امنای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، عضویت در ده‌ها ستاد و مؤسسه فرهنگی دیگر حاکی از روحیه مسؤولیت‌پذیری و اخلاص آن عزیز سفر کرده است.

آن مرحوم پس از دفاع مقدس دو دوره متوالی افتخار نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی را به عهده داشت و پس از آن تا آخرین لحظات عمر در مسئولیت مدیر کلی تبلیغات اسلامی استان قم در عرصه تبلیغ و پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی لحظه‌ای کوتاهی ننمود. مدت‌ها بیماری را تحمل نمود و تا لحظه آخر دست از تلاش و خدمت نکشید. برخی از آثار ایشان به شرح ذیل است: چهل حدیث نیت (اصلاح انگیزه‌ها) - درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی - جرعه‌ای از زلال معرفت - با اولین امام در آخرین پیام - زائر حریم یار - چهل حدیث حسرت و در عرصه مهدویت کتاب «از ظهور تا ظهور» و کتاب «منجی موعود» از منظر نهج‌البلاغه» از خیرات ماندنی ایشان است. روحش شاد و یادش گرامی باد.

همیشه امام زمان  را با یک فهرست بلند بالا پر از حاجات رنگ و وارنگ و کوچک و بزرگ صدا می‌زنیم، و بعد سرگرم آرزوهای دور و درازمان می‌شویم. آن قدر اطراف خودمان را شلوغ کرده‌ایم که صدای امام مهربانمان را هم نمی‌شنویم که می‌گوید «آن غیر مهم‌ملین لمراعاتکم» گاهی اصلاً متوجه امام زمانمان نمی‌شویم، یا حتی بدتر، الطاف خداوندی را از چشم آدم‌های زمینی اطرافمان می‌بینیم و در قبال آن‌ها مراتب تشرک و سپاسگزاری را به جا می‌آوریم اما در شبانه روز لحظه‌ای به یاد آن حجت الهی نیستیم.

اگر برای اعمالمان دفتری داشتیم و می‌توانستیم هر چند وقت یک بار، صفحه‌ای به عقب برگردیم و با دقت به آن نگاه کنیم تازه می‌فهمیدیم که چقدر مددیون اوییم، برای لحظه‌های زندگی پیامک‌های انتظار، تلنگری است تا در دنیایی که سرگرم آن هستیم، چند لحظه‌ای به یاد حجت خدا باشیم. شما هم می‌توانید برای ما درباره امام مهریانی، وظيفة ما در دوران انتظار و هر آنچه شایسته می‌دانید، پیامک بفرستید. با شماره ۰۹۳۵۳۱۳۰۴۹۶ منتظر شما هستیم. امان به بهترین پیامک‌ها به قید قرعه هدایایی می‌دهد.

- خوشاب حال آنان که در کلاس انتظار حتی یک جمیعه هم غیبت ندارند.
- اگر با آمدن آفتاب از خواب بیدار شویم، نمازمان قصاصت.
- اگر به دیدن یوسف بریده شد انگشت / جمال یوسف زهرا هزار یوسف کشت
- امان از آن زمانی که بیافتدا / به روی نامه‌ای چشمان مهدی ادلش می‌گیرد و با چشم گریان / بگوید: این هم از یاران مهدی
- ۱۱۷۰ سال است که مردی منتظر ۳۱۳ مرد است چقدر مردشدن زمان می‌برد!
- عمریست که از حضور او جاماندیم / در غربت سرد خویش تنها ماندیم / او منتظر است که ما برگردیم / مائیم که در غیبت کبری ماندیم.

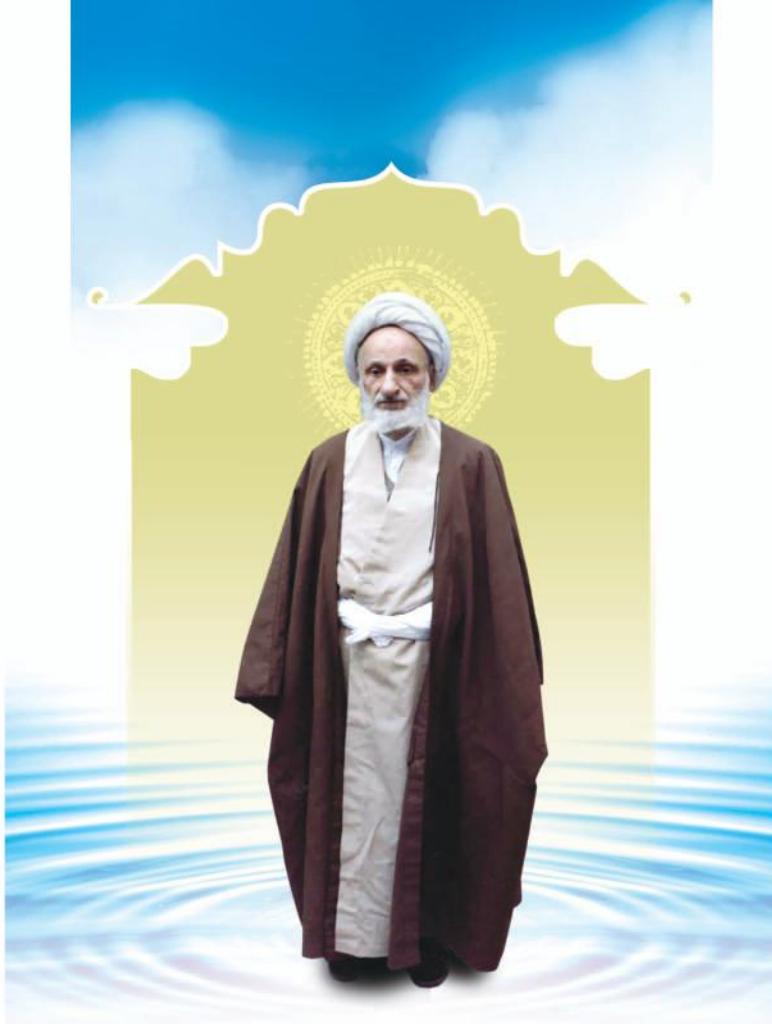
- چه انتظار عجیبی! تو بین منتظران هم، عزیز من، چه غریبی!
عجیب تر که چه آسان، نبودن شده عادت، چه بی خیال نشستیم
نه کوششی نه وفا!

فقط نشسته و گفتیم: خدا کندکه بیایی ...!

- سؤالی ساده دارم از حضورت من آیا زنده ام وقت ظهروت؟
اگر تو آمدی من رفته بودم اسیر سال و ماه و هفتة بودم
دعایم کن که دوباره جان بگیرم بیایم در حضور تو بمیرم.
- بخوان دعای فرج را دعا اثر دارد / دعا کبوتر عشق است بال و پر دارد / بخوان دعای فرج را که
یوسف زهرا / ز پشت پرده غیبت به ما نظر دارد.
- تک سوار غربت آدینه‌ها / مانده تنها در میان سینه‌ها
- زپرده برون آیی دلم غرق تمناست تقصیر دلم نیست تماشای تو زیباست.
- شب نیست که آهم به ثریا نرسد / از چشم ترم آب به دریا نرسد / می‌میرم از این لحظه که آیا روزی / دیدار به دیدار رسد یا نرسد.
- خدایا! از زمان حضور آخرین امام حاضر، جهان هم چنان توان بی لیاقتی اش را پس می‌دهد، به ما لیاقت دیدار فرزند عسکری را عنایت فرماید.
- هیچ سنگی سنگ صبورت نشود / تنها تکیه بر کعبه بن کعبه تحمل دارد.
- شاید آن روز که سه را نوشت: تا شقاوی هست زندگی باید کرد.
خبری از دل پر درد گل یاس نداشت.
باید این طور نوشت: چه گل پیچک و یاس، جای یک گل خالیست،
تا نیاید مهدی، زندگی دشوار است.....

ام پیامک‌های

فاطمه نادم



مقام معظم رهبری: «برای اینجانب و همه ارادتمندان آن مرد بزرگ، این مصیبتی سنگین و ضایعه‌ای جبران ناپذیر است».

مجله در مرحله طراحی صفحات بود که ناگهان خبردار شدیم حضرت آیت‌العظمی بهشت‌^{نه} از دنیا رحلت نمودند. این مصیبت عظیم و این فقدان غم انگیز را به محض امام عصر^{نه} و مقام معظم رهبری، مراجع بزرگوار و همه عاشقان حضرت مهدی^{نه} تسلیت عرض می‌نماییم.

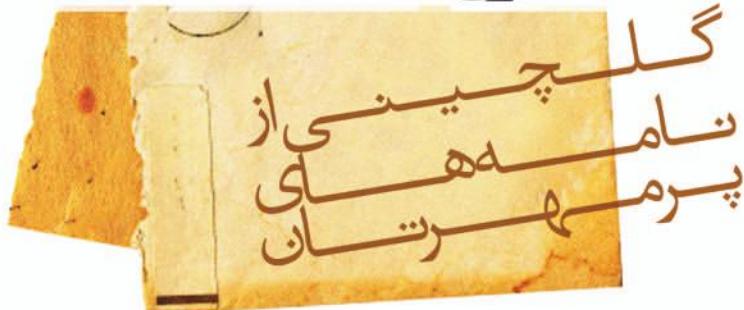
عالی ربانی، پارسای پرهیزکار حضرت آیت‌العظمی بهشت‌^{نه} عصر روز یکشنبه، ۲۷ اردیبهشت در بیمارستان حضرت ولی‌عصر^{نه} شهر قم به ملکوت اعلیٰ پیوست. ایشان در اوخر سال ۱۳۲۴ ه.ق در شهر فومن واقع در استان «گیلان» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی حوزه را در مکتب خانه فومن به پایان رساند و پس از تحصیلات ادبیات عرب در سال ۱۳۴۸ ه.ق عازم عراق شد و حدود ۴ سال در کربلای معلی اقامت گزید و علاوه بر تحصیل علوم رسمی از محض استادان بزرگ آن سامان، بهره برد و در سال ۱۳۵۲ ه.ق برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رهسپار شد و سطح عالی علوم حوزه را در محض آیات عظام از جمله آیت‌العظمی خوئی و حاج شیخ مرتضی طالقانی^{نه} به پایان رساند و پس از درگ محضر آیات عظام حاج آقای ضیاء عراقی و میرزا نائینی (ره) در حوزه درسی آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی وارد شد.

در نجف اشرف در سن ۱۷-۱۸ سالگی با آیت‌الله سیدالعارفین علامه قاضی (ره) آشنا شد و گمشده خویش را در وجود ایشان یافت و در سلک شاگردان اخلاقی - عرفانی ایشان درآمد و سرانجام در سال ۱۳۶۴ ه.ش با قلبی صیقل یافته از معنویت و سینه‌ای مالامال از عشق به حضرت حق و با کوله باری از علم و کمال به ایران مراجعت نمود.

آیت‌الله بهشت^{نه} که از نوجوانی در میان خودسازی گام نهاده بود، در فراغتی علوم و تزکیه نفس چنان جدی بود که گویا کاری غیر از آن نداشت و همواره در آموزش‌های اخلاقی بر این نکته اصرار داشت که تلاشی پی‌گیر و ریاضتی فراغت لازم است تا انسان در جبهه ستیز با رذیلت‌های اخلاقی و در جهاد اکبر با هواهای نفسانی، سربلند و پیروز باشد و به سازندگی خود بپردازد. از این رو همواره معتقد به لزوم هم پایی دانش و اخلاق بود و پیوسته درباره خطر جدایی علم و تزکیه هشدار می‌داد و زیان عالم غیر مهدب و دانش بدون تزکیه را از هر ضرر و زیان دیگری بیشتر می‌دانست. مفسر بزرگ قرآن، مرحوم علامه طباطبائی^{نه} درباره وی گفت: «آقای بهشت عبد صالح خدا هستند.»

آن بزرگوار، زاهد عارفی بود که پیوسته بی‌رغبت به دنیا و آزاده بی‌تكلیف زیست و چنان در جاذبه معنویات قرار گرفت و به حقیقت و باطن دنیا توجه داشت که ذره‌ای به تعلقات آن الوده نشد و از هرچه که رنگ تعلق پذیرد آزاد بود. یاد آن مرجع عالی قدر گرامی باد.

خودمانی



در این شماره تنوع خوبی داشت از مطالب اعتقادی، انتظار، شهادت، وصیتنامه‌ها و مصاحبه با هنرمندان متعهد. لطفاً با ورزشکاران متعهد و الگو و نخبگان دانشگاهی هم مصاحبه‌هایی داشته باشید. در گیشه و دکه مطبوعات از تمام مجلات زرد یافت می‌شود غیر از نشریات ارزشی همچون امان.

(پرویز امیدی)

بدانید که فعالیت بسیار ارزنده و مفیدی است اعضای خانواده در هر سن و مقطعی به نوعی از مطالب این نشریه استفاده می‌کنند.

(زهراء حرمی)

نشریه خوب و جالبی است هم از نظر مطالب و هم طرح‌های گرافیکی.

(ابوالحسن کریمی دردشتی)

نشریه امان بسیار زیبا و دوست داشتنی است خصوصاً دل نوشته‌های آن، از شما تشكر و قدردانی می‌کنم.
(معصومه مهدی‌پور)

با تشکر از کارکنان و دست اندکاران این مجله زیبا، مطالب بسیار پریار و زیبا بودند. این مجله دارای اطلاعات مفید و زیادی بود.

(صادق کاویانپور)

با عرض سلام و تشکر از شما به خاطر این نشریه بسیار زیبا و پرمحثوا و عالی، از شما که این خدمتان باعث ذکر بیشتر آن امام همام که جان تمام عالم فدای خاک پای آن حضرت باد، شده است تشکر می‌کنم.

(نادر جنامي)

ضمن تشکر از رحمات بی‌شائبه و خداپسندانه شما دست اندکاران نشریه که تلاش می‌نمایید شباهات موجود در بحث مهدویت را برطرف کنید کمال تشکر را دارم، مطالب نشریه خوب و مفید است.

(کریم ستاری)

از نامه‌های پر محبت تان ممنونیم. امیدواریم مهر و محبت امام عصر بیش از پیش شامل ما و شما و همه دوستان امانی گردد.



با سلام اگر از علماء و دانشمندان اسلامی و مراجع عظام در این خصوص بهره‌مند بشوید خیلی خوب است اگر در نشریه کتاب‌های مربوط به مهدویت را هر از چند گاهی معرفی نمایید خیلی بهتر است.

(کریم ستاری)
دوست گرامی پیشنهادهای شما را قبل انجام داده و باز هم انشاء الله چنین خواهیم کرد.

با سلام، اگر در رسانه‌های جمعی، مخصوصاً تلویزیون آگهی بدھید مطمئناً گستره بیشتری تحت تأثیر قرار می‌گرفت.

(مریم عالمی)

تیزرهایی برای تبلیغ و معرفی آماده شده ولی تاکنون برای پخش آن اقدامی صورت نگرفته است.

بخش‌های خانه و خانواده را در مجله‌تان بگنجانید.

(فاطمه کاظمی)

با کارشناسانی صحبت شده، انشاء الله انجام خواهد گرفت.

برای جالبتر شدن مجله پیشنهادی داشتم آن هم این است که یک بخشی را به پیامک‌های ارسالی از خوانندگان امان اختصاص دهید. این پیامک‌ها نیز می‌تواند در قالب مسابقه مطرح شود.

(اکبر یوسف‌پور)

توصیه شما را نیز عمل کردیم

جهت اطلاع رسانی بیشتر آدرس وب سایتهاي با موضوع مهدویت و در ارتباط با دیگر کشورهای اسلامی در این زمینه را در صورت امکان به بخش‌های دیگر مجله ضمیمه نمایید.

به سایت ما مراجعه فرمایید - لینک‌هایی از سایت‌های مفید موجود است.

(نسترن چراغی)

تلاش بنیاد مهدویت و نشریه امان در گسترش آرمانها قابل تحسین است ... خواهشمندم تا مردم را از طریق رسانه‌های جمعی و دیگر مراکز با اهداف تأسیس این مرکز فرهنگی آشنا کنید.

(نسترن پیرانوند)

ما در شماره‌های قبل مجله درباره بنیاد و اهداف آن کاملاً توضیح دادیم می‌توانید به آن‌ها مراجعه نمایید یا به سایت مراجعه کنید.

اگر ممکن است در مورد مرکز تخصصی مهدویت و اهداف آن در چند سطر توضیح دهید ، سیستم پیامک افتتاح کنید تا جواب جدول را از این طریق برایتان ارسال کنیم مسابقه‌ای اینترنتی در رده‌های سنی مختلف برگزار کنید. در مورد وظایف منتظران و در مورد امام مهدی در قرآن و در میان شیعه و اهل سنت و همچنین در مورد غرب و مهدویت مطالب بیشتر و جذابتری چاپ نمایید.

سیستم پیامک از این شماره فعال شده، شما می‌توانید به شماره ۹۳۵۳۱۳۰۴۹۶ از همین الان برای ما پیامک بزنید و مطالب خود را بیان نمایید. توصیه‌های دیگر شما هم حتماً انجام می‌پذیرد.

(سیده راضیه طاهری)

لطفاً با مدارج اهل‌بیت مصاحبہ فرمایید.

امیدواریم بتوانیم در شماره‌های بعد این کار را انجام دهیم.

(نجمه نصرآزادانی)

با سلام، نشریه دارای متن‌های زیبایی است مخصوصاً شعرهایش جالب و خواندنی است اما اگر شعرها بیشتر باشد بهتر است.

انشاء الله چنین خواهیم کرد. شما هم اگر شعر خوبی دارید، از ما دریغ نکنید.

(زهره محمدی)

در آموعودا! حسن مطلع این شعر نام توست
و با هر واژه ضرباهنگ خوش آهنگ گام توست

سر انگشتانم از موسیقی الهام تو رقصان
و این گلنغمها آکنده از عطر کلام توست

مرا آتش نزد این مستی جام از پی هر جام
که افروزنده این دور بی فرجام، جام توست

هزار و یک شب غم تا کی؟ آخر آفتایی شو
که مطلع از پی مطلع، غزلهایم مقام توست

بیاور فصلها را بوبی از اردیبهشت عشق
شمیم این شقایق زارها مست از مشام توست

پر از رنگین کمان است آسمان در رقص پرچمها
برافراز آن شکوه سبز را، گاه قیام توست

ببین منظومه‌های آفرینش رو به پایان اند
سرا پا شور! گل کن! نوبت حسن ختم توست

محمد تقی اکبری

در میان جمع مردم حرف خوبی زد کسی
پس چه شکلی است قامت آقایان
چهره بنما بر رخ اعمای من
تاکنون این چهره را نی دیده ایم (ندیده ام)
دیدنش از بهر من افسانه است
وصف آن زیبا رخت بشنیده ام
بر که ماند چهره آقایان
چهره اش چون سید بطحاست او
قامتش افراشته صورت چو ماه
می نشیند گفته اش بر دل به جان
یا شود محصور او اندر مکان
او ندارد قدر خردل واهمه
ژ ۳ و سیمنیوف و بحری ز مین
در ید والا او باشد اسیر
قدرت او را کسی واصف نبود^۱

رفته بودم یک شبی در مجلسی
گفت: آقا گر بپرسند کافران
ما چه گوئیم در جواب آقای من
البته ما خود مقصرا بوده ایم
روی زیبای تو یک فرزانه است
گرچه من روی تورا نی دیده ام
هر کسی از من بپرسد یک زمان
من بگویم یوسف زهراست او
گونه ها سرخ است و ابروها سیاه
خلق او نرم و نگاهش مهربان
کی شود محدود او اندر زمان
عالم اندر دست او باشد همه
توب و تانک و بمبهای سهمگین
این همه انبارهای بی نظر
قدرتش را کی توانی وصف نمود





جمعه یعنی گریه‌های بی‌کسی
جمعه یعنی لحظه‌های بی‌قرار
جمعه یعنی انتظار آفتاب
جمعه خود ندبه گر دیدار اوست
از غم او بیدها مجنون شوند
از عطش سرخ و دلش در انتظار
تا فرو شوید غم هجران عشق
حق هق بارانی چنگ غزل
تا فرو شوید غم هجران دل
جمعه یعنی لحظه‌های بی‌قرار
جمعه یعنی انتظار آفتاب
عطر ناب گل حضور می‌آید
ساده و سبز و صبور می‌آید

م . س

جمعه یعنی یک غزل دلواپسی
جمعه یعنی روح سبز انتظار
بی قرار بی قراریهای آب
جمعه یعنی ندبه ای در هجر دوست
جمعه یعنی لاله‌ها دلخون شوند
جمعه یعنی یک کویر بی قرار
انتظار قطره ای باران عشق
جمعه یعنی بعض بی رنگ غزل
زخمه ای از جنس غم بر تار دل
جمعه یعنی روح سبز انتظار
بی قرار بی قراریهای آب
لحظه لحظه بوی ظهور می‌آید
سبز مردی از قبیله عشق



احمد سیدی

مهدویت



حضرت آیت الله العظمی بهجت(قدس سرہ):

چه قدر سخت است اگر برای ما این امر ملکه نشود که در هر کاری که می خواهیم اقدام کنیم و انجام دهیم، ابتداء، رضایت و عدم رضایت او را در نظر بگیریم و رضایت و خشنودی او را جلب کنیم! البته رضایت و سخط او در هر امری معلوم است و ظاهراً منتهی به واضحات می شود و در غیر واضحات و موارد مشکوک، باید احتیاط کنیم.



حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی (دامت برکاته):

قلب عالم امکان ، امام زمان(عج) است . منظومه آفرینش به دور او می گردد و او در جریان همه وقایع و حوادث قرار می گیرد و تمام عالم ، مرأی و منظر امام زمان(عج) است .



حضرت آیت الله العظمی سیستانی(دامت برکاته): فکر نکنید نظام جمهوری اسلامی فقط متعلق به ایران است، بلکه به کل عالم اسلام و شیعیان جهان تعلق دارد و لازم است شما و بقیه مسؤولان نظام پشت سر رهبری نظام و در ظل هدایت ایشان به گونه ای حرکت کنید که مؤید وحدت و یکپارچگی نظام باشد... سلام من را به برادران برسانید من زمان آقای خمینی هر شب برایشان دعا می کرم و امروز برای آقای خامنه ای هر شب دعا می کنم، شما سلام مرا به همه برادران برسانید



حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی(دامت برکاته): ما معتقد به زمینه سازی هستیم اما باید بدانیم که زمینه سازی برای ظهور کار ساده ای نیست این کار یک عمل جهانی است، ما باید با تمام ابزارها پیام اسلام و مهدویت را به جهان برسانیم، امروز آمریکا و اروپا به دلیل مقاصد استکباری خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران که طلايه دار اسلام ناب است ایستاده اند و قصد تخریب آن را دارند. در این فضا ما باید با تلاش پیگیر و از طریق نشر معارف شیعی و مهدوی اتحاد را در میان مسلمانان تقویت کنیم... برخی فکر می کنند که ظهور به این آسانی شکل می گیرد. این تفکر کاملاً غلط است زیرا سنت خداوند این گونه است که هیچ چیزی بدون تحمل رنج و زحمت به دست نمی آید.



حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): اشاء الله امور بر وفق رضای امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشریف قرار گیرد و به همه توفیق دهد تا در همه مطالب، رضای آن حضرت را مد نظر داشته باشیم.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): باید برای ادعاهای دروغین که روزبه روز در حال گسترش است فکری نمود و با کسانی که ادعای امام بودن یا نایب خاص ایشان و یا همسری ایشان را دارند، مقابله کرد.

ایشان افروندند: البته این امر نشانگر این است که علاقه به حضرت مهدی (عج) در جامعه زیاد است زیرا اگر علاقه به آن حضرت نبود، دیگر این مسایل پیش نمی‌آمد و کسی به این گونه ادعاهای نمی‌پرداخت.



حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی (دامت برکاته):

دلایل و برهان اثبات کننده حضرت ولیعصر(عج) باید همانگ با فکر و عقلانیت مردم باشد ...برای اثبات حقانیت امام زمان(عج) نیازمند آگاهی بر کلام سایر مذاهب چون مسیحیت و یهودیت در این زمینه هستیم که باید تامین نیاز معیشتی این افراد و زمینه توسعه انجام تحقیقات گسترده و تخصصی را فراهم کرد.»^۱

حجت الاسلام سید محمد میرتبار مدیر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) گیلان تاکید کرد: تربیت نیروی انسانی کارآمد و مهدی باوری در زمینه های تبلیغ، آشنایی با منابع و مباحث عقیدتی و تاریخی مهدویت، توانایی پاسخگویی به سوالات و شباهت مهدویت، آشنایی با فرقه ها و جریان های انحرافی و آmadگی های لازم جهت ورود به مباحث مهدویت برخی از اهداف برگزاری دوره تربیت مربی مهدویت است.

حجت الاسلام مرتضی وافی، مسئول دبیرخانه شورای عالی فرهنگی و برنامه ریزی مسجد مقدس جمکران از تدوین پیش نویس چشم انداز فرهنگی مسجد جمکران تا نیمه شعبان سال جاری خبر داد. و گفت: متأسفانه تاکنون برای مسجد جمکران چشم اندازی تدوین نشده است.

به گزارش خبرگزاری شبستان، دوره های آموزش مهدویت ویژه کارکنان ادارات و سازمان های آبادان و خرمشهر به همت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) برگزار می شود

اعلام فراخوان مرحله دوم ارسال آثار به جشنواره بین المللی آخرین منجی، علاقه مندان می توانند آثار تولیدی خود را حداکثر تا اول تیر به نشانی تهران، خیابان حضرت ولی عصر (عج)، خیابان جام جم، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ارسال و از طریق تماس با شماره تلفن های ۰۲۱۶۶۴۱۵، ۰۲۱۶۶۴۱۶، و ۰۲۰۱۳۸۰۰ نسبت به اخذ تاییدیه ارسال آثار اقدام کنند.

حجت الاسلام محمود اباذری، مسئول بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) تهران از برقراری دوره های آموزشی برای روحانیون، دانشجویان و فرهنگیان، مریبان پرورشی و معاونان آموزش و پرورش خبر داد.

گروه مطالعات راهبردی مهدویت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در تشریح عده فعالیت های مهدوی فرهنگ عمومی، راهبرد انتظار و سیاست های فرهنگی، تأثیر فرهنگی جریان های مدعی مهدویت، جریان های سالم و اصلی مهدوی، راهبرد مهدویت و رویکردهای آخرالزماني از محورهایی است که اولویت های پژوهشی این گروه را تشکیل می دهد. علاقه مندان برای آگاهی از متن نشست ها، سخنرانی ها و نقد فیلم ها با موضوع مهدویت می توانند به نشانی اینترنتی www.ric.ir مراجعه کنند.

حجت الاسلام سیدمسعود پورسیدآقایی، رئیس موسسه آینده روش در سومین پیش نشست پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت با حضور پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی به میزبانی دانشگاه امام صادق(ع) تهران، با تاکید برلزوم تدوین راهبرد فرهنگی برای زمینه‌سازی ظهور جای مهدویت رادرکرسی های نظریه پردازی و دانشگاهی خالی دانست.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) شعبه آبادان و خرمشهر با هدف گسترش فرهنگ انتظار و مهدویت وبلغی با عنوان منجی بلاگ را راه اندازی کرده و در پی آن دوره رایگان آموزشی وبلغنویسی را نیز برگزار می کند.

حجت الاسلام علی مصلحی، معاون آموزش مرکز تخصصی مهدویت از شرکت ۴۰۰ طبله در آزمون ورودی دوره های تخصصی خبر داد و گفت: مدت دوره های تخصصی مهدویت سطح ۳(کارشناسی ارشد) سه سال است. وی شرایط ثبت‌نام را شرایط عمومی حوزه علمیه دانست و اظهار داشت: اتمام پایه نهم حوزه و شرط سنی کمتر از ۳۴ سال از شرایط پذیرش آموزش تخصصی در این مرکز است.

زمین لرزه های مصنوعی، طرح جدید صهیونیستها برای تخریب مسجد الاقصی. یک کارشناس در امور اسرائیل که نامش ذکر نشده است، نسبت به زلزله های مصنوعی که در اطراف مسجدالاقصی انجام می شود، هشدار داد و گفت: سلسله حفاری های برنامه ریزی شده رژیم صهیونیستی، گام به گام مسجدالاقصی را به نابودی نزدیک می کند.

پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت با رویکرد «جامعه و دولت زمینه ساز؛ رسالت ها و راهبردها» در ۱۳ و ۱۴ مرداد ماه سال جاری در سالن اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران برگزار می گردد. علاقه مندان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی اینترنتی www.mahdaviat-conference.com مراجعه کنند.

آغاز دوره تربیت مریبی معارف مهدویت ویژه خواهان طبله با مشارکت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری از نیمه دوم فروردین ماه در استان های آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - سیستان و بلوچستان - گیلان - مازندران - هرمزگان - همدان.

چهارمین همایش مدیران استانی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود در تاریخ پنج شنبه ۸۸/۲/۳۱ و جمعه ۸۸/۳/۱ در بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود اصفهان برگزار شد.

اولین همایش مهدویت غرب کشور با عنوان مسعود مهرانی در تاریخ ۱۹ و ۲۰ فروردین ۸۸ در بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود استان لرستان برگزار گردید. در این همایش استاد پناهیان، کلباسی، محمدیان، رنجبران، جعفری، شاکری، کفیل و طاهری به ایراد سخن پرداختند.

قابل توجه برندگان ویژه نامه نیمه شعبان نشریه (شماره ۱۲) و باقی شماره های نشریه امان برندگانی که اسامی آنان در مجله اعلان شده یا نامیندگی های استانی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود با آنان تماس گرفته اند؛ جهت دریافت سکه نشان زرین امان (پلاک طلا) و اشتراک دوسالانه امان به دفاتر ما که شماره های آنان در صفحه اول مجله آمده تماس حاصل نمایند.

پابوشت

۱. در مراسم افتتاح کتابخانه تخصصی صاحب الزمان(عج) وابسته به مسجد مقدس جمکران

جـ دـول

عمودی

۱. سالروز فتح خرمشهر - جمع ملح است.
 ۲. روستا - زندگی امروزی چنین است.
 ۳. ضمیری است - کشته چنگی - از حروف ربط - از طوایف ایرانی.
 ۴. اول رجب میلاد این امام همان است.
 ۵. خاک و سرنشت آدمی - از بیماری هاست - بازداشتمن - از حروف ندا.
 ۶. سه کیلوگرم - من و تو - عضوی در صورت - جریان برق با آن صورت می گیرد.
 ۷. از فرزندان آدم علیہ السلام که به تاحق کشته شد - از القاب حضرت حجت
 ۸. تعطیل شدن - تلفظ حرف بیست و هشتم الفبای فارسی.
 ۹. مبتلا به بیماری سگ را گویند - تکیه دادن - گرمی و حرارت.
 ۱۰. نصیب و قسمت - حیله و کلک - شهر مذهبی.
 ۱۱. هزار متر مربع را گویند - صفت فاسقین - جمع فقیر.
 ۱۲. حادثه شهادت ۷۲ تن از یاران امام خمینی (ره) در این روز اتفاق افتاد - از سوره های قرآن در جزء بیست و دوم.
 ۱۳. عددی دو رقمی - تلفظ حرف سیزدهم الفبای فارسی - نمی شنود.
 ۱۴. قام خوبی مدام قم که س اغاز نیپست اسلام - ابراهیم به همه، امام خمینی، شد.

افقی

۱. شهادت ام الائمه در روز سوم جمادی الثاني.
 ۲. دوستی و محبت - سخت ترین قسمت دنдан - مواد زائد و سمی بدن.
 ۳. میزبان او را دعوت می کند - آشکار - شهری در استان فارس.
 ۴. رطوبت - وسیله انجشاری - از سوره های جزء سی ام قرآن کریم.
 ۵. رفوزه شدن - صلح و سازش میان دو نفر - دهان به عربی.
 ۶. کشتن شتر - مرکز فرماندهی.
 ۷. سوم رجب سالروز شهادت این امام همام است.
 ۸. از پیامبران الهی - از حروف نفی در عربی - جنگ و نبرد.
 ۹. کافی - رفت اما بدون حرف آخر - کلمه ای که در موقع درد به زبان می چهارمین شهید محراب.
 ۱۰. چهارمین منقبت - ایستاده و بدون حرکت.
 ۱۱. نوع شوار - چهره و رخ - جمع اسیر.
 ۱۲. تکرار حرف سی و دوم الفبای فارسی.
 ۱۳. تولیدش در بیستم جمادی الثانی، و حلتش، در جهادهای خرد دارد.

۱. با کثار هم قرار دادن حروف خانه‌هایی که شماره دارند رمز جدول را باید و به آدرس نشیره ارسال کنید تا به قید قرعه جزو برنده‌گان امان

۲. سوالات مسابقه تستی، از متن مجله (همین شماره) انتخاب شده است.

۳. پایی جدول و مسابقه تستی، جدایگانه قرعه کشی می‌شود.

^۴ حایزه هر برندۀ عبارت است: اهداء، یک سکه؛ زینامه: (بلاک طلایار، میز به آدم آمان)، +اشتاک دو سالانه نشیه اما.

۵ تعداد پندگان، جدول و مسابقه تستی در هر شماره ۴ نفر خواهد بود. (۲ نفر پایی جدول و ۲ نفر پایی مسابقه تستی)

۶. مهلت ارسال رمز جدوا، و یاسخ مسابقه این شماره تاریخ ۸۸/۵/۱۲ می باشد.

۷. ای ایرانی، که حق همیغ بکار شرکت کنندگان، که از داد و نیز دیگر برای ما پاسخنامه مهندسی نیویورک ضایع نشود اسمام، پرندگان، جدول، و مسابقه

تسته، هر شماره با یک شماره تأخیر اعلام می‌شود.

مسمیات

۱. امام زمان در عالم خواب به چه کسی فرمودند که درباره غیبت پیامبران کتاب بنویسد؟

ج. شیخ طوسی ب. شیخ صدوق

۲. بر جسته ترین شbahت میان حضرت یوسف علیه السلام و امام مهدی علیه السلام در چیست؟

ج. حضور ب. غیبت

۳. شفاعت رسول اکرم علیه السلام مثل رحمت حق است.

ج. هیچکدام ب. مطلق

۴. کدام شهید به شهید عرفه مشهور است؟

ج. هر دو ب. شهید چمران

۵. روزهای سوم رجب و بیست و پنجم رجب به ترتیب مصادف است با

ج. شهادت امام هادی علیه السلام ب. شهادت امام کاظم علیه السلام

۶. امام علی علیه السلام در نامه ۴۵، فرماندار خویش را

ج. برکنار می کند ب. تمجید می کند

۷. در دعای اللهم رب فتنی حجتک، اگر خداوند حجت خود را بما نشناشد

ج. از ایمان تهی می شویم ب. از دین گمراه می شویم

۸. توصیه امام خمینی علیه السلام در روزهای آخر به یکی از نزدیکانشان چه بود؟

ج. خواندن دعای ندبه ب. رفتن به مسجد مقدس جمکران

۹. خداوند چه پیامبری را در کودکی به مقام نبوت مفتخر ساخته بود؟

ج. هر دو ب. حضرت یحیی علیه السلام

۱۰. کدام گزینه صحیح نیست؟

ج. مراد از مدعی مشاهده، ادعای نیابت خاصه است ب. مراد از تکذیب مدعی مشاهده، ادعای ملاقات بدون شاهد و دلیل است

ج. روایت، مدعی مشاهده را کذاب نمی داند

مهلت ارسال پاسخنامه تا تاریخ ۱۲/۵/۸۸ می باشد و اسامی برنده‌گان در شماره ۱۹ اعلان خواهد شد.

نام: _____ نام خانوادگی: _____
تلفن: _____ کد شهرستان: _____ کد پستی: _____
نشانی پستی: _____
پست الکترونیک: _____
تحصیلات: _____ سن: _____ شغل: _____

**خواننده گرامی! شما با استفاده از این برگه:
نشریه خودتان را ارزیابی کنید.** مطالب زیبایتان را برای ما بنویسید.
پاسخ جدول را برایمان ارسال کنید.

فرم اشتراک مجله امان (ویژه امام زمان (عج))

نام: _____
نام خانوادگی: _____
میزان تحصیلات: _____
شغل: _____
نشانی دقیق: _____
کد پستی: _____
تلفن: _____
تعداد درخواستی: _____
شروع اشتراک از شماره: _____
مبلغ پرداختی: _____
شماره حواله: _____

هزینه اشتراک

نوع درخواست	با پست عادی
تک شماره	۵۰۰۰ + ۵۰۰ ریال
۶ شماره	۳۰۰۰ + ۳۰۰۰ ریال
۱۲ شماره	۶۰۰۰ + ۶۰۰۰ ریال

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۰۵۶۷۴۷۸۱۰) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به وسیله پست جواب قبول ما یا به نشانی - قم / خیابان شهداء (صفاییه) / کوچه شماره ۲۲ (آمار) / بن بست شهید علیان - مرکز تخصصی مهدویت (صندوق پستی ۳۹۷۵-۳۷۱۸۵) جهت نشریه امان ارسال یا فکس کنید.

یادآوری :

- از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری کنید.
- در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به دفتر مجله اطلاع دهید.
- تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰

پس‌بازی‌بازی‌بازی

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۳۷۱۸۴-۹۲ پرداخت شده است
و نیاز به الصاق تمبر نمی باشد.



ویژه امام زمان (عج)

www.aman.ir

قم/صندوق پستی ۳۹۷۵-۳۷۱۸۵

تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰